

دکتر ابراهیم بیک زاده



ژرفنگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سازمان ملل متحد

محاكم كیفری بین المللی: تئوری و عمل



شروء شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست مطالب

مقدمه

بخش اول: مبانی حقوقی تشکیل محاکم کیفری بین المللی

فصل اول: ایجاد دیوان کیفری بین المللی از طریق انعقاد معاهده ای

بین الدولی: حفظ روش سنتی حقوق بین الملل

I - محاسن تشکیل دیوان کیفری بین المللی از طریق انعقاد معاهده

II - معایب تشکیل دیوان کیفری بین المللی از طریق انعقاد معاهده

فصل دوم: ایجاد دادگاههای کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا از

طریق تصمیم سازمان ملل متحد: ارائه روشی نو

I - شورای امنیت سازمان ملل متحد و تشکیل محاکم کیفری

بین المللی

الف: شورای امنیت و تشکیل دادگاه کیفری بین المللی برای

یوگسلاوی سابق

ب: شورای امنیت و تشکیل دادگاه بین المللی برای رواندا

II - مشروعیت تصمیمات شورای امنیت برای تشکیل دادگاههای

بین المللی برای یوگسلاوی سابق و روآندا
III - محاسن و معایب تشکیل دادگاههای کیفری بین المللی برای
یوگسلاوی سابق و روآندا

الف: محاسن

ب: معایب

بخش دوم: سازمان و تشکیلات محاکم کیفری بین المللی
فصل اول: سازمان و تشکیلات دیوان کیفری بین المللی

I - شعب

الف: شعبه استینافی

ب: شعبه بدوی و سایر شعب

ج: ویژگی و نحوه انتخاب قضات

د: حقوق و تکالیف قضات

۱- حقوق قضات

۲- تکالیف قضات

هـ - ریاست

II - دادسرا

III - دفتر

فصل دوم: سازمان و تشکیلات دادگاههای بین المللی برای یوگسلاوی
سابق و روآندا

I - شعب

الف: ویژگی و نحوه انتخاب قضات

ب: حقوق و وظایف قضات

۱- حقوق قضات

۲- وظایف قضات

ج: ریاست

II - دادستانی

III - دفتر

IV - بودجه

بخش سوم: صلاحیت محاکم کیفری بین‌المللی

فصل اول: صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی

I - صلاحیت ذاتی

II - صلاحیت شخصی

III - صلاحیت زمانی و محلی

IV - صلاحیت متقارن

الف: همکاری و معاضدت قضایی

ب: انتقال متهم

فصل دوم: صلاحیت دادگاههای کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق

و رواندا

I - صلاحیت ذاتی

الف: صلاحیت ذاتی دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق

ب: صلاحیت ذاتی دادگاه بین‌المللی برای رواندا

II - صلاحیت شخصی

III - صلاحیت زمانی و محلی

الف: صلاحیت زمانی و محلی دادگاه کیفری بین‌المللی برای

یوگسلاوی سابق علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. صلاحیت زمانی

۲. صلاحیت محلی

ب: صلاحیت زمانی و محلی دادگاه بین‌المللی برای رواندا

۱. صلاحیت زمانی

۲. صلاحیت محلی

IV - صلاحیت متقارن

بخش چهارم: تعیین مجازاتها و اجرای آنها در محاکم کیفری بین‌المللی

فصل اول: تعیین مجازاتها و اجرای آنها در دیوان کیفری بین‌المللی

I - تعیین مجازاتها

الف: ماهیت مجازاتها

ب: میزان مجازاتها

II - دادرسی

الف: تحقیق و تعقیب

۱. شکایت

۲. تحقیق

۳. آثار تحقیق

۳.۱. منع تعقیب

۳.۲. شروع تعقیب

ب: رسیدگی

۱. احراز صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی

۲. حقوق متهم

۲.۱. براءت

۲.۲. حق حضور در دادرسی

۲.۳. حق اظهار نظر

۲.۴. برخورداری از فرصت و امکانات کافی برای دفاع

۲.۵. رسیدگی بدون تأخیر موجه

۲.۶. حق برخورداری از وکیل

۲.۷. حق پرسش از شهود علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲.۸. حق استفاده از زبان خود علوم انسانی

۲.۹. عدم واداشتن به ادای شهادت بر ضد خود

۳. نحوه رسیدگی

III - صدور احکام

الف: قانونی بودن احکام

ب: نحوه تصمیم‌گیری

IV - قطعی شدن احکام

الف: استیناف

ب: تجدید نظر

۷- اجرای احکام

الف: اجرای حکم

ب: عفو، آزادی مشروط و تخفیف مجازات

فصل دوم: تعیین مجازاتها و اجرای آنها در دادگاههای کیفری بین‌المللی

برای یوگسلاوی سابق و رواندا

I- تعیین مجازاتها

الف: ماهیت مجازاتها

ب: میزان مجازاتها

۱. میزان مجازاتها در دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی

سابق

۲. میزان مجازاتها در دادگاه بین‌المللی برای رواندا

II- دادرسی

الف: تحقیق و تعقیب

ب: رسیدگی

III- صدور احکام

IV- قطعی شدن احکام نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

الف: استیناف

ب: تجدید نظر

۷- اجرای احکام

الف: اجرای حکم

ب: عفو و تخفیف مجازات

نتیجه گیری



پښتونستان کالج اعلیٰ و تحقیقات
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

منشور ملل متحد در پیشگفتار خود اعلام می‌دارد: «ما مردم ملل متحد مصمم هستیم که شرایط ضروری برای حفظ عدالت و احترام به تعهدات ناشی از معاهدات و سایر منابع حقوق بین‌الملل را فراهم کنیم».

این متن در واقع تدوین ندای عدالتخواهی است که از قرن‌ها پیش در برهه‌هایی از تاریخ پر فراز و نشیب بشریت طنین افکن شده است.

پایه‌های حقوق بین‌الملل کنگره‌ها^۱ با جنگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴ (جنگ اول جهانی) به شدت به لرزه درآمد. مفاهیم حقوق بین‌الملل کلاسیک دیگر بر واقعیتهای زندگی ملل تطبیق نمی‌کرد. این پایه‌های لرزان با وقوع جنگ دوم جهانی درهم شکست و حقوق بین‌الملل کلاسیک فروپاشید. باید گفت که این فروپاشی خود ناشی از تغییر و دگرگونی عمیقی بود که در ساختار سیاسی و اقتصادی و اجتماعی جامعه بین‌المللی بوجود آمده بود. همانطور که اقتصاد ریکاردویی دیگر قابل اجرا نبود حقوق

۱. منظور حقوق بین‌الملل ناشی از کنگره‌های وین، پاریس، برلن می‌باشد که اوج آن را در قرن نوزدهم می‌توان ملاحظه نمود.

بین الملل گروسیوسی نیز باید جای خود را به قواعد جدید می‌داد.^۲ در نظم بین‌المللی بعد از این جنگ نه فقط حقوق بین‌الملل مورد تأیید و تأکید قرار گرفت بلکه ضمانت اجرای کیفری نیز برای برخی قواعد آن لحاظ شد. تشکیل محاکم نظامی نورمبرگ و توکیو برای محاکمه جنایتکاران جنگی خود گویای این واقعیت است.

اگرچه عملکرد این محاکم شالوده حقوق بین‌الملل کیفری را ریخت ولی نمی‌توانست به بحران حقوق بین‌الملل خاتمه دهد. بحرانی که ریشه در اصول بنیادین جامعه بین‌المللی داشت. از آنجا که حقوق بین‌الملل ماهیتاً جهانگیر است، زمانی می‌توان به این بحران خاتمه داد که میان مفاهیم متضاد سازش ایجاد کرد. این سازش امکان‌پذیر نیست مگر آنکه به منبع واقعی حقوق بین‌الملل یعنی منافع جمعی و عمومی بین‌المللی بازگشت. این منافع مشترک در هر برهه به شکلی تجلی یافته است. امروز منفعت مشترک جامعه بین‌المللی لزوم وجود صلح و امنیت و حفظ آنهاست. بنظر می‌رسد که صلح شرط ضروری و تنها شانس زیست جامعه بین‌المللی در مقابل خطرات انبوهی باشد که آن را تهدید می‌کنند. بدین ترتیب لزوم صلح، فوری و دائمی است. صلح با تشکیل محاکمی زودگذر که برای زدودن تراژدیهای گذشته از خاطره‌ها و تسکین موقتی آلام وجدان بین‌المللی بوجود می‌آیند تضمین نمی‌شود بلکه تضمین آن با از میان بردن عدم تعادل خطرناکی که میان پیشرفت انسان در عرصه‌های مختلف علم و تکنولوژی از یک سو، و سقوط اخلاق بین‌المللی از سوی دیگر، بوجود آمده است ممکن می‌باشد.

باید آینده‌ای را رقم زد که در آن یک نهاد قضایی بین‌المللی دائمی ایجاد گردد تا اجرای هرگونه قواعد مرتبط با نفع عمومی بین‌المللی را تضمین نماید؛ چونکه به قول ژرژسِل «انسانها فاقد هرگونه روحیه حقوقی خالص و ناب هستند و فقط در مقابل قواعد لازم‌الاجرا سر تسلیم

۲. رجوع شود به:

WITENBERG. J.C. "De Grotius à Nuremberg quelques réflexions"
R.G.D.I.P., Tome LI, paris, 1947, p. 89-112.

فرود می‌آورند».^۲

خوشبختانه جامعه بین‌المللی به وجود چنین ضرورتی پی برده است. اولین حرکت سازنده در این مورد بعد از تشکیل سازمان ملل متحد آغاز شد.^۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه ۲۶۰ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۴۸ مسأله تأسیس یک دیوان کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به جرم

۳. نقل شده توسط:

WITENBERG J.C. op. cite. p.104.

۴. البته از لحاظ سیر تاریخی باید گفت اولین دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۱۴۷۴ در برساخ (Breisach) در آلمان بوجود آمد. این دیوان با ۲۷ قاضی امپراطوری رمی-ژرمنیک پترفون هاخن باک (Peter von Hagenback) را به خاطر تجاوزانش به «قوانین خداوند و بشر محاکمه و محکوم نمودند، زیرا او به سربازانش اجازه تجاوز کردن به غیرنظامیان و کشتن و غارت اموال آنها را داده بود. رجوع شود به:

BASSIOUNI-cherif "Draft statute international tribunal" èrès, paris, 1993, p.149.

- دومین حرکت در جهت تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی به بعد از پایان جنگ اول جهانی باز می‌گردد براساس مواد ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹ معاهده ورسای قرار شد یک دادگاه کیفری بین‌المللی تشکیل و ویلهلم هوهن زولرن (Guillaume de Hohenzollern) امپراطور آلمان را به خاطر «تجاوز به اخلاق بین‌المللی و معاهدات» محاکمه نماید. اما معاهده در این قسمت به علت اعطای پناهندگی از سوی هلند به امپراطور آلمان اجرا نشد. به نظر هلند جنایت پیش‌بینی شده در معاهده ورسای برضد امپراطور آلمان اساساً یک «جرم سیاسی» بود؛ و از آنجا که تصمیم به جنگ واقع در قلمرو امتیازات ناشی از اعمال حاکمیت ملی یک رئیس دولت بود، لذا او را مسترد نکرد. متفقین هم در واقع از اجرای این قسمت از معاهده ورسای امتناع کردند، چونکه اجرای آن دلالت بر جزایی بودن جرم «تجاوز» می‌کرد و چون تجاوز هنوز معلوم نبود لذا نمی‌شد آن را محاکمه کرد. کمیسیون ۱۹۱۹ که توسط کنفرانس مقدماتی صلح تشکیل شد، پرونده بیش از ۲۰۰۰۰ نفر را بررسی و سرانجام تصمیم گرفت که ۱۲۰۰۰ نفر از آنها به علت ارتکاب به جنایت جنگی قابل تعقیب هستند. اما متفقین تمایل چندانی به این کار نشان ندادند و طرحهای مربوط به تشکیل یک دادگاه بین‌المللی یا دادگاه ملی برای جنایات جنگی رد شد. دو سال بعد از انعقاد معاهده ورسای متفقین تصمیم گرفتند که نه یک دادگاه بین‌المللی و نه حتی محاکم ملی برای محاکمه جنایتکاران جنگی پیش‌بینی شده در مواد ۲۲۸ و ۲۲۹ آن معاهده تشکیل دهند و قرار شد آلمان خود این کار را انجام دهد. کمیسیون ۱۹۱۹ سرانجام فهرست اشخاصی را که باید محاکمه می‌شدند به ۸۹۶ نفر تقلیل داد. اما تردید آلمان از یک سو، و ضعف متفقین برای محاکمه این افراد از سوی دیگر، این تعداد را به ۴۵ نفر کاهش داد و قرار شد که این افراد توسط بخش کیفری دادگاه عدالت امپراطوری مستقر در لایپزیگ (Leipzig) محاکمه شوند. از

کشتار جمعی (ژنوسید) را مطرح نمود. در این قطعنامه پس از بررسی تشکیل یک دادگاه کیفری برای محاکمه اشخاص متهم به جرم کشتار جمعی، مسأله تأسیس یک دادگاه کیفری بین المللی با صلاحیت گسترده تری مطرح شد و تدوین اساسنامه چنین دادگاهی به عهده کمیسیون حقوق بین الملل گذاشته شد.^۵ با این حرکت جامعه بین المللی لزوم تشکیل یک دیوان کیفری بین المللی دائمی با صلاحیت عام را پذیرفت. کمیسیون حقوق بین الملل برای تهیه اساسنامه یک دیوان کیفری بین المللی مخبرهای ویژه ای تعیین نمود. مخبرین در گزارشهایی که به کمیسیون تسلیم کردند یا تشکیل یک دیوان کیفری بین المللی را امری ضروری تشخیص ندادند یا اینکه اگر تأسیس آن را ضروری تشخیص دادند ایجاد آن را ناممکن تلقی نمودند.^۶ مجمع عمومی، پس از بررسی گزارش کمیسیون حقوق بین الملل قطعنامه ۴۸۹ را در ۱۲ دسامبر ۱۹۵۲

آنجا که دادستان دادگاه عدالت امپراطوری از اختیارات وسیعی در شروع تعقیبها برخوردار بود تعداد افراد قابل محاکمه را از ۲۵ نفر به ۱۲ نفر تقلیل داد که از آن میان شش نفر هم تبرئه شدند. رجوع شود به:

BASSIOUNI-cherif "La commission des experts des Nations unies établie par la résolution 780 du conseil de sécurité" in *Revue internationale de droit pénal.*, èrés, paris, 1995, p. 196-197

سومین حرکت در جهت تشکیل دادگاه کیفری بعد از پایان جنگ دوم جهانی است که دو دادگاه نظامی نورمبرگ و توکیو برای محاکمه جنایتکاران جنگی آلمان و ژاپن تشکیل شد. دادگاه نورمبرگ براساس موافقتنامه ۸ اوت ۱۹۴۵ لندن منعقدہ فیما بین انگلستان، آمریکا، فرانسه و شوروی بوجود آمد. در مورد این دادگاهها در متن اصلی اشاراتی خواهد شد، لذا از شرح بیشتر خودداری می شود.

۵. رجوع شود به:

STERN- Brigitte "La cour-criminelle internationale dans le projet de la commission du droit international" présenté au colloque du Qatar, 1995, dactylographie, pp. 4-5.

۶. رجوع شود به گزارش آقایان سند استروئیم (Sandström) و آلفارو (Alfaro) در
Rapport de la CDI, Assemblée générale, DOC. off. 5e session, supp. No 4
12 A/1316.

تصویب و کمیته‌ای متشکل از نمایندگان ۱۷ دولت برای تهیه اساسنامه یک دیوان کیفری بین‌المللی ایجاد کرد. این کمیته پیش‌نویس اساسنامه یک دیوان کیفری را نیز تدوین نمود. اما این اساسنامه مورد قبول مجمع عمومی واقع نشد. این رکن با تصویب قطعنامه ۶۸۷ کمیته خاص دیگری تشکیل و آن را مسؤول بررسی عمیق مسأله نمود. کمیته اخیر پیش‌نویس اساسنامه‌ای را تهیه و به اجلاس ۱۹۵۳ مجمع عمومی تقدیم نمود. اما مجمع عمومی در ۱۹۵۴ تصمیم گرفت کلیه کارهای مربوط به تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی و همچنین تهیه «قانون جرایم بر ضد صلح و امنیت بشری» به حالت تعلیق درآید. علت این تصمیم عدم وجود تعریف از «تجاوز» بود.

کمیسیون حقوق بین‌الملل پس از تعریف تجاوز توسط قطعنامه ۳۳۱۴ مورخ ۱۹۷۴ کار خود را در مورد تهیه «قانون جرایم بر ضد صلح و امنیت بشری» از سرگرفت و آقای دودوتیام (Dou dou THIAM) به عنوان مخبر ویژه تعیین شد. مسأله تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی تا گزارش هشتم آقای تیام در ۱۹۹۰ مسکوت ماند. مجمع عمومی در ۱۹۸۹ ابتکار از سرگیری کار مربوط به تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی را بدست گرفت و از کمیسیون حقوق بین‌الملل خواست ضمن بررسی مسأله تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به جرم کشتار جمعی و جنایات بر ضد صلح و امنیت بشری مسأله رسیدگی به جرم قاچاق مواد مخدر را نیز مورد توجه قرار دهد.

مجمع عمومی همچنین در قطعنامه ۴۵/۴۱ مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۹۰ از کمیسیون حقوق بین‌الملل درخواست کرد «مسأله تشکیل یک محکمه کیفری بین‌المللی از جمله امکان تشکیل یک دادگاه جزایی بین‌المللی یا یک محکمه جزایی دیگر با ویژگی بین‌المللی را مورد بررسی قرار دهد».

به نظر می‌رسد که از سرگیری کارهای مربوط به تشکیل یک دیوان کیفری بین‌المللی بی‌ارتباط با اعلام نظم نو جهانی در ۱۹۹۰ نباشد. نظمی که در آن «حکومت قانون» و احترام و رعایت قواعد بین‌المللی باید تجلی

عینی یابد.

مجمع عمومی پس از دریافت دهمین گزارش کمیسیون حقوق بین الملل در ۱۹۹۲ با تصویب قطعنامه ۴۷/۳۳ مورخ ۲۵ نوامبر ۱۹۹۲ از کمیسیون حقوق بین الملل خواست با توجه به اینکه امکان تشکیل دیوان کیفری بین المللی فراهم است اقدام لازم را جهت تهیه پیش نویس یک اساسنامه برای دیوان کیفری بین المللی آغاز کند. مجمع عمومی در اجلاس ۱۹۹۳ با تصویب قطعنامه ۴۸/۳۱ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۳ از کمیسیون حقوق بین الملل درخواست می کند که کارهای خود را در مورد پیش نویس اساسنامه یک دیوان کیفری بین المللی ادامه داده و در صورت امکان پیش نویس آن را برای چهل و ششمین اجلاس کمیسیون در سال ۱۹۹۴ تهیه کند.

در اجرای این قطعنامه آقای دودو تیام موفق شد در گزارش یازدهم خود در به چهل و ششمین اجلاس کمیسیون حقوق بین الملل در ۲۵ مارس ۱۹۹۴، پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری بین المللی را ارائه نماید.^۷ این پیش نویس در این جلسه به تصویب رسید.

مجمع عمومی با دریافت پیش نویس مصوب کمیسیون حقوق بین الملل با تصویب قطعنامه ۴۵/۵۳ مورخ ۱۷ فوریه ۱۹۹۵ یک کمیته خاص که عضویتش برای کلیه دولتهای عضو یا اعضای مؤسسات تخصصی ممکن است تشکیل داد. این کمیته مسئول بررسی مسائل ماهوی و شکلی پیش نویس مصوب کمیسیون حقوق بین الملل شد. این کمیته پس از انجام وظایف محوله گزارش خود را به پنجاهمین اجلاس مجمع عمومی تسلیم نمود.^۸ مجمع عمومی در جریان اجلاس پنجاهم خود در ۲۹ نوامبر ۱۹۹۵، ضمن اعلام اینکه کمیته قبلی کارش را بطور کامل انجام داده است،

۷. رجوع شود به:

"Rapport de la commission du droit international sur les travaux de sa 46e session", in Assemblée générale, A/49/355 du 1er septembre 1994, pp.1-33.

۸. رجوع شود به:

مبادرت به تشکیل یک کمیته مقدماتی نمود. این کمیته موظف است تا موضوعهای اصلی پیش نویس اساسنامه را مورد بررسی دقیق قرار دهد تا کنوانسیون مؤسس دیوان کیفری بین‌المللی مورد قبول تعداد بیشتری از دولتها قرار گیرد.^{۱۰} این کمیته مقدماتی باید برای انجام این وظیفه جلساتی را از ۲۵ مارس تا ۱۲ آوریل و از ۱۲ تا ۳۰ اوت ۱۹۹۶ تشکیل و نتیجه بررسیهای خود را به مجمع عمومی ارائه نماید.^{۱۱}

در کنار این تلاشها که تا به حال جنبه تئوریک داشته و هنوز تحقق عینی نیافته است، جامعه بین‌المللی به علت بروز مخاصمات و سفاکیها و تجاوزاتی که به حریم قواعد بین‌المللی بخصوص به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در برخی از مناطق جهان روی داد مجبور شد دادگاههای کیفری خاص برای این مناطق ایجاد نماید. این دادگاههای کیفری خاص همان دادگاه کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به جنایات ارتكابی در سرزمین یوگسلاوی سابق و همچنین دادگاه بین‌المللی برای رواندا می‌باشند.

در این تحقیق نتیجه تلاش سازمان ملل متحد برای تشکیل محاکم کیفری بین‌المللی هم از لحاظ تئوریک، با بررسی پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مصوب چهل و ششمین اجلاس کمیسیون حقوق بین‌الملل، و هم از لحاظ عملی، با بررسی اساسنامه‌ها و آیین دادرسی و احکام دادگاههای کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا، مورد مطالعه قرار می‌گیرد و سعی می‌شود وجوه اشتراک و افتراق تئوری و عمل سازمان ملل متحد در این قلمرو مشخص شود.

مقاله حاضر مشتمل بر چهار بخش به شرح زیر است:

بخش اول: مبانی حقوقی تشکیل محاکم کیفری بین‌المللی

بخش دوم: سازمان و تشکیلات محاکم کیفری بین‌المللی

۹. رجوع به قطعنامه A/50/46 جمع عمومی سازمان ملل متحد

۱۰. رجوع شود به:

GA/L/2997, fiftieth general Assembly, sixth committee 46th meeting, Newyork, 29 November 1995.

بخش سوم: صلاحیت محاکم کیفری بین‌المللی
بخش چهارم: تعیین مجازاتها و اجرای آنها توسط محاکم کیفری
بین‌المللی.

بخش اول

مبانی حقوقی تشکیل محاکم کیفری بین‌المللی

از آنجا که مسائل جزایی و رسیدگی به آن بطور سنتی در اختیار دولتها می‌باشد لذا تشکیل محاکم کیفری بین‌المللی ارتباط بسیار نزدیکی با حاکمیت آنها دارد. اگر دیدگاه کلاسیک حقوق بین‌الملل در مورد ساختار جامعه بین‌المللی ملاک قرار گیرد تشکیل هر نوع محکمه کیفری بین‌المللی با حاکمیت دولتها در تضاد خواهد بود. این امر سبب شده است که بعضی از اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل اعلام کنند که تشکیل یک محکمه کیفری بین‌المللی در جهانی که «هنوز از لحاظ وحدت ضعیف می‌نماید قابل تصور و تحقق نیست» و حتی جلوتر رفته ایجاد چنین دادگاهی را «خیالی» و حتی «خطرناک» می‌دانند. "اما با تحولاتی که در ساختار سیاسی، "اقتصادی" و حتی فرهنگی" جامعه بین‌المللی آغاز شده است به نظر می‌رسد که نظم نو بین‌المللی مبتنی بر ساختار جدید، مفهوم و رجوع شود به:

BENNOUNA-Mohamed "la création d'une Juridiction pénale internationale et la souveraineté des Etats", AFDI, paris, 1990, p.306.

۱۲. تحول ساختار سیاسی جامعه بین‌المللی با فروپاشی بلوک شرق (شوروی و اقماران) آغاز شده است. این فروپاشی زمینه پایان یافتن جنگ سرد حاکم بر روابط شرق و غرب را مهیا نمود.

۱۳. از لحاظ اقتصادی نیز اصول اقتصاد آزاد تقریباً حاکم شده است. برای مثال موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) از اول ژانویه ۱۹۹۵ تبدیل به سازمان تجارت جهانی (WTO) شده و براساس آمار منتشره توسط این سازمان در نوامبر ۱۹۹۵ حجم مبادلات بازرگانی در چارچوب این سازمان، بالغ بر ۵۲۰۰ میلیارد دلار شده است که از این میزان ۴۰۰۰ میلیارد دلار اختصاص به مبادله کالا و ۱۲۰۰ میلیارد دلار اختصاص به مبادله خدمات دارد.

۱۴. از جهت فرهنگی هم تلاش در جهت ارائه یک الگوی فرهنگی واحد است که این خود اعتراض برخی کشورها را در قالب تهاجم فرهنگی سبب شده است.

معنای جدیدی از حاکمیت را ارائه دهد. بنابراین به نظر نمی‌رسد که در این نظم تشکیل محاکم کیفری بین‌المللی دیگر برخورد و تضاد چندانی با حاکمیت دولتها داشته باشد.

برای تشکیل محاکم کیفری بین‌المللی علی‌الاصول دو راه قابل تصور است. اول، راه کلاسیک و سنتی حقوق بین‌الملل است که همان تأسیس این محاکم از طریق انعقاد یک معاهده بین‌المللی است. دوم تشکیل این محاکم از طریق تصمیم یک سازمان بین‌المللی است. راه دوم نسبت به روش کلاسیک حقوق بین‌الملل نوع آوری محسوب می‌شود.

فصل اول

ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی از طریق انعقاد یک

معاهده بین‌الدولی: حفظ روش سنتی حقوق بین‌الملل

روش سنتی حقوق بین‌الملل برای ایجاد نهادهای بین‌المللی تأسیس آنها از طریق انعقاد یک معاهده بین‌الدولی است. برای این کار کنفرانس دیپلماتیکی تشکیل و معمولاً پیش‌نویس تهیه شده به بحث و بررسی گذاشته می‌شود،^{۱۵} تا سرانجام منجر به تهیه متن نهایی معاهده می‌شود. از لحاظ تاریخی هم این روش مورد توجه بوده است. در این مورد می‌توان از دادگاه نظامی نورمبرگ نام برد که براساس موافقتنامه ۸ اوت ۱۹۴۵ لندن ایجاد شد. در مورد دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق هم کنفرانس همکاری و امنیت اروپا ایجاد آن را از طریق انعقاد یک کنوانسیون پیشنهاد کرده بود.

به نظر می‌رسد که در مورد تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی از روش انعقاد معاهده استفاده شود؛ زیرا مجمع عمومی در قطعنامه ۴۵/۵۳ مورخ

۱۵. البته در برخی کنفرانسهای دیپلماتیک پیش‌نویسی از قبل برای مذاکره تهیه نشده است که در این مورد می‌توان از کنفرانس سوم سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریا نام برد. در این کنفرانس متون مذاکره‌ای که سرانجام منجر به کنوانسیون ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ شد، توسط دولتهای شرکت‌کننده در طول کنفرانس تهیه و به بحث و بررسی گذاشته شد.

۱۷ فوریه ۱۹۹۵ اعلام می‌دارد که در پنجاهمین اجلاس خود گزارش کمیته خاص مسؤول بررسی پیش‌نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل و دیدگاه‌های مکتوب دولتها را بررسی و تصمیمات لازم جهت تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی برای انعقاد یک معاهده را اتخاذ می‌نماید. مجمع عمومی در اجلاس پنجاهم با تشکیل یک کمیته مقدماتی از آن کمیته خواست که مسائل اصلی پیش‌نویس کمیسیون را مد نظر قرار دهد تا دولتهای بیشتری به عضویت معاهده تشکیل دهنده دیوان کیفری بین‌المللی در آیند.

I. محاسن تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی از طریق انعقاد معاهده

تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی از طریق انعقاد معاهده حسن مهمی دارد؛ چون که مذاکرات مربوط به انعقاد معاهده، که بی‌شبهت به مذاکرات پارلمانی نیست، امکان می‌دهد تا دولتها دیدگاههای خود را در قالب پیشنهاد و اصلاحیه ارائه دهند. این روش ضمن آنکه احترام به حاکمیت دولتها را تا حدودی رعایت می‌کند سبب می‌شود متون تهیه شده هم از لحاظ کیفیت و هم از لحاظ راه‌حلهایی که ارائه می‌کنند بهتر و کاملتر باشند. حسن دیگری که می‌توان برای این روش لحاظ نمود، اطمینان از پذیرش وجود چنین محکمه‌ای توسط تعداد بیشتری از اعضای جامعه بین‌المللی و بخصوص همکاری با آن است.

II. معایب تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی از طریق انعقاد معاهده

از معایب تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی از طریق انعقاد معاهده طولانی شدن آن است. در روش تشکیل دیوان از طریق معاهده به زمان زیادی نیاز است و این امر گاه، به لحاظ فوری بودن رسیدگی به جنایات و تعرض به قواعد حقوق بین‌الملل، مشکل ایجاد می‌کند. مشکل دیگر این روش خود دولتها هستند که باید این معاهده را تصویب کنند. از آنجا که لازمه اجرای یک معاهده بین‌المللی تصویب آن

است بنابراین مشکل اجرای آن با عدم تصویب مطرح می‌شود بخصوص آنکه مشکل اجرا زمانی حادثتر می‌شود که دولتهای طرف مخاصمه آن معاهده را تصویب نکنند.

از سوی دیگر مسأله مهم دیگری که مطرح می‌شود قبولی صلاحیت اجباری دیوان کیفری بین‌المللی است. در این مورد پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در ماده ۲۲ خود، روشی مشابه با دیوان بین‌المللی دادگستری را پذیرفته است. براساس این ماده، دولتها در هنگام پذیرش اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی یا در فرصتی بعد با تسلیم اعلامیه به مدیر دفتر دیوان، صلاحیت دیوان را برای رسیدگی به جنایات مندرج در ماده ۲۰ اساسنامه آن می‌پذیرند. این اعلامیه همانند اعلامیه قبولی اختیاری صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری می‌تواند صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی را از لحاظ صلاحیت ذاتی و زمانی بطور کلی یا به صورت محدود بپذیرد. روش پذیرش اختیاری صلاحیت اجباری هم با توجه به تجربه دیوان بین‌المللی دادگستری چندان موفق نبوده است، چونکه از میان ۱۸۵ کشور عضو سازمان ملل متحد که طبق ماده ۹۲ منشور عضو اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز هستند تا ۳۱ ژوئیه ۱۹۹۴ فقط ۵۸ کشور صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری را با صدور اعلامیه پذیرفته‌اند که برخی از آنها حتی صلاحیت دیوان را بطور کلی نیز نپذیرفته‌اند.

مسأله دیگری که روش ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی از طریق معاهده ایجاد می‌کند رابطه دیوان با سازمان ملل متحد است. اگر دیوان از طریق معاهده بوجود آید بالطبع نهادی خارج از سازمان ملل متحد است و این می‌تواند به همکاری میان این سازمان جهانی و دیوان کیفری بین‌المللی لطمه وارد کند. از آنجا که این همکاری ضروری است پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری در ماده ۲ خود این را مد نظر قرار داده است. ماده ۲ اشعار می‌دارد که: «رئیس دیوان می‌تواند، با موافقت دولتهای متعاقد این اساسنامه، موافقتنامه‌ای جهت برقراری روابط مناسب

میان دیوان و سازمان ملل متحد منعقد نماید».

همانگونه که ملاحظه می‌شود اولاً انعقاد معاهده مربوط به برقراری روابط میان دیوان کیفری بین‌المللی و سازمان ملل متحد اجباری نیست؛ ثانیاً نیاز به موافقت دولتهای عضو اساسنامه دارد. این دلایل می‌توانند انعقاد این معاهده را غیرمحمتمل نمایند. مجموع این معایب و مسائل سبب شده است که از روش دیگری برای تشکیل محاکم کیفری بین‌المللی استفاده شود و آن ایجاد چنین محاکمی از طریق تصمیم سازمان ملل متحد است.

فصل دوم

ایجاد دادگاههای کیفری برای یوگسلاوی سابق و روآندا از طریق سازمان ملل متحد: ارائه روشی نو

از آنجا که سازمان ملل متحد براساس منشور خود، صلاحیت بلامنازعی برای حفظ و حمایت از حقوق بشر دارد،^{۱۳} پس می‌توان علی‌الاصول تشکیل دادگاههای کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و روآندا (با توجه به نقض شدید حقوق بشردوستانه در این سرزمینها) را در صلاحیت آن دانست. اما مشکل بر سر تعیین رکن صالح سازمان برای تشکیل چنین محاکمی است. در اینجا ابتدا ممکن است صلاحیت مجمع ۱۶. رجوع شود به:

الف- ماده ۱ (بند ۳) منشور ملل متحد که اشعار می‌دارد: «اهداف ملل متحد عبارتند از: حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشردوستانه است، و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب».

ب- ماده ۱۳ (بند یک شق ب) منشور ملل متحد که اشعار می‌دارد: «مجمع عمومی نسبت به امور زیر امکان انجام مطالعات و صدور توصیه‌هایی را فراهم می‌کند:

ترویج همکاری بین‌المللی در امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، کمک به تحقق حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همه، بدون هیچ‌گونه تبعیض از حیث نژاد جنس، زبان و مذهب».

ج- ماده ۵۵ (بند ج) منشور ملل متحد که اشعار می‌دارد: «سازمان ملل متحد، به منظور ایجاد شرایط ثبات و رفاه... امور زیر را تشویق می‌کند: احترام جهانی و موثر حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب».

عمومی مطرح شود اما از آنجا که نقض شدید حقوق بشر دوستانه، صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند، پس شورای امنیت صالح برای تشکیل این دادگاهها می‌باشد. زیرا شورای امنیت، طبق منشور ملل متحد، وظیفه و مسئولیت اصلی حفظ و برقراری مجدد صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد و تا زمانی که این رکن به وظیفه خود عمل می‌کند مجمع عمومی نمی‌تواند دخالتی در مسأله کرده و حتی توصیه‌ای در آن خصوص نماید.^{۱۷}

I. شورای امنیت سازمان ملل متحد و تشکیل محاکم کیفری بین‌المللی
شورای امنیت تا به حال دوبار مبادرت به تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی نموده است.

الف. شورای امنیت و تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق

با آغاز درگیری در سرزمین یوگسلاوی سابق و بخصوص در بوسنی و هرزگوین، سفاکیها و تعارضاتی به حقوق بین‌الملل بشر دوستانه شد^{۱۸} که سبب گردید شورای امنیت از ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۱ با تصویب قطعنامه‌های متعددی در بحران یوگسلاوی سابق وارد شود.^{۱۹} شورای امنیت در قطعنامه ۷۶۴ مورخ ۱۳ ژوئیه ۱۹۹۲ از طرفین درگیر می‌خواهد که مقررات حقوق

۱۷. رجوع شود به ماده ۱۲ (بند یک) منشور ملل متحد که اشعار می‌دارد:

«تا زمانی که شورای امنیت در مورد هر اختلاف یا وضعیت، وظایف خود را که طبق منشور به آن محول شده است انجام می‌دهد، مجمع عمومی در مورد آن اختلاف یا وضعیت هیچ‌گونه توصیه‌ای نخواهد کرد مگر آنکه شورای امنیت از آن تقاضا نماید.

۱۸. رجوع شود به گزارش کمیسیون کارشناسی که براساس قطعنامه ۷۸۰ شورای امنیت تشکیل شد.

Conseil de sécurité S/1994/674 du 27 mai 1994, pp. 1-87.

این کمیسیون در تهیه گزارش خود بالغ بر ۶۵۰۰۰ صفحه اسناد و مدارک را مورد بررسی

قرار داده است.

۱۹. شورای امنیت از ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۱ تا ۲۳ ژوئن ۱۹۹۵ تعداد ۷۶ قطعنامه در مورد بحران یوگسلاوی سابق تصویب کرده است؛ البته بعد از این تاریخ نیز قطعنامه‌هایی تصویب شده‌اند که از آن جمله قطعنامه‌های ۱۰۲۲ و ۱۰۲۳ مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۹۵ می‌باشند.

بین الملل بشردوستانه بخصوص کنوانسیونهای ۱۹۴۹ ژنورا رعایت کنند. شورای امنیت همچنین اعلام کرد کسانی که مرتکب نقض این مقررات شوند شخصاً مسؤول می باشند.

شورای امنیت در پی نقض سیستماتیک حقوق بشردوستانه با صدور قطعنامه ۷۷۱ در ۱۳ اوت ۱۹۹۲ نگرانی خود را از حمله به بیمارستانها، اسیر کردن مردم عادی و ممانعت از رساندن مواد غذایی و دارویی به آنها، تخریب و غارت اموال و همچنین «پاکسازی قومی» ابراز و آنها را محکوم کرد؛ و از کلیه سازمانها خواست که موارد نقض حقوق بشردوستانه را به اطلاع شورا برسانند.

شورای امنیت همچنین با تصویب قطعنامه ۷۸۰ در ۶ اکتبر ۱۹۹۲ از دبیرکل خواست که یک کمیسیون کارشناسی بی طرف برای بررسی حوادث یوگسلاوی سابق و همچنین تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده براساس قطعنامه ۷۷۱ تشکیل دهد.

این کمیسیون در گزارش خود موارد نقض شدید حقوق بشردوستانه از جمله کشتارهای عمومی و وسیع، پاکسازی قومی، شکنجه، تجاوز جنسی، غارت و تخریب اموال غیرنظامی، تخریب اموال فرهنگی و تاریخی و مذهبی و بازداشتها و دستگیریهایی بی جهت را ذکر نموده است.^{۲۰}

شورای امنیت با بررسی قطعنامه های قبلی و بخصوص گزارش کمیسیون کارشناسی، قطعنامه ۸۰۸ را در ۲۲ فوریه ۱۹۹۳ صادر و ضمن ابراز نگرانی شدید خود از نقض حقوق بشردوستانه و اینکه چنین وضعیتی تهدیدی بر ضد صلح و امنیت بشری می باشد، عزم راسخ خود را در پایان بخشیدن به چنین جنایاتی اعلام می کند. شورای امنیت در همین قطعنامه، تصمیم به تشکیل یک دادگاه بین المللی برای محاکمه متهمین به نقض شدید حقوق بشردوستانه در سرزمین یوگسلاوی سابق می گیرد و از دبیرکل می خواهد که حداکثر ظرف ۶۰ روز از تاریخ تصویب این قطعنامه، گزارشی حاوی تجزیه و تحلیل ابعاد مختلف این مسأله توأم با

۲۰. رجوع شود به گزارش کمیسیون کارشناسی مذکور در پاورقی شماره ۱۶.

پیشنهاد‌های مشخص به شورا ارائه کند. دبیرکل در اجرای قطعنامه ۸۰۸ گزارشی همراه با متن اساسنامه یک دادگاه بین‌المللی را به شورا تقدیم می‌کند. شورای امنیت نیز با تصویب قطعنامه ۸۲۷ در تاریخ ۲۵ مه ۱۹۹۳ ضمن تأکید مجدد بر اینکه وضعیت اسفبار ناشی از تجاوز به حقوق بین‌الملل بشردوستانه در سرزمین یوگسلاوی سابق صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند پیش‌نویس اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، پیشنهادی دبیرکل، را بدون کوچکترین تغییری تصویب می‌کند. شورای امنیت از کلیه دولتها و سازمانهای بین‌المللی دولتی و غیردولتی نیز می‌خواهد که با دادگاه و ارکان آن همکاری کنند. براساس قطعنامه ۸۲۷ مقرر دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق براساس موافقتنامه‌ای که فی‌مابین سازمان ملل متحد و دولت هلند منعقد و مورد قبول شورای امنیت می‌باشد تعیین می‌شود. با موافقتنامه‌ای که منعقد گردید مقرر دادگاه کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به جنایات در سرزمین یوگسلاوی سابق در شهر لاهه در کشور هلند می‌باشد. مع ذلک دادگاه در صورتی که ضروری باشد می‌تواند در جای دیگر نیز تشکیل جلسه دهد.

ب. شورای امنیت و تشکیل دادگاه بین‌المللی برای رواندا

در پی سوء قصد به جان آقای ژونال هابیارimana (Juvénal Habyarimana) رئیس جمهوری رواندا و کشته شدن وی در یک حادثه هوایی، دو قبیله هوتو و توتسی در این کشور در ۱۹۹۴ درگیر و طی چهارماه، صدها هزار نفر کشته شدند. بروز این حادثه سبب شد که شورای امنیت قطعنامه‌های ۹۱۸ و ۹۲۵ را تصویب نماید. شورا در این قطعنامه‌ها ضمن گسترش عملیات کمک به رواندا^{۲۱} از دبیرکل می‌خواهد تا تحقیقی در مورد نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه در آن کشور انجام دهد.

۲۱. این عملیات مینوار MINUAR می‌باشد.

دبیرکل گزارش خود را در تاریخ ۳۱ مه ۱۹۹۴ به شورا ارائه می‌دهد.^{۲۳} او در این گزارش اعلام می‌دارد که قتل عامها و کشتارهای سیستماتیک در کل روآندا رخ داده است و برای تعیین مسؤولیت نیاز به تحقیق دقیقی است.^{۲۴}

شورای امنیت با بررسی گزارش دبیرکل با تصویب قطعنامه ۹۳۵ در اول ژوئیه ۱۹۹۴ از دبیرکل می‌خواهد فوراً یک کمیسیون کارشناسی بی‌طرف برای بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات رسیده و همچنین اطلاعاتی که خود کمیسیون بدست می‌آورد تشکیل داده و نتیجه تحقیقات کمیسیون را ظرف چهارماه از تاریخ تشکیل آن به اطلاع شورا برساند.

شورای امنیت پس از بررسی گزارشهای دبیرکل^{۲۵} و همچنین گزارشهای مخبر ویژه کمیسیون حقوق بشر برای روآندا^{۲۶} قطعنامه ۹۵۵ را در تاریخ ۸ نوامبر ۱۹۹۴ تصویب می‌کند (دولت روآندا به عنوان عضو غیردائم شورای امنیت به این قطعنامه رأی منفی داد). شورای امنیت در این قطعنامه ضمن ابراز نگرانی خود از نقض شدید، عمومی و سیستماتیک حقوق بین‌الملل بشردوستانه و کشتار جمعی در روآندا اعلام می‌دارد که وضعیت حاکم بر این کشور تهدیدی بر ضد صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد. شورای امنیت با اعلام عزم راسخ خود در خاتمه دادن به چنین جنایاتی، تشکیل یک دادگاه بین‌المللی برای محاکمه متهمین به این جنایات را پذیرفته و پیش‌نویس اساسنامه این دادگاه را، که منضم به قطعنامه ۹۵۵ است، تصویب می‌کند. شورای امنیت از کلیه دولتها و سازمانهای بین‌المللی دولتی و غیردولتی می‌خواهد که با دادگاه و ارکان آن

۲۲. رجوع شود به Conseil du Sécurité- S/1994/640.

۲۳. همچنین در مورد جنایات ارتكابی در روآندا می‌توان به گزارش مخبر ویژه کمیسیون حقوق بشر که طی قطعنامه شماره S-3-14 مورخ ۲۵ مه ۱۹۹۴ منصوب شده بود، رجوع نمود.

۲۴. رجوع شود به:

conseil de Sécurité-S/1994/879

conseil de Sécurité-S/1994/906.

۲۵. رجوع شود به:

conseil de Sécurité-S/1994/1157.

همکاری نمایند.

براساس قطعنامه ۹۵۵ مسأله مقرّ دادگاه بین‌المللی برای روآندا باید از طریق انعقاد موافقتنامه‌ای فیما بین سازمان ملل متحد و دولت مقرّ که مورد قبول شورای امنیت باشد حل شود این موافقتنامه فیما بین دولت جمهوری متحده تانزانیا و سازمان ملل منعقد و مقرّ دادگاه بین‌المللی برای روآندا شهر «آروشا» در کشور تانزانیا تعیین شد. مع ذلک این دادگاه می‌تواند در صورت ضرورت در محل دیگری نیز تشکیل جلسه دهد. همانطور که مشاهده می‌شود برخلاف قطعنامه ۸۲۷ که حل مسأله مقرّ دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق را موکول به انعقاد موافقتنامه‌ای فیما بین سازمان ملل متحد و کشور هلند می‌کند، قطعنامه ۹۵۵ مسأله مقرّ دادگاه بین‌المللی برای روآندا را فقط موکول به انعقاد موافقتنامه‌ای فیما بین سازمان ملل متحد و یک دولت می‌نماید. از آنجا که جنایات در قاره آفریقا اتفاق افتاده بود سرانجام تصمیم بر این شد که مقرّ دادگاه بین‌المللی برای روآندا در یک کشور آفریقایی (تانزانیا) باشد.

II. مشروعیت تصمیمات شورای امنیت برای تشکیل دادگاههای

کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و روآندا

شورای امنیت قطعنامه‌های ۸۰۸ و ۸۲۷ و ۹۵۵ خود در مورد تشکیل دادگاههای کیفری برای یوگسلاوی سابق و روآندا را براساس فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد تصویب کرده است. سؤالی که مطرح می‌شود اینکه آیا تصمیمات شورای امنیت برای کاربرد فصل هفتم منشور جهت ایجاد چنین دادگاههایی مشروعیت دارد؟

همانگونه که ملاحظه شد شورای امنیت در قطعنامه‌های ۸۰۸ و ۸۲۷ و ۹۵۵ اعلام نمود که وضعیت موجود در یوگسلاوی سابق و روآندا از جهت کشتار جمعی و نقض شدید و وسیع حقوق بین‌الملل بشردوستانه تهدیدی بر ضد صلح و امنیت بین‌المللی است. شورا در واقع، در این قطعنامه‌ها وضعیت دو کشور را براساس ماده ۳۹ منشور ملل متحد ارزیابی

می‌کند؛ چونکه عبارت «تهدید بر ضد صلح و امنیت بین‌المللی» کافی است که تصمیم شورا را در چارچوب فصل هفتم منشور قرار دهد. مع هذا نباید فراموش کرد که شورای امنیت به عنوان رکن سیاسی، در درجه اول مسؤول حفظ یا برقراری مجدد صلح و امنیت بین‌المللی است و نه مسؤول اجرای عدالت بین‌المللی.

از طرفی شورای امنیت در قطعنامه‌های ۸۲۷ و ۹۵۵ به صراحت ذکر کرده است که دادگاههای کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا را براساس فصل هفتم ایجاد می‌کند. شورا در اینجا، پس از احراز تهدید بر ضد صلح، تصمیماتی را اتخاذ می‌کند که برای برقراری مجدد صلح و امنیت ضروری است و همانگونه که در منشور ملاحظه می‌شود ماده ۳۹ مسأله اخذ تصمیم را به مواد ۴۱ و ۴۲ منشور احاله می‌کند. حال سؤال اساسی این است که با توجه به ماهیت عمل شورای امنیت براساس فصل هفتم می‌توان تشکیل یک دادگاه را براساس این فصل و بطور اخص بر اساس ماده ۴۱ توجیه نمود؟

همانگونه که روشن است شورای امنیت براساس ماده ۴۱ تصمیماتی به غیر از کاربرد زور اتخاذ می‌کند که بطور عمده اقتصادی است. پس در نگاه اول تشکیل دادگاه براساس ماده ۴۱ بعیند به نظر می‌رسد؛ مع هذا با توجه به صدر قسمت دوم ماده ۴۱ که اشعار می‌دارد: «این تصمیمات می‌توانند شامل قطع کامل یا جزئی روابط اقتصادی، ارتباطات راه‌آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطاتی و همچنین قطع روابط دیپلماتیک باشد» می‌توان گفت که این موارد حصری نبوده بلکه از باب مثال ذکر شده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد که شورا بتواند، براساس ماده ۴۱ هرگونه تصمیمی، بجز کاربرد زور، به شرط آنکه برای برقراری مجدد صلح و امنیت بین‌المللی ضروری باشد اتخاذ نماید.

با توجه به مطالب فوق تشکیل دادگاههای کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا زمانی قابل توجیه است که رابطه‌ای بین آنها و

صلح و امنیت بین‌المللی برقرار شود.

عملکرد شورای امنیت در هنگام تصویب قطعنامه‌های ۸۰۸ و ۸۲۷ و ۹۵۵ نشان می‌دهد که شورا تلاش نموده است تا چنین رابطه‌ای را نشان دهد. همچنین تشکیل دادگاه کیفری بخصوص برای یوگسلاوی سابق در جریان مذاکرات مربوط به برقراری صلح در آن سرزمین دائماً توسط آقایان ونس (vance) و اوون (owen) درخواست شده است. مع‌هذا باز عده‌ای به مشروعیت صلاحیت شورای امنیت در تشکیل محاکم کیفری اعتراض کرده‌اند.^{۲۶} این مسأله را به صراحت در پرونده دوسکو تادیچ^{۲۷} می‌توان ملاحظه نمود. در پرونده دوسکو تادیچ، که در حال رسیدگی در شعبه دوم بدوی دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق است، وکیل مدافع نامبرده به مشروعیت تشکیل چنین دادگاهی اعتراض کرد و اعلام نمود که شورای امنیت حق تشکیل چنین دادگاهی را ندارد. دادستان به لایحه وکیل مدافع اعتراض و ایجاد دادگاه را عمل مشروعی تلقی نمود. شعبه بدوی در رأی صادره در ۱۰ اوت ۱۹۹۵ به اتفاق آرا اعلام کرد که: «شعبه بدوی خود را برای بررسی تصمیم شورای امنیت در مورد تشکیل دادگاه صالح نمی‌داند؛ و مسأله مشروعیت ایجاد دادگاه جزو مسائلی است که در قلمرو صلاحیت دادگاهها نیست. مع‌ذلک شعبه بدوی لوائح و درخواستهای وکیل مدافع را در مورد اختیارات شورای امنیت و مشروعیت ایجاد دادگاه بررسی کرده و معتقد است که این درخواستها مبنا و اساسی ندارد».^{۲۸}

۲۶. این اعتراض بطور عمده مبتنی بر تفسیر مضیق است که از ماده ۲۵ منشور ملل متحد می‌شود. ماده ۲۵ منشور اشماع می‌دارد: «اعضای ملل متحد موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت را برطبق این منشور پذیرفته و اجرا نمایند».

۲۷. Desko Tadic یکی از جنایتکاران صربی است که پس از دستگیری در آلمان برای محاکمه در اختیار دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق قرار گرفته است.

۲۸. رجوع شود به:

Affaire No IT-94-1-T/ DUSKO TADIC, communiqué de presse, La Haye, Le 10 Août 1995

این شعبه بدوی متشکل از قاضی مک دونالد "Mcdonald" (رئیس دادگاه) و قاضی استفن "Stephen" و قاضی فوه راه "Vohrah" است.

وکیل مدافع از این رأی درخواست استیناف نمود. شعبه استینافی دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در رأی صادره در دوم اکتبر ۱۹۹۵ می‌پذیرد که اعتراض تادیب به مشروعیت دادگاه دقیقاً مسأله صلاحیت دادگاه را طرح می‌کند؛ چونکه در حقوق بین‌الملل یک سیستم قضایی برای تقسیم وظایف میان ارکان قضایی وجود ندارد. شعبه استینافی ضمن پذیرش اینکه رکن فرعی شورای امنیت برای رسیدگی به جنایات جنگی است و نه مرجعی برای بررسی مشروعیت قطعنامه‌های شورا، اعلام می‌دارد که این رکن فرعی دارای ویژگی خاصی است و آن اینکه یک دادگاه است. دادگاه هم‌الزاماً «صلاحیت رسیدگی به صلاحیت به صلاحیت»^{۲۱} خود را دارد. لذا شعبه استینافی می‌تواند به عنوان امری «فرعی»^{۲۲} این مسأله را که آیا خود بطور قانونی ایجاد شده است یا نه بررسی نماید تا بتواند بعد از آن صلاحیت قضایی خود را در مورد جنایات جنگی اعمال نماید. شعبه استینافی در ادامه می‌افزاید که مشروعیت تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق یک مسأله سیاسی است، اما با عنایت به نظر مشورتی ۲۰ ژوئیه ۱۹۶۲ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برخی هزینه‌های سازمان ملل متحد بسیاری از مسائل حقوقی بین‌المللی بعد سیاسی هم دارند و این مانع از آن نیست که تفسیر یک معاهده (منظور منشور ملل متحد است) یک عمل قضایی هم نباشد.^{۲۳} سرانجام شعبه استینافی با ۴ رأی موافق در مقابل یک رأی مخالف مشروعیت ایجاد دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق را پذیرفت.^{۲۴}

29. Compétence de la Compétence

30. Préjudiciel

۳۱. رجوع شود به:

SASSOLI-marco "La première décision de la chambre d'appel du tribunal pénal international pour l'ex-yougoslavie: Tadic (compétence) in R.G.D.I. P, Paris, A. pedone, 1996- pp. 101-114

۳۲. رجوع شود به:

Affaire IT-94-1-AR72 the Judgement under appeal, La Haye, 2 october 1995.

البته باید گفت که اگرچه تصمیمات شورای امنیت براساس فصل هفتم طبق ماده ۲۵ منشور ملل متحد برای کلیه دولتهای عضو سازمان ملل متحد لازم‌الاتباع است، اما همکاری آنها برای اجرای موثر این تصمیمات ضروری است. در غیر این صورت فقط اتخاذ تصمیم براساس فصل هفتم مشکل را حل نمی‌کند و ممکن است قطعنامه‌های مصوب بلااجرا یا بطور ناقص اجرا شوند؛ در این خصوص می‌توان به قطعنامه ۵۹۸ در بحران ایران و عراق و همچنین برخی قطعنامه‌های مصوب در بحران عراق - کویت و بحران سومالی اشاره نمود.^{۳۳}

III. محاسن و معایب تشکیل دادگاههای کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا

الف. محاسن

تشکیل دادگاههای کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و

P. 1-75.

قضات موافق آنتونیو کاسه "Antonio Cassese" (رئیس دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق)، دشن "Deschênes"، ابی صائب "Ai-saab" و سیدوا "sidhwa" و قاضی مخالف لی "Li" می‌باشند.

علاوه بر اعتراض وکیل مدافع در این پرونده باید گفت که برخی دولتها نیز به تشکیل چنین دادگاهی بر اساس فصل هفتم اعتراض کرده و آن را نوعی سوء استفاده از فصل هفتم دانسته‌اند که از آن جمله می‌توان از کشورهای یوگسلاوی و چین و برزیل نام برد. اما باید گفت که در هنگام تشکیل دادگاه کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا چین از حق وتوی خود استفاده نکرد. لازم به توضیح است که در پی استعفای آقای ژرژ ابی صائب، قاضی شعبه استینافی دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق آقای فواد ریاض "Fouad RIAD" از مصر به جای وی برگزیده شده است.

۳۳. رجوع شود به:

TAVERNIER-Paul "vers une juridiction pénale internationale" in "Mutations internationales et évolution des Normes", puf, paris, 1994, p.146.

روآندا از طریق قطعنامه‌های شورای امنیت ناشی از فرصت مناسبی بود که بوجود آمد. چون استناد به فصل هفتم منشور امکان تشکیل سریع یک چنین محاکمی را می‌دهد و لذا مشکل طولانی شدن زمان که در روش قبلی (تشکیل دادگاه از طریق انعقاد معاهده) مطرح بود در اینجا وجود ندارد و جامعه بین‌المللی سریعاً می‌تواند متهمین به نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه را محاکمه کند.

از سوی دیگر ایجاد دادگاه کیفری بین‌المللی با قطعنامه‌های مصوب براساس فصل هفتم، کلیه دولتهای عضو سازمان ملل متحد را متعهد و مکلف می‌کند که اجرای آنها را تضمین کنند و بدین ترتیب می‌توان سریعتر به مکانیسمهای الزام‌آور که برای کارایی چنین دادگاههایی ضروری است، دست یافت و مشکل تصویب و کندی روش قبلی وجود ندارد. همچنین با الزامی بودن این قطعنامه‌ها مسأله پذیرش اختیاری صلاحیت اجباری دیوان نیز مطرح نمی‌شود.

بالاخره روش ایجاد دادگاههای کیفری بین‌المللی از طریق قطعنامه مشکل ارتباط این محاکم با سازمان ملل متحد را حل می‌کند؛ در این حالت نیازی به انعقاد یک معاهده خاص برای برقراری روابط میان سازمان ملل متحد و این محاکم به شکل روش قبل لازم نیست، چونکه شورای امنیت طبق ماده ۲۹ منشور ملل متحد می‌تواند در اجرای وظایفش ارکان فرعی ایجاد کند. بنابراین قطعنامه‌های ۸۰۸ و ۸۲۷ و ۹۵۵ به شورای امنیت این امکان را داده تا بتواند دادگاههای کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و روآندا را به عنوان ارکان فرعی خود، که برای انجام وظایفش برطبق فصل هفتم منشور ضروری است، ایجاد نماید.

ب. معایب

تشکیل دادگاههای کیفری بین‌المللی از طریق قطعنامه معایبی دارد. اولاً سرعت در ایجاد این دادگاهها اجرا و کارایی آنها را با مشکل مواجه می‌کند؛ اگرچه پیش نویس ارائه شده توسط کمیسیون حقوقدانان ایتالیا،

گزارش کمیته حقوقدانان فرانسه، پیشنهاد کنفرانس امنیت و همکاری اروپا در هنگام تهیه اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق مدّ نظر قرار گرفت اما سرانجام متنی که بدون هیچ گونه تغییری به تصویب شورای امنیت رسید متنی بود که فقط توسط دبیرخانه سازمان ملل متحد و بطور اخص توسط مشاور حقوقی آن آقای کارل - آوگوست فلش هور^{۳۳} تهیه شده بود. آیا شناخت چنین نقشی برای دبیرخانه سازمان ملل متحد خارج از توانایی یک رکن اداری سازمان نیست و بر اجرا و کارایی این محاکم اثر منفی نمی‌گذارد؟ این مسائل سبب شده است که برخی تردیدی به خود راه نداده و بگویند که ایجاد دادگاههای کیفری بین‌المللی توسط شورای امنیت بیانگر شکست شورا در تحمیل کردن راه حلی برای یوگسلاوی سابق است.^{۳۴} ثانیاً چون این دادگاهها محاکم خاص^{۳۵} شورای امنیت بوده و رکن قضایی مستقل محسوب نمی‌شوند و برای رساندن شورای امنیت به هدف مورد نظرش یعنی برقراری مجدد صلح و امنیت بوجود آمده اند حیاتشان محدود و بستگی به شورا دارد. بنابراین هر زمان که شورای امنیت این محاکم را برای نیل به اهدافش ضروری نداند آنها از میان خواهند رفت.^{۳۶} مشکل دیگری که ممکن است از این وضعیت ناشی شود این است که چون این دادگاهها ارکان فرعی شورای امنیت هستند پس

۳۴. Carl-August FLEISCHHAUER حقوقدان آلمانی است که در حال حاضر قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری می‌باشد.

۳۵. رجوع شود به:

TAVERNIER. paul, op. cit, p.144.

36. Les Juridictions ad hoc.

۳۷. لازم به تذکر است که بعد از انعقاد معاهده صلح دیتون در مورد بوسنی و هرزگوین، رئیس دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (آنتونیوکاسسه) و دادستان آن دادگاه (ریچارد گلدستون) طی اعلامیه مشترکی در ۲۴ نوامبر ۱۹۹۵ ضمن ابراز خوشحالی از انعقاد چنین موافقتنامه‌ای که پایان بخش حمام خون و مخاصمه مسلحانه در منطقه است، اعلام کردند که عدالت عامل ضروری در روند آشتی ملی در یوگسلاوی سابق است و با آن است که می‌توان از تکرار تعرضها و انتقام کشی‌ها جلوگیری نمود. طبق موافقتنامه صلح دیتون مرتکبین جنایات تهدیدکننده

تحت اوامر آن شورا می باشند.

البته به نظر می رسد که بتوان مشکل اخیر را تا حدودی برطرف کرد. بدین شکل که اگرچه دادگاههای بین المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا، ارکان فرعی شورای امنیت هستند ولی چون ماهیت حقوقی دارند و نه ماهیت سیاسی،^{۳۸} بنابراین نمی توانند بطور کامل تحت اوامر شورا باشند. این دادگاهها به عنوان ارکان قضایی باید مستقل از شورا باشند و در اجرای وظایف قضایی خود به هیچ وجه تحت اوامر و نظارت شورای امنیت نباشند، بلکه همانطور که اشاره شد تنها وجود و اعتبار آنها به شورای امنیت وابسته است. در این مورد می توان به نظریه مشورتی دیوان بین المللی دادگستری در ۱۳ ژوئیه ۱۹۵۴ در قضیه روابط فیما بین مجمع

→.

صلح و امنیت بین المللی همچون ژنوسید، جنایات بزرگ بشریت و جنایات جنگی باید محاکمه شوند و این کاملاً با قطعنامه های مصوب شورای امنیت در مورد دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق منطبق می باشد. طبق این موافقتنامه

۱. سه دولت (بوسنی و هرزگوین، جمهوری فدرال یوگسلاوی (سرستان و مونته نگرو) و کرواسی و همچنین جمهوری اسرپسکا (Republika, Srpska) مکلفند که با دادگاه کیفری بین المللی همکاری کرده و معاضدتهای قضایی لازم را در اختیار او قرار دهند.

۲. هیچگونه عضوی برای متهمین به تعرض شدید به حقوق بین الملل بشردوستانه در نظر گرفته نشده است.

۳. به نیروهای ناتو در بوسنی و هرزگوین اختیار داده شده است که نسبت به دستگیری متهمین به جنایات جنگی اقدام کنند. در پایان این اعلامیه رئیس و دادستان دادگاه، ضمن تبریک به طرفین درگیر در بحران یوگسلاوی سابق برای پذیرش تعهدات مندرج در موافقتنامه صلح دیتون، ابراز امیدواری کردند که متعاهدین، این تعهدات را بطور کامل و دقیق اجرا نمایند بخصوص در مورد -

دستگیری و انتقال متهمین به دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق
- کمک نیروهای ناتو به نمایندگان دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق برای انجام بهتر وظایف محوله .

رجوع شود به :

bulletin N0 1 tribunal pénal international pour l'ex yougoslavie, Janvier 1996, P. 5.

۳۸. شورای امنیت براساس فصل هفتم رکن فرعی سیاسی نیز ایجاد نموده است که از آن جمله قطعنامه ۶۸۷ مورخ ۱۹۹۱ در بحران عراق و کویت می باشد. شورا با این قطعنامه مبادرت به تشکیل یک صندوق جبران خسارات ناشی از عمل عراق و بخصوص تشکیل یک کمیسیون مسؤول اداره این صندوق نموده است.

عمومی و دادگاه اداری ملل متحد رجوع نمود. در این نظریه دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام می‌دارد که «دادگاه اداری ملل متحد توسط مجمع عمومی ایجاد شده است و از این لحاظ مجمع صلاحیت تدوین اساسنامه و احتمالاً انحلال آن را دارد. مع‌هذا تا زمانی که این دادگاه وجود دارد یک رکن قضایی مستقل بوده و تصمیماتش برای کلیه ارکان ملل متحد از جمله مجمع عمومی لازم‌الاتباع است.»^{۳۹}

همانگونه که ملاحظه شد تشکیل دادگاه براساس یک معاهده یا با تصمیم یک سازمان بین‌المللی دارای محاسن و معایبی است. آنچه که در تئوری با توجه به پیش‌نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مشاهده می‌شود، تمایل جامعه بین‌المللی به ایجاد محاکم کیفری بین‌المللی از طریق انعقاد معاهده است. اما در عمل با توجه به اساسنامه دادگاههای کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا جامعه بین‌المللی روش ایجاد محاکم کیفری بین‌المللی از طریق تصمیمات یک سازمان بین‌المللی (در این موارد تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل متحد) را برگزیده است.^{۴۰}

بخش دوم

سازمان و تشکیلات محاکم کیفری بین‌المللی

در این بخش ابتدا سازمان و تشکیلات دیوان کیفری بین‌المللی طبق پیش‌نویس اساسنامه آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس سازمان و

۳۹. رجوع شود به:

CIJ, "effet du Jugement du tribunal administratif des nations unies" Recueil des arrêts, avis consultatifs et ordonnance, 1954, p.61.

۴۰. علاوه بر این دوروش راه دیگری را هم می‌توان در تشکیل دادگاههای کیفری بین‌المللی از پیشنهاد برخی دولتها استخراج نمود. در این روش دادگاههای کیفری بین‌المللی با مشارکت سازمان ملل متحد و چند دولت ایجاد می‌شود. بدین ترتیب که شورای امنیت اصل تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی را مطرح و تشکیل آن را به چند دولت یا یک گروه از دولتهای مشخص می‌سپارد. پس از آن این دولتها با انعقاد معاهده‌ای چنین دادگاهی را ایجاد می‌کنند. این راه از پیشنهاد دولتهای کرواسی و بوسنی- هرزگووین بدست می‌آید. پیشنهاد این دولتها برای قانون حاکم هم اجرای برخی از مقررات قانون جزای یوگسلاوی سابق می‌باشد.

تشکیلات دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا مطالعه خواهد شد.

فصل اول

سازمان و تشکیلات دیوان کیفری بین‌المللی

سازمان و تشکیلات دیوان کیفری بین‌المللی در سه قسمت؛ شعب، دادسرا و دفتر مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

I. شعب

دیوان متشکل از یک شعبه استینافی، چند شعبه بدوی و چند شعبه دیگر می‌باشد.^{۴۱}

الف. شعبه استینافی

دیوان کیفری بین‌المللی دارای یک شعبه استینافی، متشکل از رئیس دیوان و شش قاضی می‌باشد، که حداقل سه تن از قضات باید متخصص حقوق بین‌الملل باشند. ریاست شعبه استینافی با رئیس دیوان است. اعضای شعبه استینافی برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند. آنها ممکن است بیش از این مدت هم در این شعبه بمانند و آن برای حل و فصل پرونده‌هایی است که قبل از پایان مدت سه سال به آنها ارجاع شده است. قضات شعبه استینافی می‌توانند برای دور دوم یا یک دور بعدی هم به کار خود ادامه دهند.^{۴۲}

ب. شعب بدوی و سایر شعب

دیوان دارای چند شعبه بدوی و همچنین شعب دیگری است، که

۴۱. رجوع شود به ماده ۵ بند ب پیش‌نویس اساسنامه دیوان کیفری بی‌المللی در A/49/355, p.4

۴۲. رجوع شود به ماده ۹ بند (۱ و ۲ و ۳) منبع قبلی، ص، ۶.

وجودشان برای اجرای اساسنامه ضروری می باشد. هر شعبه بدوی حداقل شامل سه قاضی است که باید دارای صلاحیت و تجربه کافی در امور جزایی باشند.^۳

ج. ویژگی و نحوه انتخاب قضات

قضات باید از صفات برجسته، از جمله اخلاق حسنه، بی طرفی و کمال که برای رسیدن به بالاترین مقامات قضایی در کشور متبوعشان لازم است برخوردار باشند؛ به علاوه آنها باید از تجارب جزایی و تخصص در حقوق بین الملل برخوردار باشند.

هر دولت عضو اساسنامه دیوان کیفری بین المللی حداکثر دو نفر داوطلب را با تابعیت متفاوت که دارای شرایط فوق باشند معرفی می کند. دولت‌های عضو از طریق رأی گیری مخفی و با اکثریت مطلق، ۱۸ تن قضات دیوان را از میان داوطلبان معرفی شده انتخاب می کنند. دولتها ابتدا ۱۰ قاضی جزایی را از میان داوطلبان انتخاب می کنند؛ و سپس ۸ قاضی باقی مانده از میان داوطلبانی که متخصص حقوق بین الملل هستند انتخاب می شوند.

دولتها در هنگام انتخاب قضات سعی می کنند که بازنمایی اصلی ترین سیستمهای حقوقی جهان حفظ و تضمین شود. قضات فقط برای یک دوره ۹ ساله انتخاب می شوند. البته اگر قاضی، رسیدگی به پرونده ای را آغاز نموده است تا پایان یافتن آن پرونده به کار خود ادامه می دهد حتی اگر بیش از ۹ سال شود.^۴ در اولین دوره کاری دیوان به حکم قرعه یک سوم قضات پس از سه سال، یک سوم پس از شش سال و بقیه بعد از ۹ سال تغییر می کنند. البته قضات جانشین باید دارای تخصص قضات پیشین باشند. در این مورد باید گفت مدت زمان کار قضات و

۲۳. ماده ۹ بند (۵ و ۶) منبع قبلی، ص، ۶.

۲۴. اگر در حین کار دیوان یکی از کرسیهای قضاوت بلاتصدی شود یک نفر دیگر به عنوان جانشین تعیین می گردد. حال اگر مدت انجام وظیفه جانشین کمتر از ۵ سال باشد می تواند برای یک دوره دیگر انتخاب شود. رجوع شود به ماده ۷ بند (۲) منبع قبلی ص ۵.

نحوه تغییر آنان شبیه به دیوان بین‌المللی دادگستری است. اما برخلاف دیوان بین‌المللی دادگستری در دیوان کیفری بین‌المللی قاضی خاص^{۲۵} وجود ندارد و حتی تصریح شده است که هیچ یک از قضات تبعه دولت شاکی یا دولت متبوع متهم نمی‌تواند از اعضای شعبه رسیدگی کننده باشد.^{۲۶}

د. حقوق و وظایف قضات

۱. حقوق قضات

قضات دیوان از مصونیتها و مزایای پیش‌بینی شده برای دیپلماتها در کنوانسیون ۱۹ آوریل ۱۹۶۱ در مورد روابط دیپلماتیک برخوردار می‌باشند.

قضات همچنین در اجرای وظایف خود از استقلال کامل بهره می‌برند. آنان می‌توانند بنا به درخواست رئیس دادگاه و تصمیم اکثریت دو سوم دولتهای عضو به دلیل وجود پرونده‌های زیاد بطور تمام وقت کار کنند. مفهوم مخالف این مطلب آن است که قضات بطور تمام وقت در اختیار دادگاه نیستند^{۲۷} و فقط در ازای روزهایی که کار می‌کنند حقوق دریافت می‌کنند، این تصمیم بیشتر برای جلوگیری از مخارج و هزینه‌های زیاد اتخاذ شده است. از دیگر حقوق قضات، حق انتخاب رئیس دیوان می‌باشد.^{۲۸}

۲. وظایف قضات

قضات پس از انتخاب موظفند ظرف شش ماه آئین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی را تهیه کنند. این آئین دادرسی توسط کنفرانسی متشکل

45. Judge ad hoc.

۲۶. ماده ۹ بند (۷)، منبع قبلی، ص ۶.

۲۷. ماده ۱۰ بند (۴)، منبع قبلی، ص ۷.

۲۸. رجوع شود به مطالب بعدی.

از دولتهای متعاقد بررسی و مورد پذیرش قرار می‌گیرد.^{۳۸} قضاات موظفند از شرکت در هرگونه فعالیتی که ممکن است به وظیفه قضائیشان لطمه بزند یا استقلال آنها را خدشه دار کند اجتناب کنند. آنها بخصوص باید در دوران انجام وظایفشان در مقام قاضی دیوان کیفری بین‌المللی از عضویت در ارکان قانونگذاری یا اجرایی یا قضایی یک دولت خودداری کنند. البته در این خصوص اگر مشکلی بروز کند ریاست دیوان تصمیم خواهد گرفت.

قضات همچنین نمی‌توانند در رسیدگی به قضیه‌ای که قبلاً به هر عنوانی در آن دخالت داشته‌اند یا بی‌طرفی آنان بطور موجه به هر دلیلی مورد اعتراض باشد، از جمله تعارض منافع مؤثر اعم از بالفعل یا بالقوه، شرکت کنند. موارد پیش گفته، در واقع، از موارد رد دادرسی می‌باشد که می‌تواند توسط دادستان یا متهم درخواست شود. کلیه مسائل مربوط به رد دادرسی با اکثریت مطلق اعضای شعبه رسیدگی کننده حل و فصل می‌شود. در این حالت قاضی مورد اعتراض در تصمیم‌گیری شرکت نمی‌کند.^{۳۹}

اگر قاضی در اجرای وظایف خود دچار خطا شده و یا در اجرای اساسنامه دیوان تسامح شدید کند یا به علت بیماری طولانی یا علیل شدن قادر به انجام وظایف خود نباشد با تصمیم اکثریت دوسوم آرا سایر قضات از کار برکنار خواهد شد.

ه. ریاست

رئیس دیوان کیفری بین‌المللی و دو نایب رئیس اول و دوم و همچنین دو نایب رئیس علی‌البدل با رأی اکثریت مطلق قضات برای مدت سه سال و یا تا پایان مدت مأموریتشان، در صورتی که مأموریتشان زودتر

۳۹. در مواردی که کنفرانس بین‌المللی تشکیل نمی‌شود، قواعد مصوب قضات به اطلاع دولتهای عضو رسانده می‌شود و می‌تواند مورد تأیید ریاست هم قرار گیرد، مگر آنکه در مدت شش ماه از تاریخ اطلاع اکثریت دولتهای عضو به آن اعتراض کرده باشند. هر قاعده‌ای می‌تواند تا پذیرش یا تأیید بطور موقت اجرا شود. قواعدی که مورد پذیرش یا تأیید قرار نگیرند متروک خواهند شد.

۵۰. ماده ۱۰ و ۱۱، منبع قبلی، ص ۷.

از سه سال خاتمه یابد، انتخاب می‌شوند.

نایب رئیس اول یا دوم، برحسب مورد می‌تواند جانشین رئیس دیوان شود. این حالت زمانی اتفاق می‌افتد که رئیس نتواند به دلیل وجود مانع یا موارد رد دادرسی در رسیدگی شرکت کند. یک نایب رئیس علی‌البدل می‌تواند، در صورت نیاز، جانشین یکی از نایب رئیسان اصلی شود. رئیس و نایب رئیسان هیأت رئیسه دیوان را تشکیل می‌دهند و مسؤلیت اداره صحیح دیوان و سایر وظایف محوله را دارند.

دیوان می‌تواند، بجز مواردی که به صراحت ذکر شده است، وظایف مربوط به تحقیق، بازپرسی و سایر وظایف مربوط به آیین دادرسی محوله به دیوان را در کلیه حالاتی که شعبه‌ای برای رسیدگی به آن مسأله تعیین نشده است انجام دهد.

رئیس دیوان می‌تواند برخی از اختیارات خود را در یک قضیه به یک یا چند تن از قضات تفویض نماید و آن تا زمانی است که یک شعبه بدوی برای رسیدگی به آن قضیه تعیین شود.^{۵۱}

رئیس دیوان، برخلاف قضات، از حقوق سالانه برخوردار است. اما نایب رئیسان فقط برای هر روزی که انجام وظیفه کنند حقوق دریافت می‌نمایند.

II. دادسرا

دادسرا یک رکن مستقل دیوان است که مسوول تحقیق در مورد شکایات و پیگیری آنهاست. اعضای دادسرا در اجرای وظایف خود از دستورات هیچ دولت یا فردی تبعیت نمی‌کنند.

ریاست دادسرا به عهده دادستان است که دارای یک یا چند معاون می‌باشد که در صورت وجود مانعی برای حضور دادستان جانشین او می‌شوند. دادستان و معاونین او باید از صفات برجسته اخلاقی و تجارب لازم در امور جزایی برخوردار باشند. این افراد با اکثریت مطلق آرای مخفی

۵۱. رجوع شود به ماده ۸ منبع قبلی ص ۵ و ۶.

دولتهای عضو از میان داوطلبان معرفی شده انتخاب می‌شوند. ملاحظه می‌شود که انتخاب دادستان و معاونین او کاملاً شبیه انتخاب قضات دیوان می‌باشد. دادستان و معاونین او برای مدت پنج سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنها بلامانع است.^{۵۲}

اگر شکایت در مورد اتباع دولت متبوع دادستان یا معاونین دادستان باشد آنها حق ندارند در آن مورد دخالت کنند. رئیس دادگاه می‌تواند بنا به تقاضای دادستان یا معاون دادستان در قضیه‌ای مشخص از او سلب مسؤولیت نماید. همچنین رئیس دادگاه است که در مورد اعتراض به بی‌طرفی دادستان یا معاونین او در یک قضیه مشخص تصمیم می‌گیرد.

دادستان و معاونین او و همچنین کارکنان دادسرا از کلیه مصونیتها و مزایای دیپلماتیک پیش بینی شده در کنوانسیون ۱۹۶۱ وین در مورد روابط دیپلماتیک برخوردار می‌باشند. این مصونیتها و مزایا می‌تواند با رأی اکثریت مطلق قضات دیوان از آنها سلب شود. دادستان یا معاونین او در صورت خطا یا تسامح شدید در اجرای اساسنامه دیوان و یا به علت بیماری طولانی یا علیل شدن که مانع اجرای وظایفشان شود با رأی اکثریت مطلق دولتهای عضو از کار برکنار خواهند شد.

III. دفتر

دفتر دیوان کیفری بین‌المللی متشکل از یک مدیر و یک معاون و تعدادی کارمند است. مدیر دفتر و معاون او با رأی مخفی اکثریت مطلق قضات دیوان برای مدت ۵ سال انتخاب می‌شوند.^{۵۳} ریاست دادگاه می‌تواند کارکنان مورد نیاز دفتر را منصوب کند یا این حق را به مدیر دفتر تفویض نماید. دفتر دیوان مسؤولیت انجام کارهای اداری دیوان را به عهده دارد.

۵۲. البته ممکن است در هنگام انتخاب این افراد مدت مأموریت آنها کمتر از ۵ سال تعیین شود. رجوع شود به ماده ۱۲ پیش نویس اساسنامه دیوان، منبع قبلی، ص ۸.

۵۳. مدت مأموریت معاون مدیر دفتر می‌تواند کمتر از ۵ سال نیز تعیین شود. رجوع شود به ماده ۱۳ بند (۲) پیش نویس اساسنامه، منبع قبلی، ص ۸.

مدیر دفتر و معاون او از کلیه مصونیتها و مزایای پیش بینی شده در کنوانسیون ۱۹۶۱ وین در مورد روابط دیپلماتیک برخوردار می‌باشند. این مصونیتها و مزایا می‌تواند با رأی اکثریت مطلق قضات دیوان از آنها سلب شود. مدیر دفتر و معاون او در صورتی که مرتکب خطا شده یا در اجرای اساسنامه دیوان تسامح شدید کنند و یا به علت بیماری طولانی یا علیل شدن نتوانند وظایفشان را انجام دهند با رأی اکثریت دوسوم قضات از کار برکنار خواهند شد.

فصل دوم

سازمان و تشکیلات دادگاههای کیفری بین‌المللی برای

یوگسلاوی سابق و رواندا

سازمان و تشکیلات دادگاههای کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا در سه قسمت مورد مطالعه قرار می‌گیرد. باید گفت که سازمان و تشکیلات این دو دادگاه در بسیاری از موارد از مشابهت کامل برخوردار بوده و یا حتی برخی ارکانشان مشترک می‌باشند.

I- شعب

هر دو دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا از سه شعبه تشکیل شده است که دو شعبه رسیدگی بدوی و یک شعبه رسیدگی استینافی را به عهده دارد. هر یک از شعب بدوی دارای سه قاضی از اتباع دولتهای مختلف و شعبه استینافی دارای پنج قاضی می‌باشد. بنابراین در مجموع عده قضات ۱۱ نفر می‌باشند.

الف. ویژگی و نحوه انتخاب قضات

قضات باید از صفات برجسته از جمله اخلاق حسنه و بی طرفی و کمال که برای نیل به بالاترین مقامات قضایی در کشور خود لازم است برخوردار باشند. در ترکیب کلی شعب باید تجربه قضات در امر جزایی و

حقوق بین‌الملل به خصوص حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر مدّ نظر قرار گیرد.

قضات دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و روآندا توسط مجمع عمومی و از روی فهرستی که به وسیله شورای امنیت ارائه می‌گردد انتخاب می‌شوند. برای تهیه فهرست مورد نیاز شورای امنیت، دبیرکل از کلیه دولتهای عضو و غیرعضو ناظر در سازمان ملل متحد می‌خواهد که ظرف ۶۰ روز از تاریخ دعوت دبیرکل هر یک حداکثر دو نفر داوطلب با تابعیت متفاوت را برای احراز پست قضاوت معرفی نمایند، مشروط بر اینکه دارای شرایط پیش‌گفته باشند. پس از آن دبیرکل این داوطلبان را به شورای امنیت معرفی می‌نماید، شورای امنیت از میان معرفی‌شدگان حداقل ۲۲ نفر و حداکثر ۳۳ نفر را با توجه به معیار بازنمایی اصلی‌ترین سیستمهای حقوقی جهان انتخاب و به مجمع عمومی معرفی می‌کند. آنگاه مجمع عمومی از این فهرست ۱۱ نفر را به عنوان قضات دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق انتخاب می‌نماید. نحوه انتخاب نیز بدین ترتیب است که کسانی از آن فهرست انتخاب می‌شوند که اکثریت مطلق آرای دولتهای عضو و دولتهای غیرعضو که حق داشتن ناظر دائم در سازمان ملل متحد را دارند به دست آورند.

با توجه به اینکه شعبه استینافی دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق، شعبه استینافی برای دادگاه بین‌المللی روآندا هم می‌باشد^{۵۴} لذا شورای امنیت فهرستی را که برای انتخاب قضات دادگاه بین‌المللی برای روآندا

۵۴. ماده ۱۲ اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای روآندا. البته رئیس دادگاه بین‌المللی برای روآندا همان رئیس دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق یعنی آقای آنتونیو کاسه نیست بلکه در اولین گردهمایی قضات این دادگاه از ۲۶ تا ۳۰ ژوئن ۱۹۹۵ آقای لایبی نی کاما Laity kama قاضی سنگالی به عنوان رئیس دادگاه بین‌المللی برای روآندا انتخاب شد. شش تن قضات دادگاه بین‌المللی برای روآندا عبارتند از آقای لنارت آسپگرن "Lennart Aspegren" از سوئد، آقای لایبی تی کاما "Laity kama" از سنگال، آقای تی. اچ. خان "T.H. Khan" از بنگلادش، آقای یاکوف. ای. اوستروفسکی "yakov A. ostrovsky" از روسیه فدراتیو، خانم ناوانتم پیلی "Navanethem pillay" از آفریقای جنوبی و آقای ویلیام. اچ. سکول "william H. Sekule"

تهیه می‌کند. مرکب از حداکثر ۱۸ نفر است که به مجمع عمومی ارائه می‌نماید؛ چونکه مجمع عمومی فقط باید قضات شعب بدوی یعنی شش قاضی را برای دادگاه بین‌المللی روآندا انتخاب نماید.

اگر در حین کار دادگاه پست قضاوت در یکی از شعب (بدوی یا استینافی) بلا تصدی بماند، دبیرکل پس از مشورت با رؤسای شورای امنیت و مجمع عمومی یکی از اشخاص واجد شرایط پیش‌گفته را برای مدت باقی‌مانده از کار نفر قبل منصوب می‌کند. در این مورد می‌توان به مسأله استعفای قاضی «ژرژ ابی صائب» از مصر اشاره کرد. در پی استعفای ابی صائب دبیرکل سازمان ملل متحد پس از مشورت با رؤسای مجمع عمومی و شورای امنیت قاضی «فواد عبدال منیم ریاض» را در تاریخ ۲ اکتبر ۱۹۹۵ به جای وی منصوب کرد.^{۵۵} قضات شعبه بدوی برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنها بلامانع است.

ب. حقوق و وظایف قضات

۱. حقوق قضات

کنوانسیون ۱۳ فوریه ۱۹۴۶ در مورد امتیازات و مصونیت‌های سازمان ملل متحد، در مورد قضات دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و روآندا اعمال می‌شود. قضات از بخشودگیهای مالیاتی مأموران دیپلماتیک نیز برخوردار می‌باشند.

قضات همچنین حق دادن استعفا را دارند. در این حالت قاضی مستعفی استعفای خود را به صورت مکتوب به رئیس دادگاه می‌دهد و رئیس دادگاه آن را به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم می‌نماید.

از جمهوری متحده نائزانی می‌باشند. رجوع شود به:

BOUTROS. GHALI, Boutros "confronting new challenges", D.P I, United Nations, Newyork, 1995, pp. 314-315.

۵۵. رجوع شود به:

CC/PIO/ 20-F, communiqué de presse, la Haye, le 2 Octobre 1995.

کلیه قضات در اجرای وظایف قضایی با یکدیگر برابرند و آن صرف نظر از تاریخ انتخاب یا انتصاب، سن یا مدت وظایف انجام شده می باشد؛ از لحاظ مقام هم پس از رئیس و معاون دادگاه، رؤسای شعب بدوی به ترتیب سن قرار می گیرند.

سپس قضات منتخب یا منصوب در زمانهای مختلف براساس تاریخ انتخاب یا انتصابشان از برتری مقام برخوردارند. قضات منتخب یا منصوب در یک زمان از لحاظ سنی می توانند از برتری مقام نسبت به یکدیگر برخوردار شوند. در صورت انتخاب مجدد یک قاضی مدت کامل وظایفی که قبلاً انجام داده است مدّ نظر قرار می گیرد.

۲. وظایف قضات

پس از اعلام رسمی^{۵۴} قضات دادگاه مکلفند که قواعد آیین دادرسی دادگاه را تهیه نمایند. قضات دادگاه یوگسلاوی سابق این وظیفه را در ۱۱ فوریه ۱۹۹۴ انجام دادند و آیین دادرسی دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق در ۱۲۵ ماده تصویب شد. این آیین دادرسی از ۱۴ مارس ۱۹۹۴ لازم الاجرا گردید و تا به حال هشت بار به ترتیب در ۵ مه ۱۹۹۴، در ۴ اکتبر ۱۹۹۴، در ۳۰ ژانویه ۱۹۹۵، در ۳ مه ۱۹۹۵، در ۱۵ ژوئن ۱۹۹۵، در ۶ اکتبر ۱۹۹۵ در ۱۸ ژانویه ۱۹۹۶ و در ۲۳ آوریل ۱۹۹۶ اصلاح یا بازنگری شده است. طبق ماده ۱۴ اساسنامه دادگاه بین المللی برای رواندا، آیین دادرسی دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق برای آن دادگاه نیز لازم الاتباع می باشد. قاضی این دادگاهها نمی تواند در صورت داشتن منافع شخصی که به بی طرفی او لطمه وارد کند در مرحله بدوی یا استینافی شرکت کند؛ در این حالت او باید خود از شرکت در آن پرونده خودداری نماید و رئیس دادگاه قاضی دیگری را به جای او برمی گزیند.

۵۴. رجوع شود به ماده ۱۲ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق و همچنین ماده ۱۴ آیین دادرسی همین دادگاه

در حالت فوق اگر قاضی خود از حضور در دادرسی امتناع نکند هر یک از طرفین می‌تواند از رئیس شعبه بخواهد که آن قاضی کنار گذاشته شود. رئیس شعبه پس از صحبت با قاضی مورد نظر و دفتر دادگاه در مورد لزوم کنار گذاشتن آن قاضی تصمیم می‌گیرد. اگر دفتر درخواست کنار گذاشتن قاضی را وارد دانست، رئیس قاضی دیگری را به جای قاضی مورد نظر برمی‌گزیند. هر یک از قضات شعبه بدوی که کیفرخواست دادستان را جهت ادامه پیگرد یا منع پیگرد بررسی می‌کند نمی‌تواند جزو قضات در مرحله بعدی یعنی در محاکمه متهم شرکت کند.

هیچ یک از قضات شعبه بدوی نیز نمی‌تواند در مرحله استیناف به عنوان قاضی حضور داشته باشند.

اگر به دلیلی عضو شعبه‌ای نتواند در جلسه دادرسی شرکت کند، رئیس شعبه می‌تواند، در صورتی که غیبت عضو برای مدت کوتاهی باشد، جلسه را تجدید و دادرسی را به تعویق بیندازد؛ برعکس اگر به نظر رئیس مدت غیبت طولانی باشد، او می‌تواند قاضی دیگری را به جای قاضی غایب برگزیند و دستور شروع دادرسی، یا در صورت موافقت متهم، ادامه دادرسی را بدهد.

ج. ریاست

رئیس دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق با رأی اکثریت قضات دادگاه انتخاب می‌شود. اگر در دور اول اکثریت به دست نیاید یک دور دیگر انتخابات میان دو نفر از قضات که بیشترین رأی را در دور اول بدست آورده‌اند برگزار می‌شود، اگر باز هم آرا بالسویه تقسیم شد کسی رئیس می‌شود که از مقام بالاتری برخوردار است. رئیس برای مدت دو سال انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او برای یک بار دیگر امکان‌پذیر می‌باشد. رئیس دادگاه عضویت و ریاست شعبه استینافی دادگاه را نیز به عهده دارد. در حال حاضر رئیس دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق آقای آنتونیوکاسسه از ایتالیا و رئیس دادگاه بین‌المللی برای رواندا آقای

لایبی تی کاما از سنگال می‌باشند. اگر رئیس دادگاه از عضویت در دادگاه خودداری نماید یا قبل از پایان مدت مأموریتش استعفا بدهد، قضات دادگاه از میان خود کسی را به عنوان جانشین برای باقی مانده مدت مأموریت او انتخاب می‌کنند.

رئیس دادگاه، پس از مشورت با قضات، قضات شعب بدوی و شعبه استینافی را منصوب می‌کند. رئیس دادگاه، ریاست جلسات هیأت عمومی دادگاه را بر عهده دارد. او کارهای شعب را هماهنگ کرده و بر فعالیتهای دفتر نظارت می‌کند.

اگر رئیس یا نایب رئیس دادگاه^{۵۷} نتوانند وظایف خود را انجام دهند این وظیفه را آن قاضی که بالاترین مقام را در میان سایرین دارد انجام می‌دهد.

اگر رئیس دادگاه نتواند وظیفه ریاست شعبه استینافی را انجام دهد، شعبه استینافی فردی را از میان اعضای خود به عنوان رئیس انتخاب می‌کند.

II. دادستانی

در رأس دادستانی یک دادستان قرار دارد که توسط شورای امنیت و براساس پیشنهاد دبیرکل برای مدت ۴ سال منصوب می‌شود، که انتصاب مجدد او بلامانع است. او مسئول رسیدگی و تحقیق و تعقیب متهمین به نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. این رکن از استقلال کامل برخوردار است و در انجام وظایفش از هیچ دولت یا منبع دیگری دستور نمی‌گیرد.

دفتر دادستانی از دادستان و تعداد مورد نیاز کارمند متخصص تشکیل می‌شود. این کارکنان بنابه پیشنهاد دادستان توسط دبیرکل منصوب می‌شوند. دادستان همچنین از طریق دبیرکل برای خود معاونی

۵۷. نایب رئیس دادگاه همانند رئیس دادگاه، برای مدت دو سال انتخاب می‌شود. نایب رئیس در صورت عدم حضور رئیس وظایف او را انجام می‌دهد.

منصوب می‌کند. معاون دادستان در صورت عدم حضور یا عدم توانایی یا بنا به دستور دادستان وظایف او را انجام می‌دهد. به علت استعفای اولین دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق وظایف دادستان را تا انتصاب آقای ریچارد گلدستون (قاضی آفریقای جنوبی) به عنوان دادستان جدید معاون دادستان انجام می‌داد.^{۵۸}

دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق دادستان دادگاه بین‌المللی برای رواندا نیز می‌باشد. یک معاون دادستان دیگر و تعدادی کارمند اضافی برای رسیدگی به پرونده‌های مطروحه در آن دادگاه در اختیار دادستان قرار داده شده‌اند.^{۵۹} از لحاظ عملی تعیین یک دادستان واحد برای دو دادگاه کیفری بین‌المللی با توجه به متفاوت بودن مقرّ ممکن است مشکلاتی ایجاد کند.

III - دفتر

دفتر دادگاههای کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا مسؤولیت کارهای اداری دادگاهها را به عهده دارد. این دفتر متشکل از یک مدیر و تعداد مورد نیاز کارمند است. مدیران دفاتر دادگاهها توسط

۵۸. به همین دلیل براساس اعلام آقای ریچارد گلدستون، نامبرده (پس از تعیین جانشین) پست دادستانی دادگاههای کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا را ترک و به پست خود در دیوان عالی آفریقای جنوبی بازخواهد گشت، رجوع شود به:

Le monde, Vendredi 2 février 1996, p. 2

شورای امنیت در ۲۹ فوریه ۱۹۹۶ با تصویب قطعنامه ۱۰۲۷ خانم لویز آربور (Louise Arbour) از کانادا را به عنوان دادستان دادگاههای کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا منصوب نمود. او کار خود را از اکتبر ۱۹۹۶ آغاز می‌کند.

رجوع شود به:

Bulletin NO 4, tribunal pénal international pour l'ex yougoslavie, mars 1996, p.2

۵۹. رجوع شود به مواد ۱۶ اساسنامه و مواد ۳۷ و ۳۸ آیین دادرسی دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق و همچنین به ماده ۱۵ اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای رواندا در حال حاضر معاون دادستان دادگاه بین‌المللی برای رواندا آقای اونوره راکوتومانانا می‌باشد.

دبیرکل پس از مشورت با رئیس دادگاهها برای مدت ۴ سال منصوب می‌شوند که انتصاب مجدد آنها بلامانع است. کارمندان دفتر براساس توصیه مدیر دفتر توسط دبیرکل سازمان ملل متحد منصوب می‌شوند. مدیر دفتر پس از انجام تشریفات اداری کار خود را آغاز می‌کند. مدیر دفتر کمکهای لازم را به شعب دادگاه در طول گردهمایی عمومی ارائه می‌دهد. او همچنین به قضات و دادستان در انجام وظایفشان کمک می‌کند. او مسؤول اداره و ارائه خدمات در دادگاه است. بالاخره او مسؤول کلیه اطلاعاتی‌های صادره از سوی دادگاه می‌باشد که این وظایف را در تحت اوامر رئیس دادگاه انجام می‌دهد. در دفتر دادگاه بخشی جهت کمک به قربانیان و شهود وجود دارد که توسط کارکنان متخصص اداره می‌شود.

کار این بخش توصیه انجام کارهایی جهت حفاظت از قربانیان و شهود می‌باشد. این بخش همچنین کار مشاوره و کمک به قربانیان و شهود را بخصوص در مورد تجاوز یا خشونتهای جنسی به عهده دارد.

این بخش در دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق فعالیت زیادی دارد. در جریان رسیدگی به پرونده «دوسکو تادیچ» دادستان در ۱۸ مه ۱۹۹۵ از دادگاه خواست تا اقدامهای زیر را جهت حفاظت از قربانیان و شهود انجام دهد:

۱- تضمین محرمانه ماندن هویت قربانیان و شهود و عدم اعلام اسامی آنها به رسانه‌ها،

۲- جلوگیری از رودررو شدن قربانیان و شهود با متهمین،

۳- پنهان نگاهداشتن هویت قربانیان و شهود برای متهم و مشاورین،

۴- اقدامهای متنوع به نفع برخی شهود،

۵- اقدامهای کلی جهت جلوگیری از تهیه عکس یا کروکی از

قربانیان و شهود و عدم ضبط شهادت آنها،

شعبه بدوی در رأی ۱۰ اوت ۱۹۹۵ خود به شرح زیر در مورد

درخواستهای دادستان رأی می‌دهد:

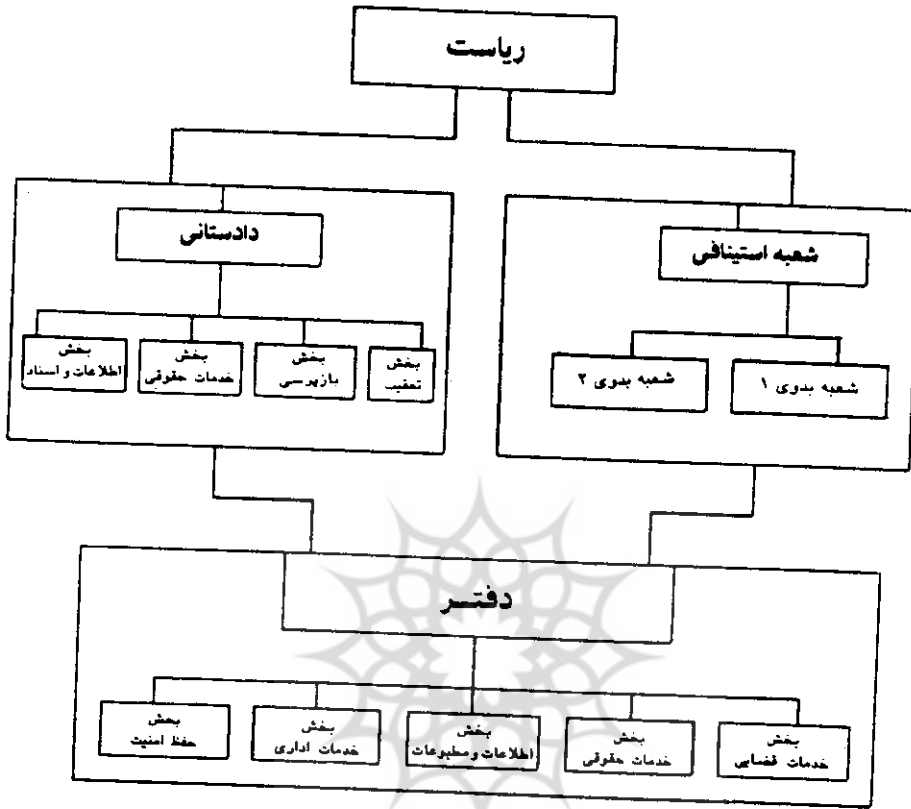
دادگاه محرمانه نگاهداشتن هویت قربانیان و شهود را به علت

امکان وجود انتقام از آنها می‌پذیرد و دستور می‌دهد که اطلاعات مربوط به شش شهود این پرونده پخش نشود، و این شهود در پشت درهای بسته شهادت دهند. مع‌هذا برای حفظ علنی بودن رسیدگی دادگاه دستور می‌دهد که ضبط و تهیه صورتجلسات پس از حذف نام و نشان و پس از بررسی بخش کمک به قربانیان و شهود می‌تواند منتشر شود. شعبه بدوی در مورد قربانیان تجاوزهای جنسی می‌پذیرد که از رودرو کردن آنها با متهمین خودداری شود و بدون رودرویی شهادت دهند. البته رودرو نکردن شهود با متهم نباید لطمه‌ای به حقوق متهم وارد کند. در این مورد شعبه بدوی با اکثریت ۲ به ۱ اعلام کرد که باید به قضات اجازه داده شود که رفتار شهود را بررسی کنند و در ضمن حق متهم به داشتن یک محاکمه منصفانه نیز باید مدّ نظر قرار گیرد. اگر قرار باشد که شهادت شهود بدون رودرویی لطمه به رسیدگی منصفانه وارد کند دادگاه می‌تواند شهادت را از جمله دلایل علیه متهم حذف، یا در رسیدگی به ماهیت مدّ نظر قرار ندهد. در میان آنها قاضی استفن (Stephen) عدم انتشار هویت شهود برای متهم و مشاورینش را به عنوان یک اصل کلی حقوق نمی‌پذیرد. همچنین دادگاه، دستور می‌دهد هیچ‌گونه عکس یا کروّگی از شهود و قربانیان تهیه نشود و همچنین حرفهای آنها تا زمانی که در دادگاه حضور دارند ضبط نشود.^{۶۰} بالاخره مدیر دفتر یا کارکنان دفتر صورتجلسات هیأت عمومی دادگاه و همچنین صورتجلسات بحثهای مطروحه در شعب، به استثنای مذاکرات مربوط به شور برای صدور رأی را تهیه می‌کنند.

مدیر دفتر یک بایگانی تشکیل و در آن اطلاعات مهم و ضروری مربوط به هر قضیه مطروحه در دادگاه را ثبت و نگهداری می‌کند. دسترسی به این مجموعه برای عموم آزاد است.

۶۰. رجوع شود به:

Affaire No I T 94-1-7 Dusko Tadic, communiqué de presse, la Haye, 10 Août 1995.



«نمودار ساختار و تشکیلات دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق»
برای ترسیم ساختار دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق از منابع زیر
استفاده شده است.

Bulletin N^o1, N^o 2, N^o 4, Tribunal pénal international Pour l'ex
Yougoslavie 1996.

در حال حاضر ۳۱۱ نفر با ۳۶ تابعیت متفاوت در دادگاه کیفری بین المللی
یوگسلاوی سابق مشغول به کار می باشند. از این تعداد ۱۱ نفر قاضی، ۲۸
نفر دستیار حقوقی، ۳۶ نفر کارشناس و ۲۳۶ نفر کارمند هستند.

رجوع شود به Bulletin N^o 4, op. cit, p.4.

IV. بودجه

از لحاظ مالی هزینه‌ها طبق ماده ۳۲ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و ماده ۳۰ اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای رواندا جزء بودجه سازمان ملل متحد می‌باشد. بودجه تخصیص یافته برای عملکرد دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶ به ترتیب به میزان ۲۷۶۲۰۰۰، ۱۰۸۰۰۰۰۰، ۲۸۳۰۰۰۰۰، ۴۰۷۸۰۰۰۰ دلار است که این مبالغ شامل اجاره احتمالی اماکن دادگاه، محلی برای نگهداری متهمین قبل یا در هنگام دادرسی و همچنین هزینه‌های زندانبانی نمی‌شود.^{۶۱}

عملکرد رضایت بخش این دادگاهها بستگی به بودجه آنها هم دارد. مسأله بودجه یکی از مواردی است که می‌تواند سبب بروز مشکلاتی در کار دادگاههای بین‌المللی شود. آقای آنتونیو کاسسه رئیس دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در گزارش مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۹۴ خود به مجمع عمومی به این مسأله اشاره نموده است و آن را یکی از مشکلات عمده در کار دادگاههای کیفری بین‌المللی می‌داند.^{۶۲}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۶۱. رجوع شود به

Bulletin N0 2, op. cit, p. 4

۶۲. رجوع شود به:

Discours de Antonio CASSESE, président du tribunal pénal international pour l'ex-Yougoslavie à l'Assemblée générale des Nations Unies, le 14 Novembre 1994, in Doc I T/87 du 15 Novembre 1994.

رؤسای دادگاههای کیفری بین‌المللی مکلفند طبق ماده ۳۴ اساسنامه دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق و ماده ۳۱ اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای رواندا گزارش سالانه‌ای به شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه کنند.

نمودار نحوه هزینه کرد دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق در سال ۱۹۹۴-۱۹۹۵

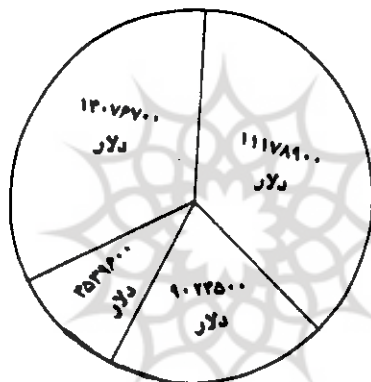
هزینه های دادستانی

- ۱- ۶۶/۵۱ پستل
- ۲- ۲۴/۱۲ مسافرت
- ۳- ۸/۰ مشاوران
- ۴- ۳۹/۰ کمکهای حقوقی
- ۵- ۱۵/۰ اضافه کار



هزینه های دفتر

- ۱- ۵۹/۱۱ پستل
- ۲- ۱۶/۵۲ کمکهای حقوقی
- ۳- ۱۴/۸۶ خدمات قراردادی
- ۴- ۴/۵۵ مسافرت
- ۵- ۳/۵۲ کمک به کنفرانسها
- ۶- ۱/۵۵ مشاوران
- ۷- ۶۰/۰ اضافه کار
- ۸- ۱۱/۰ پذیرایی



هزینه های شعب



هزینه های برنامه پشتیبانی



- ۱- ۸۰/۲۷ حقوق و سفارح عمومی
- ۲- ۱۰/۸۴ پستل
- ۳- ۲/۰۸ مسافرت
- ۴- ۱/۱۹ مشاوران

برای ترسیم نحوه هزینه کرد دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق رجوع شود به

Bulletin N°2, op. cit, p. 4

- ۱- ۵۰/۲۷ سفارح عمومی عملکرد
- ۲- ۲۰/۴۶ اسواق منقول و تجهیزات
- ۳- ۵/۵۰ خدمات قراردادی
- ۴- ۲/۷۰ تدارکات و ملزومات

بخش سوم

صلاحیت محاکم کیفری بین‌المللی

صلاحیت محاکم کیفری را علی‌الاصول می‌توان در چهار قسمت تحت عناوین صلاحیت ذاتی، صلاحیت شخصی، صلاحیت زمانی و مکانی و صلاحیت متقارن، مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

فصل اول

صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی

۱. صلاحیت ذاتی

بحث اصلی در صلاحیت ذاتی، در واقع، تعیین جنایاتی است که دیوان کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به آنها صالح می‌باشد. در این مورد هنوز «قانون جرایم بر ضد صلح و امنیت بشری» تصویب نشده است و لذا صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی برطبق ماده ۲۰ پیش‌نویس اساسنامه آن در مورد جنایات زیر پذیرفته شده است.

۱. جنایت کشتار جمعی:

جنایت کشتار جمعی براساس کنوانسیون ۱۹۴۸ عبارت از ارتکاب به یکی از اعمال زیر به قصد نابودی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی می‌باشد.

۱.۱. کشتار اعضای یک گروه،

۱.۲. ایراد صدمات شدید جسمی و روحی به اعضای گروه،

۱.۳. قرار دادن عامدانه گروه تحت شرایط زیستی که برای نابودی

عملی تمام یا بخشی از آن گروه طراحی شده است،

۱.۴. تحمیل شرایطی به منظور جلوگیری از زاد و ولد میان اعضای

63. *ratione materiae.*

64. *genocide L« génocide.*

گروه،

۱.۵. انتقال اجباری کودکان یک گروه به گروه دیگر.

این اعمال چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ، جنایت محسوب می‌شود و هر کس که مرتکب این اعمال شده و یا مبادرت به صدور دستور برای ارتکاب به چنین اعمالی نماید قابل پیگرد می‌باشد. منع و جلوگیری از جرم کشتار جمعی برای کلیه دولتها الزامی است اعم از اینکه به کنوانسیون ۱۹۴۸ در مورد منع کشتار جمعی پیوسته یا نپیوسته باشند. در این خصوص دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی ۱۹۵۱ خود در قضیه «حق شرط بر کنوانسیون منع کشتار جمعی» اعلام می‌دارد: «اصول بنیادین این کنوانسیون جزو اصول شناخته شده توسط ملل متمدن بوده و برای کلیه دولتها، صرف نظر از هرگونه رابطه قراردادی الزام آور است».^{۶۵}

۲. جنایت تجاوز

یکی از مشکلات عمده حقوق بین‌الملل تقریباً تا اواسط دهه هفتاد عدم تعریف از تجاوز بود. همین امر سبب شد که کارهای مربوط به تهیه پیش نویس «قانون جرایم بر ضد صلح و امنیت بشری» و تهیه پیش نویس «اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی» نیز به تعویق افتد؛ اما پس از اینکه مجمع عمومی تجاوز را در قطعنامه ۳۳۱۴ مورخ ۱۹۷۴ تعریف نمود مشکل تا حدود زیادی حل شد.

تجاوز عبارت از استفاده کشوری از نیروی نظامی بر ضد حاکمیت، تمامت ارضی و یا استقلال سیاسی کشور دیگر و یا هر روش دیگری که با منشور ملل متحد مبیانت دارد می‌باشد. از مصادیق تجاوز می‌توان اشغال نظامی ناشی از حمله حتی بطور موقت، انضمام سرزمین کشور دیگر یا بخشی از آن به خاک خود با توسل به زور، بمباران سرزمین یک کشور، محاصره دریایی بنادر یا سواحل یک کشور توسط نیروهای مسلح، حمله

65. CIJ "Réserves à la convention pour la prévention et la répression du crime de génocide" Recueil des arrêt, avis consultatifs et ordonnances, 1951, p.23.

نظامی به نیروهای زمینی، هوایی و دریایی و ناوگان دریایی و هوایی غیرنظامی یک کشور، استفاده از نیروی نظامی اعزامی برخلاف شرایط پیش بینی شده در موافقتنامه منعقدۀ با کشور میزبان یا خارج نکردن نیروی نظامی پس از انقضای مدت اعتبار موافقتنامه منعقدۀ، اجازه برای استفاده از خاک کشوری توسط کشور دیگر برای تعرض به کشور ثالث، اعزام نیروهای مسلح منظم و نیروهای نامنظم یا مزدور از سوی کشوری برای انجام عملیات مسلحانه در کشور دیگر و بالاخره هرگونه اعمال دیگری که به تشخیص شورای امنیت، مطابق منشور سازمان ملل متحد، اعمال تجاوزکارانه تلقی شود.

لازم است به این نکته اشاره شود که پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به جرم «تهدید به تجاوز» اشاره نکرده است. این جرم در ماده ۱۶ پیش نویس «قانون جرایم بر ضد صلح و امنیت بشری» پیش بینی شده است. طبق این ماده تهدید به تجاوز شامل بیانه‌ها و اعلامیه‌ها و قدرت‌نماییها و یا هرگونه اقدام‌های دیگری است که دولتی را متقاعد کند که تب رزی بر ضدش تدارک دیده شده است. اساسنامه دیوان کیفری در این مورد جرم بر ضد صلح را مد نظر دارد. لازم به تذکر است در صورتی که شورای امنیت عملی را طبق فصل هفتم منشور تجاوز تشخیص داده و آن را تهدید بر ضد صلح یا نقض صلح تشخیص دهد دیوان کیفری حق رسیدگی ندارد مگر آنکه شورا تصمیم دیگری اتخاذ نماید.

۲. نقض مهم قوانین و عرفهای لازم‌الاجرا در مخاصمات مسلحانه

در مورد قوانین و عرفهای لازم‌الاجرا در مخاصمات مسلحانه باید به کنوانسیون چهارم لاهه مورخ ۱۹۰۷ و قواعد منضم به آن رجوع نمود که به صورت حقوق عرفی درآمده‌اند. از آن جمله ماده ۲۲ مقررات لاهه است که اشعار می‌دارد: «متخاصمین در انتخاب وسایل ایداء دشمن حقی نامحدود ندارند». دادگاه نورمبرگ نیز اعلام کرد که بسیاری از مقررات

لاسه قبل از شروع جنگ دوم جهانی به عنوان قوانین و عرفهای جنگی توسط ملل متمدن شناخته شده‌اند. دادگاه نورمبرگ همچنین اعلام کرد که جنایات جنگی که در ماده ۶ بند «ب» اساسنامه نورمبرگ پیش بینی شده است قبلاً در حقوق بین‌الملل و در حقوق لاهه به عنوان جنایات جنگی شناخته شده‌اند و مرتکبین آن قابل مجازات هستند. این جنایات عبارت از قتل عمد، رفتار ضد انسانی یا تبعید به قصد کار اجباری یا سایر مقاصد نسبت به افراد عادی یک سرزمین اشغالی، قتل یا رفتار ضد انسانی با اسرای جنگی یا غریقان در دریا، کشتن گروگانها، غارت و تاراج اموال عمومی یا خصوصی، انهدام شهرها و روستاها بدون وجود ضرورت نظامی می‌باشد.

۴. جنایات بر ضد بشریت

جنایات بر ضد بشریت اولین بار در اساسنامه دادگاه نورمبرگ شناخته شد. " این جنایات بعد از جنگ دوم جهانی در قانون شماره ۱۰ شورای نظارت مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۴۵ نیز پیش بینی شده است. طبق اساسنامه دادگاه نورمبرگ قتل عمدی، اسیر نمودن و رفتار ضد انسانی و شکنجه کردن افراد عادی به دلایل سیاسی یا نژادی یا مذهبی جرم بر ضد بشریت تلقی می‌شود. به نظر می‌رسد که طبق اساسنامه دادگاه نورمبرگ علی‌الاصول باید این جرایم در ارتباط با جنایات بر ضد صلح و جنایات جنگی اتفاق افتد، در حالی که پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی آن را به عنوان جرم مستقلی جدا از جنایات بر ضد صلح در نظر گرفته است.

به نظر می‌رسد جرم بر ضد بشریت علاوه بر موارد مذکور در پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی شامل

۶۶. رجوع شود به ماده ۶ (بند ۳) اساسنامه دادگاه نظامی نورمبرگ.

نقض وسیع و سیستماتیک حقوق بشر،^{۶۷} تروریسم^{۶۸} و صدمات عمدی و شدید به محیط زیست،^{۶۹} پاکسازی قومی، واداشتن به روسپیگری، دستگیری و حبس نمودن دلبخواهی، اعدامهای غیرقانونی، تجاوز و خشونتهای جنسی باشد.^{۷۰}

حال این سؤال مطرح شود که با توجه به اینکه برخی از اعمال فوق از جمله واداشتن به روسپیگری یا خشونتهای جنسی ممکن است فقط در قوانین داخلی دولتها پیش بینی شده باشد، چگونه دیوان صلاحیت رسیدگی به آنها را خواهد داشت؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که ماده ۳۳ پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در باب قانون حاکم اعلام می‌دارد که علاوه بر اساسنامه دیوان و معاهدات لازم‌الاجرا و اصول و قواعد حقوق بین‌الملل عمومی، در صورت اقتضا قوانین داخلی نیز لازم‌الاجرا می‌باشند.

۵. نقض حقوق بشر دوستانه

در این مورد منظور جنایات مندرج در:

۵.۱. ماده ۵۰ کنوانسیون ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنودر مورد بهبود

۶۷. رجوع شود به ماده ۲۱ پیش نویس «قانون جرایم برضد صلح و امنیت بشری» که شامل قتل عمدی، شکنجه، تحمیل بردگی و بندگی و کار اجباری، سرکوب مردم به دلایل اجتماعی و سیاسی و نژادی و مذهبی و فرهنگی، و تبعید یا انتقال اجباری مردم می‌باشد.

۶۸. رجوع شود به ماده ۲۴ پیش نویس «قانون جرایم برضد صلح و امنیت بشری» که طبق آن تروریسم عبارت از عهده‌دار شدن، سازمان دادن، کمک کردن، تأمین مالی نمودن، ترغیب یا نادیده گرفتن ارتکاب اعمالی علیه کشور دیگری با هدف از بین بردن اشخاص یا اموال بطوری که در نتیجه اعمال مزبور جو و وحشت میان شخصیتهای مملکتی و گروهها و عامه مردم ایجاد شود.

۶۹. رجوع شود به ماده ۲۶ پیش نویس «قانون جرایم برضد صلح و امنیت بشری» که طبق آن وارد کردن عمدی صدمات گسترده و درازمدت و شدید به محیط زیست طبیعی جرم محسوب می‌گردد.

۷۰. این گونه اعمال را می‌توان در جریان بحران یوگسلاوی سابق مشاهده نمود. در این خصوص رجوع شود به:

Rapport final de la commission d'expert constituée conformément à la Résolution 780 (1992) du conseil de sécurité in, S/1994/674 p.7-87.

وضعیت زخمیها و بیماران نیروهای مسلح در هنگام اردو کشی است که عبارتند از قتل عمد، شکنجه یا رفتار ضد انسانی، انجام آزمایشهای بیولوژیکی، لطمه به تمامت جسمی و روحی، انهدام اموال بدون وجود ضرورت نظامی.

۵.۲. ماده ۵۱ کنوانسیون ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو در مورد بهبود وضعیت زخمی ها، بیماران و غریقان نیروهای مسلح است که عبارتند از قتل عمد، شکنجه یا رفتار ضد انسانی، انجام آزمایشهای بیولوژیکی، لطمه به تمامت جسمی و روحی، انهدام اموال بدون وجود ضرورت نظامی.

۵.۳. ماده ۱۳۰ کنوانسیون ۱۲ اوت ۱۹۴۹ در مورد رفتار با اسرای جنگی است که عبارتند از قتل عمد، شکنجه و رفتار ضد انسانی، انجام آزمایشهای بیولوژیکی، لطمه به تمامت جسمی و روحی، وادار کردن اسیر جنگی به خدمت در نیروهای مسلح دولت متخاصم، محروم کردن اسیر جنگی از برخورداری از حق دادرسی منصفانه و بی طرفانه.

۵.۴. ماده ۱۴۷ کنوانسیون ۱۲ اوت ۱۹۴۹ در مورد حمایت از اشخاص عادی در زمان مخاصمات مسلحانه است که عبارتند از قتل عمد، شکنجه یا رفتار ضد انسانی، انجام آزمایشهای بیولوژیکی، لطمه به تمامت جسمی و روحی، نفی بلد، انتقال یا جابجایی غیرقانونی، توقیف غیرقانونی، وادار کردن افراد به خدمت در نیروهای مسلح دولت خصم، محروم کردن افراد عادی از برخورداری از حق دادرسی منصفانه و بی طرفانه، گروگان گرفتن افراد، انهدام اموال بدون وجود ضرورت نظامی.

۵.۵. ماده ۸۵ پروتکل شماره یک مورخ ۸ ژوئن ۱۹۷۷ ژنو در مورد حمایت از افراد عادی در حین مخاصمات مسلحانه بین المللی است^{۷۱} که عبارتند از: حمله به مردم و اشخاص عادی، شروع حمله توأم با بی اعتنائی

۷۱. پروتکل های شماره یک و دو ژنو مورخ ۸ ژوئن ۱۹۷۷ منضم به چهار کنوانسیون ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو می باشند. برای بررسی دقیق این پروتکلها رجوع شود به:

pilloud. c, De preux. J, Eberlin. ph, Gasser. H. p, wenger. c.f, Jundo. s, Sandoz.y, Swinarski. ch, Zimmermann. B, avec la collaboration de pictet. J, "Commentaire des protocoles additionnels du 8 Juin 1977 aux conventions de Genève du 12 Août 1949", Martinus Nijhlt, Genève 1986, 1647 pages.

به اشخاص و اموال عادی و با آگاهی از این که این حمله خسارات جانی و مالی فراوان به همراه دارد، حمله به اماکن و تأسیساتی که دارای قدرت خطرناکی هستند با آگاهی از این که این حمله خسارات جانی و مالی فراوانی به همراه دارد، حمله به اماکن بی‌دفاع و مناطق غیرنظامی، حمله به اشخاص با آگاهی از عدم توانایی آنها به شرکت در مخاصمه، استفاده متقلبانه از علائم صلیب سرخ و هلال احمر و شیر و خورشید سرخ یا علائم محافظ شناخته شده در کنوانسیونها و پروتکل حاضر، انتقال بخشی از مردم عادی کشور اشغالگر به سرزمینهای اشغالی یا نفی بلد یا انتقال کامل یا بخشی از مردم سرزمینهای اشغالی، تأخیر غیرموجه در بازگرداندن اسرای جنگی یا مردم عادی به کشور خود، ارتکاب جنایت آپارتاید و سایر رفتارهای ضد انسانی مبتنی بر تبعیض نژادی، هدایت و رهبری حملات بر ضد آثار تاریخی، هنری و اماکن مذهبی شناخته شده که میراث فرهنگی یا معنوی مردم می‌باشند، محروم کردن اشخاص از برخورداری از یک محاکمه منصفانه و بی‌طرفانه.

۶. تصرف غیرقانونی هواپیماها

منظور جنایت تصرف غیرقانونی هواپیماها به شکل مندرج در ماده ۱ کنوانسیون ۱۶ دسامبر ۱۹۷۰ لاهه است. طبق ماده ۱ این کنوانسیون اعمال زیر در هواپیمای در حال پرواز جرم کیفری محسوب می‌شوند.

۶.۱. کاربرد خشونت یا تهدید به کاربرد خشونت در هواپیما، به قصد تصرف یا به کنترل خود در آوردن آن یا تلاش در جهت ارتکاب به یکی از این اعمال.

۶.۲. هر شخص دیگری هم که مرتکب یکی از این اعمال شود یا تلاش برای ارتکاب به یکی از این اعمال نماید شریک در جرم می‌باشد.

۷. اعمال غیرقانونی بر ضد امنیت پرواز هواپیماها

منظور جنایات پیش‌بینی شده در ماده ۱ کنوانسیون ۲۳ دسامبر

۱۹۷۱ مونترال در مورد سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد امنیت هواپیمایی کشوری می‌باشد. ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۷۱ مونترال اشعار می‌دارد که: هر شخصی که بطور غیرقانونی و از روی عمد مرتکب یکی از اعمال زیر شود آن عمل جرم جزایی تلقی می‌شود:

- ۷.۱. کاربرد خشونت نسبت به اشخاص موجود در هواپیمای در حال پرواز^۳ مشروط بر اینکه این عمل ماهیتاً امنیت هواپیما را به خطر اندازد.
- ۷.۲. انهدام یا وارد نمودن خسارات به هواپیمای در حال استفاده به طوری که غیرقابل پرواز گردد یا امنیت پرواز آن به خطر افتد.
- ۷.۳. قرار دادن مواد منفجره در هواپیما برای انهدام یا وارد نمودن خسارات به آن بطوری که هواپیما را غیرقابل پرواز کرده یا ماهیتاً امنیت پرواز آن را با خطر مواجه کند.
- ۷.۴. انهدام یا وارد کردن خسارت به تأسیسات یا خدمات مربوط به هوانوردی یا ایجاد بی‌نظمی و اغتشاش در کار آنها مشروط بر اینکه این اعمال ماهیتاً امنیت پرواز هواپیما را به خطر اندازد.
- ۷.۵. دادن اطلاعات با علم به نادرست بودن آن، که امنیت هواپیمای در حال پرواز را به خطر اندازد.
- ۷.۶. هر شخصی که تلاشی برای ارتکاب یکی از اعمال فوق را داشته باشد در حکم مرتکب است.
- ۷.۷. هر شخص دیگری هم که مرتکب یکی از این اعمال شود یا تلاش برای ارتکاب یکی از اعمال فوق را نماید شریک در جرم می‌باشد.

۸. آپارتاید و جرائم وابسته

منظور جنایت آپارتاید و همچنین جنایات وابسته به آن به شرح

۷۲. از لحظه‌ای که، بعد از اتمام بارگیری مسافر و کالا، درهای بیرونی هواپیما بسته و آماده پرواز می‌شود تا لحظه‌ای که درها برای تخلیه کالا و مسافر باز می‌شود به آن هواپیمای «در حال پرواز» اطلاق می‌شود.

رجوع شود به ماده ۳ کنوانسیون ۱۶ دسامبر ۱۹۷۰ لاهه در

Mateesco Matte- Nicolas "Traité de droit aérien - aéronautique, 3e édition, A. pedone, paris. 1980, p. 707.

مندرج در ماده ۲ کنوانسیون بین‌المللی امحاء و سرکوب جنایت آپارتاید مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۷۳ است. آپارتاید در واقع مشتمل بر یکی از اعمال زیر است که براساس سیاستها و عملکردهای تبعیض آمیز و جداسازی نژادی و به منظور استقرار و یا تداوم سلطه یک گروه نژادی بر گروه نژادی دیگر و سرکوبی منظم این گروه ارتکاب می‌یابد. این اعمال عبارتند از:

۸۱. امتناع از پذیرش حق حیات و آزادی شخصی برای عضو یا اعضای یک گروه نژادی؛

۸۲. تحمیل عامدانه وضعیت خاصی از زندگی به یک گروه نژادی که به منظور نابودی عملی تمام یا بخشی از آن گروه طراحی شده است؛

۸۳. اتخاذ تدابیر قانونی یا اقدامهای دیگر با هدف جلوگیری از مشارکت یک گروه نژادی در زندگی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی کشور و نیز ایجاد عامدانه شرایطی که رشد و شکوفایی آن گروه را با مانع روبرو می‌سازد؛

۸۴. هرگونه اقدام از جمله اقدامهای تقنینی با هدف جداسازی جمعیت در قطبهای نژادی و به ویژه از طریق ایجاد محله‌هایی خاص و جدا برای اعضا یک گروه و ممنوعیت ازدواج بین آحاد گروههای نژادی؛

۸۵. بهره‌کشی از کار اعضای یک گروه نژادی به ویژه از طریق کار اجباری؛

۸۶. سرکوبی سازمانها و اشخاص مخالف آپارتاید یا محروم کردن آنها از آزادیها و حقوق اساسیشان.^۳

۹. جرائم برضد اشخاص تحت حمایت بین‌المللی

منظور جنایات مندرج در ماده ۲ کنوانسیون جلوگیری و سرکوب جرایم برضد اشخاص تحت حمایت بین‌المللی از جمله دیپلماتها مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۳ است. این جنایات عبارتند از:

۹.۱. قتل و ربودن یا هر نوع حمله برضد شخص یا آزادی شخص

۳. رجوع شود به ماده ۲۰ پیش‌نویس «قانون جرایم برضد صلح و امنیت بشری».

مورد حمایت بین‌المللی؛

۹.۲. حمله یا اعمال خشونت آمیز به اماکن رسمی و محل سکونت یا وسایل نقلیه متعلق به شخص مورد حمایت بین‌المللی به شکلی که جان و یا آزادی او را به مخاطره افکند؛

۹.۳. تهدید به انجام اعمال فوق؛

۹.۴. شروع به ارتکاب اعمال فوق؛

۹.۵. مداخله در ارتکاب اعمال فوق به عنوان شریک جرم.

۱۰. گروگانگیری

منظور گروگانگیری و سایر جنایات وابسته به آن به شرح مندرج در ماده یک کنوانسیون بین‌المللی بر ضد گروگانگیری مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹ است. این جنایات عبارتند از:

۱۰.۱. هر شخصی که کسی را توقیف یا بازداشت نموده و تهدید به کشتن، صدمه زدن یا ادامه بازداشت او نماید و آن به منظور وادار نمودن شخصی ثالث اعم از یک دولت، یک سازمان بین‌المللی بین‌الدولی، شخصی حقیقی یا حقوقی یا گروهی از اشخاص برای انجام یا خودداری از انجام هر عملی به عنوان شرط صریح یا ضمنی برای رها ساختن گروگان باشد مرتکب جرم گروگانگیری شده است؛

۱۰.۲. هر شخصی که تلاش برای ارتکاب گروگانگیری کند در حکم مرتکب است. گروگانگیری کند

۱۰.۳. هر شخص دیگری هم که مرتکب جرم گروگانگیری شود یا تلاش برای ارتکاب گروگانگیری کند شریک در جرم می‌باشد؛

۱۱. شکنجه

منظور جنایت شکنجه به شرح مندرج در ماده ۴ کنوانسیون ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ منع شکنجه است. ماده ۴ این کنوانسیون اشعار می‌دارد:
- هر دولت متعاقد به این کنوانسیون باید مراقب باشد که کلیه

اعمال شکنجه (آزار و اذیت جسمی و روحی عامدانه به قصد کسب اطلاعات، گرفتن اقرار...) در حقوق جزایش جرم تلقی شود. کسانی که تلاش برای ارتکاب به شکنجه می‌کنند معاون یا شریک در جرم شکنجه محسوب می‌شوند.

- هر دولت متعاقد به این کنوانسیون برای این جرم، با توجه به شدت آن، مجازات‌های مناسبی وضع می‌کند.^{۷۳}

۱۲. اعمال غیرقانونی بر ضد امنیت دریانوردی

منظور جنایات مندرج در ماده ۳ کنوانسیون ۱۰ مارس ۱۹۸۸ در مورد سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد امنیت دریانوردی است. این جنایات عبارتند از:

- هر شخصی که بطور غیرقانونی و به عمد یکی از اعمال زیر را انجام دهد مرتکب یک جرم جنایی شده است:

۱۲.۱- تصرف یا کنترل کشتی با کاربرد خشونت یا تهدید به کاربرد خشونت؛

۱۲.۲- کاربرد خشونت بر ضد هر شخصی در کشتی در صورتی که این اعمال ماهیتاً امنیت دریانوردی آن کشتی را به خطر اندازد؛

۱۲.۳- تخریب یا وارد کردن خسارت به کشتی یا محموله آن که ماهیتاً امنیت دریانوردی کشتی را به خطر اندازد؛

۱۲.۴- قراردادن مواد منفجره یا ماده‌ای برای تخریب کشتی یا وارد کردن خسارت به کشتی یا محموله آن که امنیت دریانوردی آن کشتی را به خطر می‌اندازد یا ماهیتاً طوری است که چنین خطری را می‌آفریند؛

۱۲.۵- تخریب یا وارد کردن خسارات سنگین به تأسیسات یا سرویس‌های کشتیرانی دریایی یا ایجاد اغتشاش شدید در عملکرد آنها در صورتی که یکی از این اعمال ماهیتاً امنیت دریانوردی یک کشتی را به

۷۳- رجوع شود به:

Cherif Bassiouni "crimes against humanity in international criminal law",
Martinus Nijhoff, The Netherlands, 1992, p.717.

خطر اندازد؛

۱۲-۶. دادن اطلاعات با علم به نادرست بودن آن، که این عمل

امنیت دریانوردی یک کشتی را به خطر اندازد؛

۱۲-۷. زخمی کردن یا کشتن هر شخصی، زمانی که این اعمال مرتبط

با یکی از جرایم پیش بینی شده در بندهای ۱-۱۲ تا ۶-۱۲ باشد؛

۱۲-۸. زخمی کردن یا کشتن هر شخصی، زمانی که این اعمال مرتبط

با یکی از جرایم پیش بینی شده در بندهای ۱-۱۲ تا ۶-۱۲ باشد اعم از

اینکه آن جرم انجام یا تلاشی برای انجام آن شده باشد؛

هر کس که یکی از اعمال زیر را انجام دهد نیز مرتکب جرم جنایی

شده است.

۱۲-۹. تلاش برای ارتکاب یکی از جرایم پیش بینی شده در فوق؛

۱۲-۱۰. تحریک هر شخص دیگر برای ارتکاب یکی از جرایم

پیش بینی شده در فوق، در صورتی که جرم به طور مؤثر انجام شده باشد یا

به هر شکل دیگری شریک بودن با شخصی که مرتکب چنین جرمی

می شود؛

۱۲-۱۱. تهدید به ارتکاب یکی از جرایم پیش بینی شده در بندهای

۳-۱۲، ۳-۱۲ و ۵-۱۲ در صورتی که این تهدید ماهیتاً امنیت دریانوردی

کشتی مورد نظر را به خطر اندازد.^{۷۵}

۱۲. اعمال غیرقانونی بر ضد امنیت سکوهای ثابت در فلات قاره

منظور جنایات مندرج در ماده ۲ پروتکل ۱۰ مارس ۱۹۸۸ در مورد

اعمال غیرقانونی بر ضد امنیت سکوهای ثابت در فلات قاره است. این

جنایات عبارتند از:

- هر شخصی که بطور غیرقانونی و به عمد یکی از اعمال زیر را انجام

۷۵. رجوع شود به:

"Convention pour la répression d'acte illicites contre la sécurité de la navigation maritime" in R.G.D.I.P., 1988, No 2, A. Pedone, paris, p.p.479-480.

دهد مرتکب یک جرم جنایی شده است.

۱۳-۱. تصرف یا کنترل یک سکوی ثابت با کاربرد خشونت یا تهدید به کاربرد خشونت؛

۱۳-۲. انجام عمل خشونت‌آمیز بر ضد هر شخصی که در سکوی ثابت است مشروط بر اینکه این عمل ماهیتاً امنیت سکورا به خطر اندازد؛

۱۳-۳. تخریب سکوی ثابت یا وارد کردن خساراتی که ماهیتاً امنیت آن را به خطر اندازد؛

۱۳-۴. قرار دادن مواد منفجره یا ماده‌ای برای تخریب سکوی ثابت یا قرار دادن موادی که ماهیتاً امنیت سکورا به خطر اندازد؛

۱۳-۵. زخمی کردن یا کشتن هر شخصی، زمانی که این اعمال مرتبط با یکی از جرایم پیش‌بینی شده در بندهای ۱-۱۳ و ۴-۱۳ باشد، چه این عمل انجام و یا تلاشی برای انجام آن شده باشد؛

- هر شخصی که یکی از اعمال زیر را انجام دهد نیز مرتکب جرم جنایی شده است:

۱۳-۶. تلاش برای ارتکاب یکی از اعمال مندرج در بندهای ۱-۱۳ تا ۱۳-۵؛

۱۳-۷. تحریک شخص دیگری برای ارتکاب یکی از این جرایم، در صورتی که آن جرم بطور مؤثر انجام شده باشد یا به هر شکل دیگری شریک بودن با شخصی که مرتکب چنین جرمی می‌شود؛

۱۳-۸. تهدید به ارتکاب یکی از جرایم پیش‌بینی شده در بندهای ۱-۱۳ و ۲-۱۳، در صورتی که این تهدید ماهیتاً امنیت سکوی ثابت را به خطر اندازد.^۳

۱۴. قاچاق مواد مخدر و مواد روان‌گردان

منظور جنایت مربوط به قاچاق مواد مخدر و مواد روان‌گردان به

۷۶. رجوع شود به:

"Protocole pour la répression d'actes illicites contre la sécurité des plateformes fixes situées sur la plateau continental" in R.G.D.I. P., 1988 No 3, A. Pedone, paris, pp. 793.

شرح مندرج در ماده ۳ (بند یک) کنوانسیون ملل متحد در مورد قاچاق مواد مخدر و مواد روان گردان مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ است. این جنایات عبارتند از:

۱۴.۱. تولید، ساخت، تقطیر، تهیه، عرضه، عرضه برای فروش، توزیع، فروش، تحویل به هر شکلی، واسطه‌گری، ارسال، ارسال به صورت ترانزیت، حمل و نقل، ورود یا صدور هرگونه مواد مخدر یا مواد روان گردان برخلاف مفاد کنوانسیون ۱۹۶۱ و اصلاحیه آن و کنوانسیون ۱۹۷۱؛^{۷۷}

۱۴.۲. کشت خشخاش، بوته کوکا و یا گیاه کنابیس به منظور تولید مواد مخدر برخلاف مواد مندرج در کنوانسیون ۱۹۶۱ و اصلاحیه آن؛

۱۴.۳. در اختیار داشتن یا خرید هرگونه مواد مخدر یا مواد روان گردان به منظور ارتکاب به عمل مندرج در قسمت «الف»؛

۱۴.۴. ساخت، حمل و یا توزیع تجهیزات، مواد و یا داروهای مندرج در جدولهای ۱ و ۲ با علم به اینکه احتمال دارد از آنها در کشت غیرقانونی، تولید و یا ساخت مواد مخدر یا مواد روان گردان استفاده شود.^{۷۸} طبق ماده ۲ کنوانسیون ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ این اعمال جنایات بین‌المللی محسوب می‌شود.

همانگونه که ملاحظه می‌شود دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به طیف وسیعی از جرایم را دارد. عده‌ای معتقدند که یکی از مشکلات دیوان کیفری بین‌المللی عدم تصویب «قانون جرایم بر ضد صلح و امنیت بشری» است. اما باید گفت که تقریباً تمام جرایم موجود در پیش نویس آن قانون در پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی دولت ایران در تاریخ هفتم تیرماه ۱۳۵۱ به کنوانسیون ۲۰ مارس ۱۹۶۱ نیویورک در مورد مواد مخدر، مشتمل بر ۵۱ ماده و چهار ضمیمه، ملحق شده است.

۷۸. مواد مندرج در جدولهای شماره ۱ و ۲ عبارتند از:
- جدول شماره یک شامل افدرین-ارگومتین، ارگوتامین، اسید لیزرژیک، فنیل پروپان بوروافدرین و نمکهای مواد مذکور می‌باشد.
- جدول شماره ۲ شامل انیدرید استیک، استون، اسید آنترانیلک، اسید فنیل استیک، بی پریدین و نمکهای مواد مذکور می‌باشد.

پیش بینی شده است. بنابراین دیوان علی‌الاصول مشکلی برای رسیدگی به این جرایم ندارد و اصل بنیادین «قانونی بودن جرایم» یعنی «هیچ عملی جرم نیست مگر به حکم قانون»^{۸۱} رعایت می‌شود.

II. صلاحیت شخصی^{۸۲}

دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند صلاحیت خود را در مورد هر شخصی که مرتکب یکی از جنایات پیش‌گفته شود اعمال کند.^{۸۱} بنابراین اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اصل کلی حقوق جزای بین‌الملل یعنی مسؤلیت کیفری فردی را پذیرفته و آن را مورد تأیید قرار داده است.^{۸۲}

اشخاصی که مسؤلیت کیفریشان می‌تواند مطرح شود افراد حقیقی اعم از مرتکب، طراح، کمک‌کننده، مشوق و دستوردهنده ارتکاب به این جنایات می‌باشند. به نظر می‌رسد که بتوان این اشخاص را بر سه دسته تقسیم کرد:

۱. تصمیم‌گیرندگان سیاسی

کسانی هستند که ارتکاب این جرایم را برای رسیدن به اهداف سیاسی خود لازم می‌دانند. این افراد شامل رئیس دولت، حاکمان و مأموران و مسؤلین عالی‌رتبه می‌باشند. مسؤلیت این گروه بیشتر از لحاظ طراحی، کمک، تشویق، یا تحریک به ارتکاب این جنایات می‌تواند مطرح شود.

۲. فرماندهان و مأموران عالی‌رتبه

این افراد که از لحاظ مقام، از تصمیم‌گیرندگان سیاسی پایین‌تر

79. Nulla poen sine lege.

80. razione personae.

۸۱. رجوع شود به ماده ۲۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، منبع پیشین، ص ۱۱.

۸۲. مسؤلیت کیفری فردی قبلاً در اساسنامه دادگاههای نظامی نورمبرگ و توکیو مورد پذیرش قرار گرفته بود.

هستند معمولاً به خاطر دستور ارتکاب این جنایات یا جلوگیری نکردن از ارتکاب این جنایات و یا عدم مجازات مرتکبین این جنایات مسؤولیت دارند. بنابراین این گروه حتی اگر مستقیماً مرتکب این جنایات نشده یا دستور ارتکاب این جنایات را نداده باشند باز مسؤولیت خواهند داشت. مبنای آن قصور این مقامات است؛ این افراد معمولاً شامل فرماندهان عالی رتبه نظامی می‌شود.

۲. مأموران مادون و مجریان ساده دستورات

این گروه معمولاً شامل افرادی است که مشارکت مستقیم در ارتکاب این جنایات دارند و لذا مسؤولیت جزایشان مطرح می‌شود.^{۸۳} طبق ماده ۷ اساسنامه دادگاه نورمبرگ وضعیت رسمی متهمین اعم از رؤسای دولت و فرماندهان عالی رتبه نه عذر مطلق تلقی شده و نه به عنوان دلیلی برای کاهش مجازات در نظر گرفته می‌شود، بنابراین مسؤولیت آنها کامل می‌باشد و هیچ عذری برای مبری شدن از مسؤولیت وجود ندارد.

مأموران مادون و مجریان ساده دستورات نیز نمی‌توانند علی‌الاصول امر آمر قانونی را برای رفع مسؤولیت خود مطرح کنند. اگر مأموران مادون هیچ‌گونه آزادی عمل نداشته و مجبور به اجرای دستور غیرقانونی مافوق بوده باشند، این امر فقط می‌تواند به عنوان یکی از کیفیات مخففه مورد توجه قرار گیرد. این مسأله در ماده ۸ اساسنامه دادگاه نورمبرگ نیز مورد توجه قرار گرفته است. در مواردی که کیفیت مخففه لحاظ می‌شود باید مسائلی از جمله رابطه سلسله مراتبی، تدقیق نسبی دستورات، حضور یا عدم حضور صادرکننده دستور در اجرای امر خود، وجود تردید در مورد نامشروع بودن دستور مافوق مد نظر قرار گیرند. بنابراین ملاحظه می‌شود که در هر حال مسؤولیت کیفری افراد مطرح

۸۳. رجوع شود به:

LESCURE-Karine "Le tribunal pénal international pour l'ex Yougoslavie",
Montchrestien, paris, 1994, p.103-104.

است.

III. صلاحیت زمانی و محلی^{۸۴}

از آنجا که دیوان کیفری بین‌المللی طبق ماده ۴ پیش‌نویس اساسنامه خود یک رکن دائمی است، بنابراین هر زمان که از آن درخواست رسیدگی به قضیه‌ای شود تشکیل خواهد شد. اگرچه از لحاظ دائمی بودن شبیه دیوان بین‌المللی دادگستری است، اما برعکس دیوان اخیر فقط زمانی تشکیل می‌شود که از آن درخواست رسیدگی به قضیه‌ای شده باشد. از لحاظ صلاحیت مکانی هم صلاحیت دیوان محدود به قلمرو سرزمینی خاصی نیست، فقط مسأله پذیرش صلاحیت اجباری دیوان مطرح است که قبلاً مورد مطالعه قرار گرفته است.^{۸۵}

IV. صلاحیت متقارن^{۸۶}

از آنجا که محاکم داخلی براساس بسیاری از قوانین داخلی و بین‌المللی می‌توانند صلاحیت رسیدگی داشته باشند در این حالت مسأله تقارن صلاحیت آنها با صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی مطرح می‌شود: از جمله اصولی که طبق آن محاکم داخلی صالح به رسیدگی می‌شوند اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی است. طبق این اصل دولت محل وقوع جرم صلاحیت رسیدگی دارد.

علاوه بر اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی اصل شخصی بودن این قوانین نیز مطرح است. این اصل، بر حسب اینکه مرتکب جنایت یا قربانی جنایت مدّ نظر قرار گیرد دو مفهوم متفاوت می‌یابد. اگر مرتکب جنایت مدّ نظر قرار گیرد محاکم دولت متبوع او صالح به رسیدگی

84. *ratione temporis, ratione loci.*

۸۵. رجوع شود به بخش اول، فصل اول همین مقاله.

86. *Compétence concurrente* | « concurrent Jurisdiction.

می‌باشند،^{۸۷} در حالی که اگر قربانی مورد نظر باشد محاکم دولت متبوع او صلاحیت خواهند داشت.^{۸۸}

حقوق بین‌الملل سیستم اخیر را بیشتر مدّ نظر قرار داده است. در این مورد می‌توان به رأی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه لوتوس اشاره نمود. طبق رأی دیوان «در حقوق بین‌الملل هیچ قاعده‌ای وجود ندارد که مانع از اجرای صلاحیت یک دولت در مورد خارجیانی که در خارج مرتکب جرایمی برضد اتباع آن دولت شده‌اند بشود».

دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در همین قضیه اصل شخصی بودن قوانین جزایی را پذیرفته و اعلام می‌دارد: «اگرچه این واقعیت وجود دارد که اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی اساس کلیه مقررات است، اما این واقعیت هم وجود دارد که کلیه یا تقریباً همه این مقررات در مورد جرایم ارتكابی در خارج از آن سرزمین هم قابل اجراست... بنابراین سرزمینی بودن قوانین جزایی یک اصل مطلق حقوق بین‌الملل نیست و به هیچ وجه با اصل حاکمیت سرزمینی (دولت) تداخل نمی‌کند.»^{۸۹}

اجرای سیستم شخصی بودن قوانین جزایی خود مشکلاتی دارد. اگر صلاحیت محاکم دولت متبوع متهم مورد قبول قرار گیرد در برخی موارد منجر به سپردن محاکمه حکمرانان یا فرماندهان یا مأموران به خود آن دولت می‌شود. اگر صلاحیت دولت قربانی جنایت پذیرفته شود ممکن است متهم از تضمینهای کافی و یک دادرسی منصفانه برخوردار نشود. به این علت در کنار اصل شخصی بودن قوانین جزایی صلاحیت جهانی نیز پذیرفته شده است. براساس صلاحیت جهانی محاکم کیفری دولتی که هیچ

۸۷. اگر محاکم دولت متبوع مرتکب جنایت صالح به رسیدگی باشند آن را اصل شخصی بودن فعال *personnalité active* می‌گویند.

۸۸. اگر محاکم دولت متبوع قربانی جنایت صلاحیت رسیدگی داشته باشند آن را اصل شخصی بودن منفعل *personnalité passive* می‌گویند.

۸۹. رجوع شود به:

CPIJ, Recueil des arrêts, série A, No 10, judgement No 9, 7 septembre 1927, p.20, cité par LESCURE Karine, op. cit, p. 109-110

ارتباطی با جنایت ندارد می‌تواند صالح به رسیدگی شود. در این حالت محاکم کیفری هر دولتی که متهم در سرزمینش باشد صالح به رسیدگی است و آن صرف نظر از محل وقوع جرم، دولت متبوع متهم و دولت متبوع قربانی می‌باشند.

امتیاز صلاحیت جهانی آن است که امکان ایجاد یک حقوق بین‌الملل جزایی مستقل تر از حقوق داخلی را می‌دهد. مع هذا اجرای صلاحیت جهانی به خودی خود امکان نمی‌دهد که متهمین به نقض شدید حقوق بین‌الملل به سزای اعمال خود برسند.^{۹۰}

پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی با طرح و قبول اصل «منع تعقیب» مجدد» تقارن میان صلاحیت ذاتی این دیوان و محاکم داخلی را حل کرده است. براساس اصل «منع تعقیب مجدد» هیچ کس را نمی‌توان دوبار برای یک جرم محاکمه نمود. این اصل در ماده ۱۴ (بند ۷) میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ نیز پیش بینی شده است.^{۹۱}

طبق ماده ۴۲ پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اگر شخصی به اتهام ارتکاب یکی از جنایات مندرج در ماده ۲۰ این اساسنامه توسط دیوان کیفری بین‌المللی محاکمه شده باشد دیگر به همان اتهام توسط دادگاه دیگری محاکمه نخواهد شد. عکس این حالت هم صادق است. یعنی اگر شخصی به اتهام ارتکاب به یکی از جنایات مندرج در ماده ۲۰ اساسنامه توسط محاکم داخلی محاکمه شده است نباید به همان اتهام توسط دیوان کیفری بین‌المللی محاکمه شود. اما در حالت اخیر دیوان در دو صورت می‌تواند مجدداً به آن جنایت رسیدگی کند. حالت اول آن است که محکمه‌ای که به جرم رسیدگی کرده است آن را یک جنایت عادی و نه

۹۰. رجوع شود به:

LESCURE-Karine, op. cit., p. 111.

91. Non bis in idem.

۹۲. ماده ۱۴ بند ۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی اشعار می‌دارد: «هیچ کس را نمی‌توان برای جرمی که به علت اتهام به آن به موجب حکم قطعی صادره طبق قانون آیین دادرسی کیفری هر کشوری محکوم یا تبرئه شده است مجدداً مورد تعقیب و مجازات قرار داد.»

جنایتی که در قلمرو صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی است تلقی نموده باشد. حالت دوم آن است که محکمه رسیدگی کننده به جنایت، اصل بی‌طرفی و استقلال را رعایت نکرده باشد و یا هدفش مبری نمودن متهم از مسؤولیت جزایی بین‌المللی بوده یا پیگردها با قاطعیت و جدیت انجام نشده باشند.

همانگونه که ملاحظه می‌شود پیش‌نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی از همان ابتدا صلاحیت دولتها را کاملاً در رسیدگی به جنایات مندرج در اساسنامه کنار نگذاشته است. دلیل آن هم کارایی است که مدّ نظر می‌باشد. چون که ممکن است در برخی مواقع صلاحیت محاکم داخلی مؤثرتر از صلاحیت بین‌المللی باشد. برای اینکه دیوان کیفری بین‌المللی بتواند از اولویت در رسیدگی برخوردار شود باید دولتها ضمن همکاری و معاضدت قضایی با آن، متهمین را نیز در اختیارش قرار دهند.

الف. همکاری و معاضدت قضایی

طبق ماده ۵۱ پیش‌نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی کلیه دولتها با دیوان در هرگونه تحقیق و رسیدگی همکاری می‌کنند، بخصوص به دیوان در مسائل مربوط به شناسایی متهم و گردآوری دلایل، و بطور کلی هر موردی که اجرای عدالت را تسهیل کند معاضدت می‌کنند. این همکاری شامل «اجرای قرارهای دیوان» از جمله قرار توقیف، جلب و در اختیار قرار دادن متهم به دیوان می‌باشد.

اگرچه همکاری و معاضدت با دیوان در بسیاری از مسائل مشکل مهمی را ایجاد نمی‌کند برعکس در مسأله در اختیار قرار دادن متهم به دیوان می‌تواند مشکلاتی را بوجود آورد؛ به همین دلیل این مسأله در زیر، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ب. انتقال متهم

ماده ۵۳ پیش‌نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی صحبت از

انتقال متهم و نه استرداد او می‌کند. دلیل این امر آن است که در دادرسیهای کیفری بین‌المللی استرداد در مفهوم کلاسیک خود مطرح نیست. در این نوع دادرسیها متهم به دولت مقرر دیوان مسترد نمی‌شود بلکه در اختیار آن دولت جهت محاکمه قرار می‌گیرد. این روش سبب می‌شود که برخی از مشکلات ناشی از استرداد مطرح نشوند؛ برای مثال ممکن است قوانین داخلی برخی دولتها اجازه استرداد را ندهند.

طبق ماده ۵۳ پیش‌نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مدیر دفتر دیوان تقاضای دستگیری و انتقال متهم را به دولتی که متهم در سرزمینش است می‌دهد و از آن دولت تقاضای همکاری می‌کند. کلیه دولتها به محض دریافت این تقاضا در مورد جنایت کشتار جمعی و در مورد سایر جنایات در صورت پذیرش صلاحیت اجباری دیوان کیفری بین‌المللی برای آن جنایات اقدامهای لازم برای دستگیری متهم و انتقال او به دیوان را انجام می‌دهند. در این حالت می‌توان فرض کرد که دیوان دادگاهی خارجی نیست، چون که در این حالت روابط یک دولت با دولت دیگر مطرح نمی‌باشد. در دادرسیهای بین‌المللی هیچ دولتی نیست که تقاضای گرفتن و انتقال متهم را بکند بلکه این جامعه بین‌المللی است که در قالب دیوان کیفری بین‌المللی چنین تقاضایی را می‌نماید. در اینجا اقدام به انتقال متهم بطور سریع انجام می‌شود بدون اینکه نیاز به اجرای آیین مربوط به استرداد باشد.

البته این بدان معنا نیست که امکان استرداد وجود ندارد. براساس ماده ۵۳ (بند ۲ شق ب) در مورد جنایات مندرج در بند آخر ماده ۲۰،^{۹۳} هر دولت عضو اساسنامه که عضو معاهده پیش‌بینی‌کننده آن جنایات باشد ولی صلاحیت اجباری دیوان کیفری بین‌المللی را نپذیرفته باشد، در صورت تصمیم بر عدم انتقال متهم به دیوان کیفری بین‌المللی باید اقدامهای لازم را جهت استرداد متهم به دولتی که تقاضای استرداد را کرده

۹۳. منظور از جنایات مندرج در بند آخر ماده ۲۰ جنایاتی غیر از کشتار جمعی، تجاوز، نقض شدید قوانین و عرفهای جنگی و جنایت برضد بشریت است. در این مورد رجوع شود به بخش سوم، فصل اول «صلاحیت ذاتی» همین مقاله.

است انجام دهد.

ذکر این نکته ضروری است که در این حالت اگر دولتی که تصمیم به عدم انتقال و استرداد بگیرد باید خود به محاکمه متهم مبادرت کند.^{۹۴} همچنین در سایر موارد، هر دولت عضو معاهده به بررسی این امر می‌پردازد که آیا می‌تواند اقدام به دستگیری و انتقال متهم به دیوان کیفری بین‌المللی کند یا اینکه باید اقدامهای لازم برای استرداد متهم به یک دولت متقاضی استرداد را انجام دهد.

همچنین باید گفت که دولتهای عضو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در صورت پذیرش صلاحیت دیوان برای هر جنایتی باید در آن مورد تا حد امکان اولویت را به تقاضای دیوان برای انتقال متهم بدهند تا به درخواستهای استردادی که از سوی دولتهای دیگر ارائه شده‌اند.

طبق ماده ۵۵ پیش‌نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی متهمی که به دیوان منتقل می‌شود فقط برای ارتکاب به جنایتی که به علت آن این انتقال انجام شده است محاکمه و محکوم می‌شود. البته دیوان می‌تواند از دولت منتقل‌کننده بخواهد که از این مسأله صرف نظر کند. در این حالت دیوان دلایلی را که سبب چنین درخواستی شده است ارائه می‌نماید.

سوآلی که در اینجا مطرح می‌شود این است که در صورت امتناع دولتی از انتقال و یا استرداد متهم به دیوان یا به دولتی دیگر چه ضمانت اجرایی برای محاکمه متهم وجود دارد؛ به عبارت دیگر آیا محاکمه غیابی^{۹۵} متهم امکان‌پذیر است؟

پیش‌نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اصل کلی را بر حضور متهم در جلسه دادرسی گذاشته است، اما به دلایل زیر امکان رسیدگی غیابی وجود دارد.

- متهم در بازداشت بوده یا از آزادی موقت استفاده می‌کند و به خاطر دلایلی که به امنیت یا سلامت او بستگی دارد حضور او در جلسه

۹۴. رجوع شود به ماده ۵۴ پیش‌نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، منبع پیشین، ص ۲۸.

95. in absentio.

دادرسی ضروری نیست؛

- متهم بطور دائم سعی می‌کند جلسات دادرسی را بر هم بزند؛
- متهم موفق به فرار شده است یا شرایط آزادی موقت را رعایت نکرده است.

ایرادى که ممکن است به رسیدگی غیابی شود آن است که تضييع کننده حقوق متهم است چون که ماده ۱۴ (بند ۳ شق د) میثاق حقوق مدنی و سیاسی حضور متهم در محاکمه خود را تضمین نموده است. اگر تفسیر مضیقی از ماده ۱۴ (بند ۳ شق د) شود ممکن است به این نتیجه رسید که رسیدگی غیابی ممنوع است؛ اما ماده ۱۴ به طور صریح اعلام نکرده است که اگر برای مثال متهم به عمد از دست عدالت فرار کند هیچ گونه رسیدگی بدون حضور فیزیکی او امکان پذیر نیست. ماده ۱۴ میثاق در واقع حقی را پیش بینی می‌کند و آن حضور متهم در جریان محاکمه است اما اگر متهم نخواست از این حق استفاده کند به نظر می‌رسد که دادرسی غیابی امکان پذیر باشد. بنابراین با توجه به روح و مفاد ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به نظر نمی‌رسد که رسیدگی غیابی ممنوع باشد.

در ضمن تضمینات کافی از جمله داشتن وکیل در محاکمات غیابی نیز وجود دارد. البته باید گفت که محاکمه غیابی به خودی خود هدف نیست و باید سعی کرد که حتی المقدور متهم در جریان دادرسی حاضر باشد؛ مع ذلك رسیدگی غیابی می‌تواند اعتبار تصمیمات جامعه بین‌المللی را افزایش دهد چون که بدین ترتیب مرتکبین جنایات بین‌المللی می‌دانند که نمی‌توانند از چنگال عدالت بگریزند.

فصل دوم

صلاحیت دادگاههای کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا

I. صلاحیت ذاتی

الف. صلاحیت ذاتی دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق

همانگونه که در باب دیوان کیفری بین‌المللی ملاحظه شد در صلاحیت ذاتی دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق باید جنایاتی که در صلاحیت آن دادگاه است مشخص شود. اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق صلاحیت دادگاه را در مورد نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه پذیرفته است.^{۹۶} این تعرضها طبق اساسنامه نقض شدید کنوانسیونهای مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنودر مورد حقوق بشردوستانه،^{۹۷} نقض شدید قوانین و عرفهای جنگی،^{۹۸} کشتار جمعی^{۹۹} و جنایات بر ضد بشریت^{۱۰۰} می‌باشند. از آنجا که یوگسلاوی سابق تقریباً کلیه کنوانسیونهای مربوط به حقوق بین‌الملل بشردوستانه را پذیرفته بود و بعد از فروپاشی نیز دولتهای جدید

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۹۶. رجوع شود به ماده یک اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در:
Tribunal international chargé de poursuivre les personnes présumées
sresponsables de violations grave du droit international humanitaire commises
sur le territoire de l'ex Yougoslavie, édition de l' ONU, 1994, p.4.
۹۷. رجوع شود به ماده ۲ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، منبع قبلی، ص ۴.
۹۸. رجوع شود به ماده ۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، منبع قبلی، ص ۶.
۹۹. رجوع شود به ماده ۴ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، منبع قبلی، ص ۶.
۱۰۰. رجوع شود به ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، منبع قبلی، ص ۶.

جاننشینی خود را نسبت به این کنوانسیونها اعلام داشته‌اند،^{۱۱} مشکل چندانی ایجاد نمی‌شود.

البته باید دانست که دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق کلیه حقوق بین‌الملل بشردوستانه قراردادی را لحاظ نموده است که از آن جمله می‌توان از پروتکل‌های ۱۹۷۷ ژنو منضم به کنوانسیونهای ۱۹۴۹ ژنو در مورد حمایت از قربانیان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و داخلی نام برد. از آنجا که این پروتکلها تکمیل‌کننده حقوق ژنو می‌باشند جا داشت که نقض این پروتکلها نیز ملحوظ می‌شد.

به هر حال صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق محدود به رسیدگی به جنایاتی است که در کنوانسیونهای مذکور در اساسنامه آن دیوان پیش‌بینی شده‌اند.

ب. صلاحیت ذاتی دادگاه بین‌المللی برای رواندا

ماده یک اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای رواندا صلاحیت دادگاه را برای نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه پذیرفته است. طبق اساسنامه این تعرضها عبارتند از جنایت کشتار جمعی،^{۱۲} جنایت بر ضد بشریت،^{۱۳} تعرض به ماده ۳ مشترک در چهار کنوانسیون ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل شماره ۲،^{۱۴} مورخ ۸ ژوئن ۱۹۷۷ می‌باشد.

یکی از ره‌آوردهای اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای رواندا تصریح به اجرای حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی با اشاره به ماده

۱۰۱. اسلونی در ۲۰ ژوئن ۱۹۹۲، کرواسی در ۱۱ مه ۱۹۹۲ و بوسنی در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۲ جاننشینی خود را در مورد ۴ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل شماره یک ۱۹۷۷ ژنو اعلام نموده‌اند. صربستان و مونته‌نگرو نیز که خود را ادامه‌دهنده یوگسلاوی سابق می‌دانند الزاماً متعهد به کلیه این اسناد می‌باشند.

۱۰۲. رجوع شود به ماده ۲ اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای رواندا در R.G.D.I.P, 1995, p. 1069.

۱۰۳. رجوع شود به ماده ۳، منبع قبلی، ص ۱۰۷۰.

۱۰۴. رجوع شود به ماده ۴ منبع قبلی، ص ۱۰۷۱-۱۰۷۰.

۳ مشترک چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ و بخصوص پروتکل شماره ۲ ژنو مورخ ۱۹۷۷ می باشد.

در این خصوص لازم است به نکته ای در مورد پروتکل شماره ۲ ژنو مورخ ۱۹۷۷ اشاره نمود. از آنجا که موضوع پروتکل شماره ۲ در مورد حمایت از قربانیان در جریان مخاصمات مسلحانه داخلی است لذا دولتها در پذیرش آن بسیار محتاط می باشند، چون که آن را مغایر با حاکمیت خود می دانند؛ به همین علت هم برعکس پروتکل شماره ۱ که توسط بیش از ۱۶۰ کشور پذیرفته شده است، پروتکل شماره ۲ فقط توسط ۴۵ کشور تصویب شده است. با توجه به اینکه اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای روآندا توسط قطعنامه شورای امنیت براساس فصل هفتم تصویب شده است و الزام آور می باشد بنابراین اشاره به پروتکل شماره ۲ در این قطعنامه می تواند برای این سند حائز اهمیت باشد.

II. صلاحیت شخصی

طبق ماده ۶ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و ماده ۵ اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای روآندا این دادگاهها صلاحیت رسیدگی به اتهامات کلیه اشخاص حقیقی را دارند. این اشخاص شامل طراحان و محرکان و دستوردهندگان و مرتکبین و سایر افرادی که به شکلی در طراحی و تهیه و اجرای یکی از جنایات پیش بینی شده در اساسنامه این دادگاهها مشارکت نموده اند می شود. به عبارت دیگر اصل شخصی بودن مسؤولیت جزایی در اینجا مطرح است. با توجه به اینکه این مطلب قبلاً مورد بررسی قرار گرفته است از تکرار آن خودداری می شود.^{۱۰۵}

III. صلاحیت زمانی و محلی

الف. صلاحیت زمانی و محلی دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق

۱. صلاحیت زمانی

طبق ماده ۸ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق این

۱۰۵. رجوع شود به بخش سوم، فصل اول، همین مقاله.

دادگاه برای جنایاتی که از اول ژانویه ۱۹۹۱ تا زمانی که شورای امنیت تعیین خواهد کرد صالح می‌باشد. نکته‌ای که در مسأله صلاحیت زمانی دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق حائز اهمیت است اینکه معلوم نشده است که چگونه به جنایات مسبوق بر تاریخ اول ژانویه ۱۹۹۱ رسیدگی خواهد شد. به خصوص این مسأله زمانی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود که بدانیم جنایات بر ضد بشریت مشمول مرور زمان نمی‌شود. در این حالت با توجه به اینکه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق فقط برای جنایات ارتكابی پس از تاریخ اول ژانویه صالح می‌باشد بنابراین به نظر می‌رسد که جنایات ارتكابی مسبوق بر این تاریخ قابل رسیدگی در محاکم داخلی باشد.

۲. صلاحیت محلی

طبق ماده ۸ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق این دادگاه صالح برای رسیدگی به جنایاتی است که در سرزمین یوگسلاوی سابق که شامل قلمرو خشکی، حریم هوایی و آبهای سرزمینی آن می‌شود رخ داده است. این مسأله مورد انتقاد عده‌ای قرار گرفته است. آنها معتقدند که چون شورای امنیت خود صلاحیت محلی ندارد نمی‌تواند برای ارکان فرعی اش، که در اینجا دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق است، صلاحیت جغرافیایی تعیین نماید.^{۱۰۶} به هر حال باید گفت که شورای امنیت فقط جنایاتی را مد نظر دارد که در بحران یوگسلاوی سابق و فقط در سرزمین آن کشور اتفاق افتاده است.

ب. صلاحیت زمانی و مکانی دادگاه بین‌المللی برای رواندا

۱. صلاحیت زمانی

طبق ماده ۷ اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای رواندا این دادگاه برای رسیدگی به جنایاتی که از اول ژانویه ۱۹۹۴ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴

اتفاق افتاده است صالح می‌باشد. برعکس دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق که زمان بعدی آن را شورای امنیت تعیین خواهد کرد اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای رواندا زمان بعدی (۳۱ دسامبر ۱۹۹۴) را تعیین کرده است. مشکلی که وجود دارد جنایاتی است که بعد از این تاریخ نیز رخ داده است که با توجه به تعیین این مدت در صلاحیت دادگاه بین‌المللی برای رواندا نیست. به نظر می‌رسد بهتر بود که شورای امنیت پایان مدت صلاحیت دیوان بین‌المللی برای رواندا را بعد تعیین می‌کرد. از این لحاظ صلاحیت زمانی دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق بهتر به نظر می‌رسد.

۲. صلاحیت محلی

طبق ماده ۷ اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای رواندا، این دادگاه برای رسیدگی به جنایاتی که در سرزمین رواندا، که شامل قلمرو خشکی و حریم هوایی است،^{۱۷} و همچنین جنایاتی که در سرزمین دولتهای همسایه، در صورت ارتکاب آنها توسط شهروندان رواندایی صالح می‌باشد. علت اینکه سرزمینهای دولتهای همسایه مورد توجه قرار گرفته است آن است که پس از شروع درگیری بسیاری از شهروندان رواندایی بخصوص از قبیله توتسی به کشورهای مجاور از جمله زئیر و بوروندی فرار کردند و در آن کشورها نیز تعرضهای شدیدی به حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط روانداییها شده است. محدود نکردن صلاحیت دادگاه بین‌المللی به سرزمین رواندا نشان می‌دهد که شورای امنیت قصد دارد کلیه نقض کنندگان حقوق بین‌الملل بشردوستانه در بحران رواندا را محاکمه و مجازات نماید.

۱۰۷. دلیل عدم اشاره به آبهای سرزمینی آن است که رواندا از کشورهای بدون ساحل آفریقا است. اگرچه دریاچه کیوو در شرق این کشور واقع است.

IV. صلاحیت متقارن

از آنجا که ماده ۹ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و ماده ۸ اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای رواندا صلاحیت این دادگاهها و همچنین محاکم داخلی را برای رسیدگی به جنایات ارتكابی پذیرفته‌اند لذا مسأله صلاحیت متقارن مطرح می‌شود. اما برخلاف پیش‌نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، که به صراحت برتری صلاحیت آن دیوان را اعلام نکرده است، اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی و اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای رواندا برتری این دادگاهها را بر محاکم داخلی پذیرفته‌اند. این دادگاهها در هر مرحله از دادرسی توسط محاکم داخلی می‌توانند بطور رسمی از آنها بخواهند که به نفعشان کنار بروند. نحوه عمل بدین ترتیب است که دادستان دادگاههای کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق یا دادگاه بین‌المللی برای رواندا درخواست کناره‌گیری محکمه داخلی را به یکی از شعب بدوی دادگاه بین‌المللی^{۱۰۸} می‌دهد. این شعبه پس از بررسی در صورت موافقت با آن بطور رسمی از کشوری که محکمه اش در حال رسیدگی به آن موضوع است تقاضا می‌کند به نفع دادگاه بین‌المللی کناره‌گیری نماید. اگر دولتی که از آن این درخواست شده است ظرف ۶۰ روز از تاریخ ابلاغ تضمینی به شعبه بدوی متقاضی مبنی بر اینکه تصمیماتی در مورد آن درخواست اتخاذ کرده یا اتخاذ خواهد کرد ندهد، شعبه بدوی می‌تواند از رئیس دادگاه بخواهد که مسأله را به شورای امنیت احاله نماید.

مسأله اولویت دادگاه کیفری بین‌المللی بر محاکم داخلی در عمل نیز اتفاق افتاده است. در پرونده دسکو تادیچ شعبه بدوی دادگاه کیفری

۱۰۸. شعبه بدوی مسئول رسیدگی به درخواست دادستان توسط رئیس دادگاه بین‌المللی مشخص می‌شود. رجوع شود به ماده ۹ آیین دادرسی دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در IT/32/ Rev.4, 3 mai 1995.

بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق پس از موافقت با درخواست دادستان^{۱۰۹} از دادگاه آلمان خواست که به نفع آن کناره‌گیری کند و متهم را همراه با پرونده در اختیار آن دادگاه قرار دهد. این درخواست سرانجام توسط آلمان با وضع قانونی توسط آن کشور پذیرفته شد و متهم همراه با کلیه اسناد و مدارک به دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق تحویل شد. در جریان رسیدگی به این پرونده در دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق وکیل مدافع متهم در ۱۸ مه ۱۹۹۵ به اولویت دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق بر محاکم داخلی اعتراض و آن را غیرقابل توجیه دانست. شعبه بدوی رسیدگی کننده در پاسخ به این اعتراض در رأی صادره خود در ۱۰ اوت ۱۹۹۵ اعلام کرد که اولویت صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق بر محاکم داخلی «مغایرتی با حقوق بین‌الملل ندارد و در هر حال این متهم نیست که می‌تواند مسأله تجاوز به حاکمیت دولتها را مطرح کند و نتیجه بگیرد که اولویت دادگاه بر سایر محاکم به حاکمیت دولتها لطمه می‌زند».^{۱۱۰} وکیل مدافع از این رأی تقاضای استیناف نمود. شعبه استینافی در رأی مورخ ۲ اکتبر ۱۹۹۵ خود به اتفاق آرا اولویت صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق را بر سایر محاکم پذیرفت.^{۱۱۱}

دادستان همچنین در ماه مه ۱۹۹۵ از شعبه بدوی دیگر خواسته است تا با درخواست او از دولت بوسنی مبنی بر کناره‌گیری آن دولت از تعقیب جزایی کرواتهای بوسنیایی به خاطر جنایات آنها بر ضد مردم غیرنظامی در دره رودخانه لاسوا در بوسنی مرکزی به نفع دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق موافقت کند. همچنین طی درخواست دیگری از

۱۰۹. رجوع شود به:

Affaire No I.T-94-1-D., concernant une proposition de requete officielle de dessaisissement en faveur du tribunal, 8 Novembre, 1994.

۱۱۰. رجوع شود به:

Affaire Dusko TADIC, in communiqué de presse, La Haye, 10 Août 1995.

۱۱۱. رجوع شود به:

Case No IT-94-1-AR 72, in the appels chambers, 2 October 1995, p. 1-75.

همین شعبه دادستان خواسته است که این شعبه با درخواست او از دولت بوسنی مبنی بر کناره‌گیری آن دولت از تعقیب جزایی رادوان کارادویچ، راتکو ملادیچ و میچواستانیسیچ به نفع دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق کناره‌گیری نماید و کلیه اسناد را به آن دادگاه منتقل نماید. جالب است که دولت بوسنی نیز در اعلامیه مکتوب خود در تاریخ ۸ مه ۱۹۹۵ به مدیر دفتر دادگاه کیفری بین‌المللی تمایل خود را به کناره‌گیری از این تعقیبها به نفع آن دادگاه اعلام داشته و گفته است که در صورت دریافت درخواست دادگاه کیفری بین‌المللی مبنی بر کناره‌گیری محاکم آن کشور از تعقیب رادوان کارادویچ، راتکو ملادیچ و میچواستانیسیچ با آن مخالفتی نخواهد کرد.^{۱۱۲}

در راستای اجرای اولویت دادگاههای کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا بر محاکم داخلی، اساسنامه این دادگاهها همکاری و معاضدت قضایی دولتها را برای انتقال یا محاکمه متهمان در مقابل این دادگاهها پیش بینی کرده‌اند. نکته‌ای که حائز اهمیت است اینکه اگر دولتی از انتقال متهم به دادگاههای کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق یا رواندا خودداری نماید آیا امکان محاکمه غیابی وجود دارد؟ اساسنامه دو دادگاه امکان محاکمه غیابی را نپذیرفته‌اند زیرا طبق ماده ۲۱ (بند ۴ شق دال) اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و ماده ۲۰ (بند ۴ شق دال) اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای رواندا، متهم باید در دادرسی حاضر باشد. همانگونه که ملاحظه شد^{۱۱۳} عدم پذیرش محاکمه غیابی کارایی و عملکرد این دادگاهها را بسیار محدود می‌کند. درست است که در این حالت می‌توان به شورای امنیت رجوع کرد و دستورات شورا برای همه دولتها الزام‌آور است ولی این مسأله به تنهایی متقاعدکننده نیست چون که اجرای دستورات شورای امنیت حتی براساس فصل هفتم

۱۱۲. رجوع شود به:

conclusions du procureur, La Haye 1995.

۱۱۳. رجوع شود به بخش سوم، فصل اول، «صلاحیت متقارن» همین مقاله.

بستگی به همکاری و تمایل دولتها و وجود یک اراده سیاسی مصمم برای اجرای آنها دارد.

در این حالت آیا چیزی جز یأس می‌تواند نصیب جامعه بین‌المللی شود که دادگاهی را تشکیل داده بدون آنکه این دادگاه بتواند مأموریت اصلی خود یعنی محاکمه جنایتکاران را بطور کامل انجام دهد. این وضعیت را در حال حاضر در مورد رادوان کارادویچ رهبر صربهای بوسنی و ژنرال راتکوملادیچ فرمانده سابق نظامی صربها در بوسنی می‌توان مشاهده نمود. علی‌رغم اینکه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق آنها را به عنوان جنایتکار جنگی شناخته و اعلام کرده است ولی همچنان بدون محاکمه بسر می‌برند و کارادویچ هنوز رهبری صربها را در بوسنی به عهده دارد. حتی رسانه‌های گروهی خبر از دادن پناهندگی سیاسی توسط روسیه فدراتیو به ژنرال راتکوملادیچ فرمانده سابق نظامی صربها در بوسنی می‌دهند. دادگاه بین‌المللی برای رواندا در ۱۲ دسامبر ۱۹۹۵ تقاضای انتقال ۸ تن از جنایتکاران را از ۴ کشور آفریقای جنوبی نموده است که هنوز به درخواست این دادگاه پاسخی داده نشده است.

البته گاهی ممکن است این مسأله نیز مطرح شود که همان اشخاصی که باید در دادگاههای کیفری بین‌المللی به عنوان جنایتکار محاکمه شوند همان کسانی باشند که طرف اصلی مذاکره برای برقراری مجدد صلح هستند. این مسأله به صراحت در بحران یوگسلاوی سابق مطرح شده است.^{۱۱۴} در این حالت آیا نقش یک محکمه کیفری بین‌المللی می‌تواند در نظم نو بین‌المللی، که هدفش حفظ و برقراری مجدد صلح و امنیت است، زیر سؤال برود؟^{۱۱۵} به نظر می‌رسد که پاسخ به این سؤال منفی باشد. چون که اولاً تا این افراد به سزای اعمال خود نرسند صلحی نمی‌تواند برقرار

۱۱۴. در این مورد رجوع شود به گزارش آقای آنتونیو کاسه رئیس دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، منبع قبلی.

۱۱۵. رجوع شود به:

TAVERNIER-Paul "vers une Juridiction pénale internationale" op. cit., p.

شود ثانیاً این افراد که خود ناقض بنیادی‌ترین قواعد حقوق بین‌الملل هستند چگونه می‌توانند طرف مناسبی برای مذاکره جهت برقراری مجدد صلح و احترام به آن قواعد باشند. به نظر می‌رسد صلحی که از طریق مذاکره با این افراد برقرار شود صلحی پایدار نباشد. بنابراین به نظر می‌رسد که اگر چه محاکمه اینها بتواند حتی برای مدتی برقراری صلح را به تعویق اندازد ولی صلحی که با محاکمه و مجازات آنها برقرار می‌شود طبیعتاً صلحی پایدار خواهد بود.

در پایان این قسمت باید گفت که اصل «منع تعقیب مجدد» در اساسنامه هر دو دادگاه کیفری بین‌المللی پیش‌بینی شده است^{۱۱۶} اما از آنجا که در این خصوص قبلاً بحث شده است از تکرار آن خودداری می‌شود.^{۱۱۷}

بخش چهارم

تعیین مجازاتها و اجرای آنها در

محاکم کیفری بین‌المللی

در این بخش تعیین مجازاتها، دادرسی، صدور احکام، قطعی شدن احکام و اجرای احکام مورد مطالعه قرار خواهند گرفت.

فصل اول

تعیین مجازاتها و اجرای آنها

در دیوان کیفری بین‌المللی

I- تعیین مجازاتها

به نظر می‌رسد که طبق این اصل حقوق جزا که «هیچ عملی جرم

۱۱۶. رجوع شود به ماده ۱۰ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و ماده ۹ اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای رواندا.

۱۱۷. رجوع شود به بخش سوم، فصل اول، همین مقاله.

نیست مگر به حکم قانون» باید نه فقط ماهیت مجازاتها از قبل تعیین شود بلکه باید قاضی نیز محدود به اجرای آنها باشد. چنین تفسیری تا حدودی ناعادلانه و غیرعملی است.

چنین تفسیری نسبت به متهم ناعادلانه است چون که با اصل تناسب و شخصیت متهم مغایرت دارد. چنین تفسیری غیرعملی نیز می باشد چون که هنوز حقوق جزای بین الملل تدوین نشده است.^{۱۱۸} بنابراین، این اصل باید با کمی انعطاف تفسیر شود یعنی براساس آن فقط باید مشروعیت مجازاتها از لحاظ ماهیت و از نظر کمیت مد نظر قرار گیرد و نه اینکه هرگونه قدرت عملی از قاضی سلب شود.

الف. ماهیت مجازاتها

ماده ۴۷ پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری بین المللی مجازات حبس، اعم از ابد یا مدت دار، و همچنین جزای نقدی را پذیرفته است بنابراین مجازات مرگ وجود ندارد. عدم پیش بینی مجازات مرگ با قطعنامه شماره ۴۴/۱۲۸ مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۸۹ مجمع عمومی منطبق است. مجمع عمومی با این قطعنامه دومین پروتکل اختیاری منضم به میثاق حقوق مدنی و سیاسی در مورد لغو مجازات مرگ را تصویب کرده است.^{۱۱۹} بدین ترتیب ماهیت مجازاتها در خود اساسنامه دیوان کیفری بین المللی پیش بینی شده است و این امر به حقوق داخلی دولتها احاله نشده است.

ب. میزان مجازاتها

برای تعیین میزان مجازات یا باید برای هر جنایت مجازات مشخصی را در نظر گرفت یا باید برای کلیه جنایاتی که از یک درجه شدت برخوردارند یک مجازات حداقل و حداکثر تعیین نمود. پیش نویس

۱۱۸. رجوع شود به:

LESCURE-Karine, op. cit, p. 121.

۱۱۹. رجوع کنید به:

LESCURE-Karine, op. cit, p.122.

اساسنامه دیوان کیفری بین المللی ضمن پذیرش راه حل اخیر تعیین میزان مجازاتها را به حقوق داخلی دولتها احاله کرده است. در این حالت قوانین داخلی

- دولت متبوع محکوم یا

- دولت محل وقوع جنایت یا

- دولتی که متهم را در اختیار داشته یا برای رسیدگی به اتهام او صلاحیت داشته است قابل اعمال می باشد.

اگرچه در تعیین مجازات باید به قوانین داخلی یکی از دولتهای فوق رجوع نمود اما تعیین میزان مجازات در اختیار قاضی بین المللی است. به نظر می رسد که در این حالت بتوان گفت که دیوان کیفری بین المللی از قید حقوق داخلی دولتها رهایی می یابد و این خود ناشی از ویژگی بین المللی اش می باشد.^{۱۲۰}

پذیرش تغییر مجازاتها با اصول تناسب و فردی کردن مجازاتها منطبق است. طبق این اصول قاضی باید مسائلی همچون شدت جرم و وضعیت متهم را در نظر بگیرد در غیر این صورت عدالت خدشه دار خواهد شد. دیوان می تواند جزای تقدی اخذ شده از محکوم را در اختیار یک یا چند ذی نفع به شرح زیر قرار دهد:

- مدیر دفتر دادگاه برای صرف هزینه های دادرسی

- دولت متبوع قربانیان جنایت

- صندوقی که توسط دبیرکل سازمان ملل متحد برای کمک به

قربانیان جنایت ایجاد شده است.

II. دادرسی

الف. تحقیق و تعقیب

در این قسمت ابتدا شکایت و سپس تحقیق و تعقیب مورد بررسی

LESCURE-Karine, op. cit, p.123.

۱۲۰. رجوع کنید به:

قرار می‌گیرد.

۱. شکایت

نحوه شکایت به دیوان کیفری بین‌المللی در مورد جنایات پیش‌بینی شده در اساسنامه آن با توجه به نوع جنایت متفاوت است. بدین ترتیب که در مورد جنایت کشتار جمعی هر دولت عضو اساسنامه که عضو معاهده ۹ دسامبر ۱۹۴۸ در مورد جلوگیری و سرکوب کشتار جمعی است می‌تواند شکایت خود را به دادستان در مورد وقوع جنایت کشتار جمعی تسلیم نماید. همانگونه که ملاحظه می‌شود در این حالت پذیرش صلاحیت اجباری دیوان کیفری بین‌المللی توسط آن دولت لازم نیست. در مورد سایر جنایات هر دولت زمانی می‌تواند به دیوان کیفری بین‌المللی شکایت کند که صلاحیت اجباری دیوان را در مورد آن جنایت پذیرفته باشد. دولت شاکی در صورت امکان باید شرایط وقوع جنایت و هویت مظنونین و محل حضور آنها را مشخص نماید و همچنین باید مستندات را که در اختیار دارد به دیوان ارائه نماید. لازم است به این نکته اشاره شود که شورای امنیت نیز می‌تواند از دیوان کیفری بین‌المللی درخواست رسیدگی نماید.^{۱۲}

۲. تحقیق

دادستان پس از دریافت شکایت یا درخواست شورای امنیت تحقیق و بررسی را آغاز می‌کند. در این حالت دادستان می‌تواند:

- متهمین، قربانیان و شهود را احضار و از آنها بازپرسی کند،
- دلایل را جمع‌آوری نماید،
- تحقیقات محلی انجام دهد،
- اقدامهای لازم را جهت محرمانه نگاهداشتن اطلاعات بدست آمده

۱۲۱. رجوع شود به ماده ۲۴ (بند ۳) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، منبع قبلی، ص ۱۲.

یا حفاظت اشخاص انجام دهد،

- در صورت نیاز، همکاری دولتها و سازمان ملل متحد را بخواهد،
- از رئیس دیوان بخواهد که احضاریه جهت حضور در دیوان و احکام لازم جهت ادامه تحقیقات را صادر کند. همچنین می تواند از او بخواهد که دستور بازداشت موقت مظنون را صادر کند.^{۱۲۳} دادستان پس از آنکه تحقیقات خود را انجام داد، تصمیم می گیرد که این تصمیم می تواند منع تعقیب یا شروع به تعقیب باشد.

۳. آثار تحقیق

۳-۱. منع تعقیب

اگر دادستان پس از انجام تحقیقات به این نتیجه برسد که دلایل کافی برای تعقیب متهم وجود ندارد و تصمیم بر عدم صدور کیفرخواست بگیرد، مراتب را با تعیین ماهیت و مبنای شکایت و همچنین دلایلی که منجر به منع تعقیب یا عدم صدور کیفرخواست شده اند به رئیس دیوان اعلام می کند.

در این حالت رئیس دیوان بنا به درخواست دولت شاکی یا شورای امنیت تصمیم دادستان مبنی بر منع تعقیب یا عدم صدور کیفرخواست را بررسی می کند و می تواند از دادستان بخواهد که تصمیم خود را مجدداً مورد بررسی قرار دهد.

هر مظنون در مرحله تحقیق حق دارد از اتهامات خود مطلع شود و می تواند در تحقیقات سکوت اختیار کند بدون آنکه این سکوت در محکومیت یا بی گناهی او لحاظ شود. او همچنین حق دارد که از وکیل به انتخاب خود استفاده کرده و در صورت عدم توانایی مالی از مشاوره که دیوان در اختیارش قرار می دهد استفاده کند. در ضمن او نباید مجبور به ادای شهادت بر ضد خود شود. بالاخره اگر بازجویی به زبانی باشد که

۱۲۲. زمانی که فردی به عنوان مظنون بازداشت موقت شد باید ظرف ۹۰ روز یا در مدت بیشتری که رئیس دیوان تعیین می کند آزاد شود، و آن در صورتی است که در این مدت کیفرخواستی علیه او صادر نشده باشد.

مظنون نفهمد یا به آن زبان تکلم نکند می تواند از مترجم ذیصلاح و همچنین از ترجمه اسنادی که بازجویی براساس آنها انجام می شود استفاده کند.

۲-۳. شروع تعقیب

اگر دادستان پس از تحقیقات به این نتیجه برسد که موارد قابل تعقیبی وجود دارد، کیفرخواستی حاوی اعمال قابل تعقیب و همچنین جنایت یا جنایات قابل انتساب به متهم صادر و آن را به مدیر دفتر دادگاه تسلیم می کند.

ریاست دیوان کیفرخواست و دلایل و مدارک را بررسی و تصمیم می گیرد. در صورت پذیرش، کیفرخواست را تأیید و یک شعبه بدوی جهت رسیدگی تشکیل می دهد.

اگر رئیس دیوان در هنگام بررسی کیفرخواست اطلاعات و مدارک بیشتری را لازم بداند کیفرخواست را تأیید نکرده و مراتب را به دولت شاکی یا به شورای امنیت اطلاع می دهد.

رئیس دیوان می تواند با درخواست دادستان، کیفرخواست را تغییر

دهد. در این حالت قرارهای ضروری برای اطلاع متهم از تغییر کیفرخواست

صادر می شود تا او بتواند از زمان لازم برای دفاع از خود برخوردار شود.

رئیس دیوان می تواند قرارهای ضروری دیگری که برای دادرسی

لازم است صادر کند از آن جمله:

- قرار برای تعیین زبان یا زبانهایی که باید در هنگام دادرسی مورد

استفاده قرار گیرد،

- قرار برای در اختیار گذاشتن اسناد و مدارک به وکیل مدافع متهم

قبل از دادرسی تا او بتواند خود را آماده کند،

- قرار برای اطمینان از تبادل اطلاعات میان دادستان و وکیل مدافع

متهم برای اینکه هر دو طرف به حد کافی در جریان مسائلی که باید در

دادرسی حل و فصل شود قرار گیرند،

- قرار برای حفاظت از متهم، قربانیان و شهود و همچنین اطلاعات محرمانه.

دادستان به محض امکان بعد از تأیید کیفرخواست از رئیس دیوان تقاضای صدور دستور دستگیری یا انتقال متهم را می‌کند. رئیس دیوان دستور دستگیری را صادر می‌کند مگر آنکه مطمئن باشد که:

- متهم خود در دادرسی شرکت می‌کند،
 - شرایط خاصی وجود دارد که صدور دستور را غیرضروری می‌نماید.
- متهم پس از تفهیم اتهام و مطلع شدن از حقوقش^{۱۲۳} برای دادرسی در اختیار شعبه بدوی قرار می‌گیرد.

ب. رسیدگی

دادرسی در مقرّ دیوان کیفری بین‌المللی انجام می‌شود مگر آنکه تصمیم دیگری گرفته شود.^{۱۲۴}

۱. احراز صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی

صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند طبق آیین دادرسی آن قبل یا در بدو شروع به دادرسی توسط متهم یا هر دولتی یا توسط متهم در هر مرحله‌ای از مراحل بعدی دادرسی مورد اعتراض قرار گیرد.

همچنین دیوان ممکن است بنا به درخواست متهم یا هر دولت ذی نفع یا خودش رأساً در هر لحظه‌ای قبل از شروع دادرسی با مسأله غیرقابل پذیرش بودن اختلاف در دیوان مواجه شود. این غیرقابل پذیرش بودن می‌تواند ناشی از یکی از این وضعیتهای باشد:

- تحقیق کامل مربوط به این جنایت قبلاً توسط دولتی که صلاحیت رسیدگی به آن را داشته انجام شده است و تصمیم آن دولت مبنی بر عدم
۱۲۳. این مطلب در قسمت بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱۲۴. باید گفت که هنوز مقرّ دیوان کیفری بین‌المللی مشخص نشده است، طبق ماده ۳ پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، مقرّ دیوان، با توافق دولتهای عضو از طریق انعقاد موافقتنامه‌ای فیما بین رئیس دیوان و دولت میزبان تعیین می‌شود. رجوع شود به: A/49/355, 1 Septembre 1994, p.3.

تعقیب دیوان ظاهراً موجه و مستدل می‌باشد.
 - دولتی در مورد آن جنایت تحقیق کرده که صلاحیت رسیدگی به آن را داشته یا می‌تواند داشته باشد و دیوان هم در آن لحظه هیچ دلیلی برای اقدام در مورد آن جنایت نداشته باشد.
 - آن جنایت از آنچنان شدتی برخوردار نباشد که لزوم اقدام دیگری از سوی دیوان باشد.

در صورت اعتراض به صلاحیت یا وجود درخواست عدم پذیرش دعوا، شعبه بدوی رسیدگی‌کننده تصمیم می‌گیرد، مگر آنکه، با توجه به اهمیت مسائل مطروحه، لازم بداند که رسیدگی به آن موارد به شعبه استینافی دیوان احاله شود.
 پس از اینکه دیوان صلاحیت خود را پذیرفت یا دعوا را قابل پذیرش دانست دادرسی آغاز می‌شود.

۲. حقوق متهم

هر شخص متهمی در هنگام دادرسی در مقابل دیوان کیفری بین‌المللی از حقوقی به شرح زیر برخوردار است:

۲.۱. برائت

یکی از اصول مهم در قوانین جزایی اصل برائت متهم است تا زمانی که اتهام او ثابت شود. این مسأله، در پیش‌نویس اساسنامه دیوان کیفری هم پیش‌بینی شده است.

ماده ۴۰ پیش‌نویس اساسنامه دیوان اعلام می‌دارد که اصل بر برائت متهم است تا زمانی که محکومیت او بطور قانونی اثبات شود. این وظیفه بر عهده دادستان است که محکومیت متهم را در صورت وجود تردید ثابت کند.

۲-۲. حق حضور در دادرسی

حضور متهم در دادرسی یک قاعده کلی و عمومی است. این حق همانگونه که قبلاً بررسی شد منطبق با ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی است. از آنجا که این مطلب قبلاً به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است از تکرار آن خودداری می‌شود.^{۱۲۵}

۲-۳. حق اظهارنظر

متهم حق دارد که مطالب و دلایل خود را در جلسه علنی بیان کند.^{۱۲۶} دیوان باید از طرق منصفانه این اظهارات را بشنود.

۲-۴. حق برخورداری از فرصت و امکانات کافی برای دفاع

متهم باید زمان و امکانات لازم را برای تهیه دفاعیات خود در اختیار داشته باشد و آن را توسط مشاوره به انتخاب خود به دیوان ارائه نماید.

۲-۵. رسیدگی بدون تأخیر غیرموجه

متهم حق دارد که در فاصله زمانی مناسبی محاکمه شود و نمی‌توان بدون دلیل تأخیر زیادی در انجام آن انداخت.

۲-۶. حق برخورداری از وکیل

متهم حق داشتن وکیل را به انتخاب خود دارد. اگر او وکیل نداشته باشد باید از حق داشتن وکیل مطلع و در صورت عدم توانایی مالی از وکیل تسخیری که دیوان تعیین می‌کند برخوردار شود.

۲-۷. حق پرسش از شهود

متهم حق دارد که خود یا از طریق وکیلش از شهودی که علیه او

۱۲۵. مراجعه شود به بخش سوم، فصل اول همین مقاله.

۱۲۶. در صورتی که حفظ امنیت متهم ایجاب کند دیوان می‌تواند دستور رسیدگی غیرعلنی صادر کند یا اینکه مطالب او از طریق دستگاه‌های الکترونیکی یا سایر وسایل خاص شنیده شود.

شهادت داده‌اند سؤال کند و همچنین بخواهد شهودی که له او شهادت می‌دهند با همان شرایط شهود علیه او احضار و از آنها سؤال شود. البته در این حالت اگر دلایلی برای حفظ امنیت شهود وجود داشته باشد شهادت ممکن است به طرق دیگری اخذ شود.

۸-۲. حق استفاده از زبان خود

در صورتی که زبان مورد استفاده در جلسه‌ای از جلسات دادرسی یا در سندی از اسناد ارائه شده به متهم زبانی نباشد که متهم می‌فهمد یا تکلم می‌کند او حق دارد بطور رایگان از کمک مترجمی ذیصلاح یا ترجمه اسناد، که لازمه رعایت انصاف باشد، برخوردار شود.

۹-۲. عدم اجبار متهم به ادای شهادت بر ضد خود

متهم نباید وادار به ادای شهادت علیه خود یا اقرار به محکومیت خود شود.

همانگونه که ملاحظه می‌شود حقوق متهم در واقع همان حقوقی است که ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ پیش‌بینی کرده است. پیش‌بینی این موارد از آن جهت است که انصاف و حقوق بشر در دادرسی‌های دیوان کیفری بین‌المللی رعایت شود.

۳. نحوه رسیدگی

شعبه بدوی در آغاز رسیدگی دستور قرائت کیفرخواست را می‌دهد. شعبه پس از اینکه تفهیم اتهام به متهم را احراز و از رعایت حقوق متهم مطمئن شد اجازه می‌دهد تا او به دفاع از خود بپردازد. شعبه رسیدگی‌کننده موظف است که دادرسی را بطور منصفانه و با جدیت و علنی اداره کند، مگر آنکه حفظ متهم و شهود و قربانیان و یا محرمانه ماندن اطلاعات و یا حساس بودن مطالب شهود ایجاب کند که برخی جلسات غیرعلنی شود.

مدیر دفتر دادگاه موظف است که صورتجلسه کاملی از دادرسی را تهیه و نگهداری نماید.

شعبه پس از استماع کیفرخواست، شهادت شهود، دفاعیات متهم و بررسی دلایل و مدارک، مبادرت به صدور حکم می کند.

III. صدور احکام

در قسمت صدور احکام دو مسأله قابل بررسی است.

الف. قانونی بودن احکام^{۱۳۷}

حکم صادره از سوی دیوان باید قانونی باشد؛ به عبارت دیگر متهم نمی تواند محکوم شناخته شود مگر آنکه:

۱. تقصیر یا قصور او داخل در قلمرو جنایت کشتار جمعی، تجاوز یا نقض شدید قوانین و عرفهای جاری در مخاصمات مسلحانه و یا جنایت بر ضد بشریت قرار گیرد.

۲. تقصیر یا قصور او داخل در قلمرو سایر جنایات باشد مشروط بر اینکه معاهده مربوط به آن جنایت در لحظه وقوع آن عمل یا قصور برای متهم لازم الاجرا باشد.

همانطور که ملاحظه می شود در حالت دوم زمانی که دولتی عضوی از آن معاهدات نباشد، دیوان صلاحیت رسیدگی به تقصیرها و قصورهایی را که در قلمرو آن معاهده واقع است نخواهد داشت. در این حالت دیوان زمانی می تواند صلاحیت رسیدگی به جنایت یا جنایات مندرج در آن معاهده را دارا شود که آن معاهده به صورت عرف و یا فراتر از آن به صورت قواعد آمره درآید، چون که در این موارد آن معاهده نسبت به متهم قابل تسری است و از آن بابت دیوان کیفری بین المللی صلاحیت رسیدگی خواهد داشت.

ب. نحوه تصمیم‌گیری

حداقل باید چهار قاضی در هنگام رسیدگی به هر پرونده حضور داشته باشند. حکم دادگاه با رأی اکثریت قضات صادر می‌شود. حداقل موافقت سه قاضی برای محکومیت، نوع مجازات و یا تبرئه متهم لازم است. اگر شعبه رسیدگی کننده با حضور حداقل چهار قاضی تشکیل شود و پس از مشورت و در مدتی که به حد کافی طولانی است نتواند تصمیم بگیرد، می‌تواند دستور دادرسی مجدد را صادر کند.

رأی دیوان باید مکتوب و مستدل بوده و در جلسه علنی قرائت شود.^{۱۲۸} تصمیم دیوان کیفری بین‌المللی تنها رأیی است که از سوی آن دیوان صادر می‌شود. بنابراین پیش‌نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، برخلاف دیوان بین‌المللی دادگستری، امکان صدور آرای انفرادی و مخالف قضات را نپذیرفته است. به نظر می‌رسد که پذیرش چنین آرای در امور کیفری شایسته هم نباشد چون ممکن است به اعتبار و آمریت حکم خدشه وارد کند.

IV. قطعی شدن احکام

می‌توان از حکم صادره از شعبه بدوی تقاضای استیناف یا درخواست تجدیدنظر نمود.

الف. استیناف

دادستان یا محکوم می‌توانند از حکم صادره توسط شعبه بدوی تقاضای استیناف کنند. تقاضای استیناف باید به یکی از دلایل زیر باشد:

- نقض آیین دادرسی؛
- اشتباه عملی و حقوقی؛
- عدم تناسب میان جرم و مجازات.

۱۲۸. رجوع شود به ماده ۴۵ پیش‌نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، منبع قبلی، ص ۲۳.

برجسب اینکه استیناف توسط محکوم یا دادستان درخواست شده باشد به این ترتیب عمل می‌شود:

- اگر درخواست استیناف از سوی محکوم باشد، شعبه استینافی می‌تواند حکم صادره را لغو یا اصلاح کند و در صورت نیاز دستور رسیدگی مجدد صادر کند.

- اگر درخواست استیناف از طرف دادستان، از جمله به لحاظ تبرئه متهم باشد، شعبه استینافی می‌تواند دستور رسیدگی مجدد صادر کند.

در صورتی که شعبه استینافی عدم رعایت تناسب میان جرم و مجازات را احراز نماید می‌تواند آن را تغییر داده و تناسب لازم را با توجه به قوانین داخلی دولتها^{۱۲۹} ایجاد نماید.

شعبه استینافی که متشکل از شش قاضی و رئیس دیوان می‌باشد تصمیمات خود را با اکثریت آرا اتخاذ و در جلسه علنی اعلام می‌کند. رأی شعبه استینافی قطعی است مگر از آن تقاضای تجدیدنظر شود.^{۱۳۰}

ب. تجدیدنظر

دادستان یا محکوم می‌توانند از رئیس دیوان تقاضای تجدیدنظر در حکم را نمایند. تقاضای تجدیدنظر زمانی امکان‌پذیر است که دلیل جدیدی کشف شود که بتواند تأثیری تعیین‌کننده بر حکم داشته باشد و متقاضی تجدیدنظر در هنگام صدور حکم محکومیت یا تأیید حکم آن را در اختیار نداشته است.

رئیس دیوان از دادستان یا متقاضی تجدیدنظر می‌خواهد که دلایل خود را برای تجدیدنظرخواهی به صورت مکتوب ارائه کند. رئیس دادگاه، پس از بررسی و قبول تجدیدنظر می‌تواند:

- شعبه بدوی صادره کننده حکم قبلی را مجدداً تشکیل دهد.

۱۲۹. رجوع شود به بحث تعیین میزان مجازات، بخش چهارم، فصل اول همین مقاله.

۱۳۰. رجوع شود به ماده ۴۸ و ۴۹ پیش‌نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، منبع قبلی، ص ۲۴ و ۲۵.

- یک شعبه بدوی جدید ایجاد کند.
 - مسأله را به شعبه استینافی احاله نماید.
 بدین ترتیب روند تجدید نظرخواهی انجام می‌شود.^{۱۳}
 حکم پس از صدور و احتمالاً طی مراحل استیناف یا تجدید نظر یا هر دو قطعی و لازم الاجرا می‌شود.

۷. اجرای احکام

در این قسمت دو مطلب قابل بررسی است یا اینکه حکم بطور کامل اجرا می‌شود و یا اینکه در حین اجرا محکوم از مزایایی از جمله عفو، آزادی مشروط یا تخفیف مجازات برخوردار می‌شود.

الف. اجرای حکم

طبق ماده ۵۸ پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، دولتهای عضو مکلف به شناسایی و اجرای احکام دیوان هستند. برای اجرای مجازات حبس، دیوان کیفری بین‌المللی دولت محل اجرای مجازات را از روی فهرست دولتهایی که آمادگی خود را برای این کار اعلام نموده‌اند انتخاب می‌کند. اگر دیوان دولتی را انتخاب نکند مجازات حبس در زندانی که دولت مقرر در اختیار دیوان قرار می‌دهد اجرا می‌شود. در هر حال دولت مجری مجازات حبس باید حقوق تضمین شده در ماده ۱۰ میثاق حقوق مدنی - سیاسی بخصوص رفتار انسانی و احترام به حیثیت محکومین را رعایت کند. دیوان بر اجرای مجازات حبس چه در دولت مقرر چه در دولت منتخب خود نظارت و کنترل می‌کند.^{۱۳} محکوم علی‌الاصول باید مجازات خود را بطور کامل تحمل کند مگر آنکه بتواند از عفو یا آزادی مشروط یا تخفیف مجازات برخوردار شود.

۱۳۱. رجوع شود به ماده ۵۰ پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، منبع قبلی، ص ۲۵.

۱۳۲. رجوع شود به مواد ۵۸ و ۵۹ پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، منبع قبلی، ص

ب. عفو، آزادی مشروط و تخفیف مجازات

اگر دولت محل اجرای حکم دیوان کیفری بین‌المللی قانون عامی برای عفو، آزادی مشروط یا تخفیف مجازات اشخاص وضع کند که از لحاظ وضعیت و محکومیت همانند محکوم دیوان کیفری بین‌المللی باشند مراتب را به اطلاع دیوان می‌رساند. زمانی که این قانون به اطلاع دیوان رسانده شد، محکوم می‌تواند از دیوان تقاضای عفو، آزادی مشروط یا تخفیف مجازات نماید. رئیس دیوان پس از دریافت درخواست محکوم در صورتی که آن را ظاهراً مستدل بداند شعبه‌ای مرکب از پنج قاضی برای بررسی آن درخواست تشکیل می‌دهد. این شعبه، با توجه به لزوم رعایت عدالت درخواست محکوم را بررسی و در مورد اینکه آیا او باید از عفو، آزادی مشروط یا تخفیف مجازات برخوردار شود تصمیم می‌گیرد.

زمانی که دیوان کیفری بین‌المللی متهمی را به مجازات حبس محکوم می‌کند، شعبه رسیدگی کننده می‌تواند مشخص کند که مجازات از لحاظ عفو، آزادی مشروط یا تخفیف مجازات باید تابع قوانین دولت محل اجرای حکم باشد. تصمیمات بعدی که دولت محل اجرای مجازات براساس قوانین خود اتخاذ می‌کند نیاز به رضایت دیوان ندارد، اما هر تصمیم آن دولت که بتواند تغییر محسوسی در شرایط یا مدت حبس ایجاد کند باید حداقل از ۴۵ روز قبل به اطلاع دیوان رسانده شود.^{۱۳۳}

همانطور که ملاحظه می‌شود امکان برخورداری از عفو، آزادی مشروط و یا تخفیف مجازات برای محکومین دیوان کیفری بین‌المللی تابع قوانین داخلی دولتها (دولت محل اجرای حکم) است. به نظر نمی‌رسد که این مسأله با عدالت منطبق باشد، چون که قوانین دولتها می‌توانند متفاوت باشند. بدین ترتیب ممکن است عده‌ای از محکومین دیوان کیفری بین‌المللی که جرم مشابهی مرتکب شده اند در دولت یا دولتهایی از عفو یا آزادی مشروط یا تخفیف مجازات برخوردار شوند در حالی که عده دیگری همانند آنها در دولت یا دولتهای دیگر از این امتیازها برخوردار نشوند.

۱۳۳. رجوع شود به ماده ۶۰ پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، منبع قبلی، ص ۳۰.

فصل دوم

تعیین مجازاتها و اجرای آنها در دادگاههای کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا

I. تعیین مجازاتها

همانطور که در مورد دیوان کیفری بین‌المللی ملاحظه شد در این قسمت ابتدا باید ماهیت مجازاتها و سپس میزان آنها مشخص شود.

الف. ماهیت مجازاتها

ماده ۲۴ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و ماده ۲۳ اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای رواندا مجازات حبس و ضبط اموال و منافع مکتسبه از طرق نامشروع از جمله کاربرد اجبار را پیش بینی کرده‌اند.

همانگونه که ملاحظه می‌شود این دادگاهها نیز همانند دیوان کیفری بین‌المللی مجازات مرگ را نپذیرفته‌اند. با توجه به اینکه^{۱۳۳} در این مورد قبلاً بحث شده است از تکرار آن خودداری می‌شود.

ب. میزان مجازاتها

برای تعیین میزان مجازات اساسنامه‌های دادگاههای کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا مسأله را به قوانین داخلی آن دو کشور احاله می‌کنند. اما به لحاظ اندک تفاوتی که میان این مسأله در دو کشور وجود دارد لذا آن را در دو قسمت مطالعه می‌کنیم.

۱. میزان مجازاتها در دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق

طبق ماده ۲۴ (بند یک) اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق این دادگاه همان مجازاتهای حبس قابل اعمال توسط

۱۳۳. رجوع شود به بخش چهارم، فصل اول، همین مقاله.

محاکم یوگسلاوی سابق را اجرا می‌کند؛ یعنی مجازاتهای حبس که در مجموعه مقررات جزایی جمهوری فدراتیو سوسیالیستی یوگسلاوی سابق پیش بینی شده و هنوز در دولتهای یوگسلاوی سابق لازم الاجرا می‌باشد. این راه حل منطقی به نظر می‌رسد چون که:

- اولاً جنایات واقع در قلمرو صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق جنایاتی هستند که در سرزمین یوگسلاوی سابق رخ داده‌اند

- ثانیاً مرتکبین و قربانیان این جنایات اتباع یوگسلاوی سابق می‌باشند.

اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق با پیش بینی این امر، در واقع، اصول سرزمینی بودن و شخصی بودن قوانین جزایی را برای دولتهای یوگسلاوی سابق رعایت کرده است. مجازات حبس می‌تواند حبس ابد و یا حبس مدّت دار باشد.^{۱۳۵} در حالت اخیر میزان حبس را قاضی با توجه به وجود کیفیات مشدده و یا مخففه تعیین می‌کند.

در صورت تعدد مجازاتها، شعبه بدوی مشخص می‌کند که آیا این مجازاتها باید پی در پی اجرا شوند یا اینکه باید با هم جمع شوند. علاوه بر مجازات حبس، ماده ۲۴ (بند ۳) اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق ضبط کلیه اموال مکتسبه از طرق نامشروع و به زور را پیش بینی کرده است. این قاعده منطبق با قطعنامه ۷۷۹ مورخ ۶ اکتبر ۱۹۹۲ شورای امنیت است.^{۱۳۶} به نظر می‌رسد که ضبط این اموال یک قاعده عرفی باشد چون در ماده ۲۸ اساسنامه دادگاه نظامی نورمبرگ نیز پیش بینی شده است. طبق این ماده دادگاه می‌تواند علاوه بر مجازاتی که برای متهم در نظر می‌گیرد، کلیه اموال مسروقه را از شخص مجرم گرفته و

۱۳۵. رجوع شود به ماده ۱۰۱ آیین دادرسی دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، منبع قبلی، ص ۱۱۴.

۱۳۶. رجوع شود به بند ۵ قطعنامه ۷۷۹ مورخ ۶ اکتبر شورای امنیت سازمان ملل متحد در

"The United Nations and The Situation in the former Yugoslavia", D.P.I, New York, July 1995, p. 134.

در اختیار شورای نظارت در آلمان قرار دهد.
 طبق اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق این اموال به صاحبان اصلی آنها بازگردانده می‌شود.
 لازم است به این مسأله اشاره نمود که شورای امنیت به دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق صلاحیت نداده است تا در مورد خسارات وارده به قربانیان نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه تصمیم بگیرد. به نظر می‌رسد که این وظیفه در صلاحیت انحصاری دادگاههای داخلی باشد که براساس قوانین ملی ذیصلاح می‌باشند. همچنین شورای امنیت صندوق خاصی هم برای جبران خسارات وارده به قربانیان بوجود نیاورده است؛ در حالی که شورای امنیت در بحران دوم خلیج فارس (حمله عراق به کویت) با قطعنامه ۶۸۷ مورخ ۱۹۹۱ چنین صندوقی ایجاد نموده است.

بنابراین دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در مورد تعیین خسارات باید متوسل به عملکرد محاکم دولتهای ناشی از فروپاشی یوگسلاوی سابق شود. دلیل این مسأله آن است که:
 - اولاً دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در حقوق بین‌الملل منابعی برای تعیین جرایم دارد اما در مورد مجازات فاقد چنین منابعی است.

- ثانیاً ارجاع این امر (تعیین خسارات) به محاکم داخلی اجازه می‌دهد که اصل «قانونی بودن جرایم و مجازاتها» رعایت شود. این امر با توجه به این نکته است که اغلب مرتکبین جنایات در سرزمین یوگسلاوی سابق از اتباع آن دولت هستند و از این لحاظ می‌توانند تحت حکومت قوانین جزایی آن کشور باشند.

- ثالثاً ارجاع این امر (تعیین خسارات) به محاکم داخلی از لحاظ سیاسی نیز مناسب می‌نماید؛ چون که به این دولتها اجازه می‌دهد، حتی به صورت غیرمستقیم، در سرکوب جنایات ارتكابی در سرزمین خود مشارکت

۲. میزان مجازاتها در دادگاه بین‌المللی برای رواندا

طبق ماده ۲۳ اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای رواندا، این دادگاه همان مجازاتهای حبس قابل اعمال در دادگاههای رواندا را اجرا می‌کند. همانطور که ملاحظه می‌شود از این لحاظ فرقی با دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق ندارد. اما با توجه به اینکه دادگاه بین‌المللی برای رواندا از لحاظ صلاحیت محلی، صلاحیت رسیدگی به جنایاتی را هم دارد که توسط شهروندان رواندایی در سرزمین دولتهای مجاور هم اتفاق افتاده است دارد. ممکن است اجرای ماده ۲۳ را با مشکل مواجه کند؛ چون که دولتهای مجاور نیز می‌توانند طبق اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی، صالح به رسیدگی باشند. در این حالت چرا باید فقط مجازات حبس پیش‌بینی شده در قوانین جزایی رواندا قابل اعمال در مورد جنایاتی باشد که خارج از رواندا اتفاق افتاده‌اند. به نظر می‌رسد بهتر بود که در این مورد اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای رواندا پیش‌بینی می‌کرد که در صورت وقوع این جنایات در سرزمین دولتهای مجاور دادگاه بین‌المللی برای رواندا مجازات حبس قابل اعمال در دادگاههای آن دولتها را اجرا کند اما اساسنامه این دادگاه صلاحیت شخصی را ملاک تعیین مجازات در نظر گرفته است. از آنجا که سایر موارد مربوط به مجازات حبس شبیه به دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق است از تکرار آن خودداری می‌شود.

ماده ۲۳ (بند ۳) علاوه بر مجازات حبس برای مرتکبین جنایات پیش‌بینی شده، استرداد اموال و منافع مکتسبه از طرق نامشروع و بخصوص از طریق کاربرد زور را پیش‌بینی کرده است. با توجه به مشابهت این مورد و همچنین عدم پیش‌بینی جبران خسارات قربانیان نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه با مورد یوگسلاوی سابق از تکرار آن خودداری می‌شود.

۱۳۷. رجوع شود به:

II. دادرسی

الف. تحقیق و تعقیب

طبق ماده ۱۸ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و ماده ۱۷ اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای رواندا، دادستان خود براساس اطلاعات موثق مکتسبه از هر منبعی بخصوص از دولتها، از ارکان سازمان ملل متحد، از سازمانهای بین‌الدولی و غیردولتی تحقیق را آغاز می‌کند. دادستان پس از بررسی اطلاعات مکتسبه نظر خود را در مورد تعقیب یا منع تعقیب اعلام می‌دارد.

دادستان صالح برای بازجویی از مظنونین و استماع اظهارات قربانیان و شهادت شهود، جمع‌آوری اسناد و مدارک و معاینه محلی می‌باشد. دادستان در اجرای این وظیفه می‌تواند از کمک دولتهای مربوطه و انتریول استفاده کند.^{۱۳۸} کلیه مظنونین حق دارند در هنگام بازجویی از خدمات یک مشاور به انتخاب خود از جمله از وکیل تسخیری در صورت عدم توانایی مالی برخوردار شوند. آنها همچنین می‌توانند، در صورت لزوم از مترجم استفاده کنند.

دادستان در انجام تحقیقات خود اگر دلایل را برای پیگرد کافی بداند، کیفرخواست صادر می‌کند و در آن بطور مختصر اعمال و جنایت یا جنایات انتسابی به متهم را شرح می‌دهد. این کیفرخواست به یکی از قضات شعبه بدوی رسیدگی کننده ارجاع می‌شود. این قاضی کیفرخواست را بررسی و در صورتی که آن را مبتنی بر دلایلی بداند تأیید و در غیر این صورت رد می‌کند.

اگر قاضی کیفرخواست را تأیید کند، قرارهای لازم و دستور دستگیری و حبس متهم یا متهمین را صادر می‌کند.^{۱۳۹} همانگونه که مشاهده

۱۳۸. رجوع شود به ماده ۳۹ آیین دادرسی دادگاه کیفری برای یوگسلاوی، منبع قبلی، ص ۷.

۱۳۹. رجوع شود به ماده ۱۹ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و ماده ۱۸ اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای رواندا.

شد این اعمال در دیوان کیفری بین‌المللی توسط رئیس دیوان انجام می‌شود.

ب. رسیدگی

طبق ماده ۲۰ اساسنامه دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق و ماده ۱۹ اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای رواندا، شعبه بدوی رسیدگی کننده پس از اینکه تفهیم اتهام به متهم را احراز و از رعایت حقوق او مطمئن شد دستور قرائت کیفرخواست را می‌دهد. آن شعبه در این مرحله پس از اطمینان از اینکه متهم از مضمون کیفرخواست مطلع شده است به او دستور دفاع از خود را می‌دهد. دادگاه همچنین به استماع شهادت شهود و قربانیان می‌پردازد. در مرحله رسیدگی، متهم از حقوقی برخوردار است که فرقی با حقوق متهم در دیوان کیفری بین‌المللی ندارد و در واقع همان مواردی است که در ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی شده است. در پایان رسیدگی دادگاه مبادرت به صدور حکم کند.

III. صدور احکام

طبق ماده ۲۳ اساسنامه دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق و ماده ۲۲ اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای رواندا شعبه بدوی رسیدگی کننده حکم خود را صادر و مجازاتهای پیش‌بینی شده را برای اشخاصی که محکوم به نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه شده‌اند تعیین می‌کند. حکم دادگاه با اکثریت قضات شعبه بدوی در جلسه علنی صادر و اعلام می‌شود. حکم باید مکتوب و مستدل باشد. در ضمن نظرات انفرادی و مخالف نیز ضمیمه حکم می‌شود.

همانگونه که ملاحظه می‌شود دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و دادگاه بین‌المللی برای رواندا، برخلاف دیوان کیفری بین‌المللی، وجود نظرات انفرادی و مخالف قضات را پذیرفته‌اند و از این جهت شبیه به دیوان بین‌المللی دادگستری می‌باشند. همانطور که بیان شد به نظر

نمی‌رسد پذیرش نظرات انفرادی مخالف در امور کیفری چندان شایسته باشد.

IV. قطعی شدن احکام

می‌توان از حکم بدوی دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و دادگاه بین‌المللی برای رواندا تقاضای استیناف یا درخواست تجدیدنظر نمود.

الف. استیناف

دادستان و محکوم شعب بدوی می‌توانند به یکی از دلایل زیر ظرف ۳۰ روز از تاریخ صدور حکم درخواست استیناف بدهند.

- اشتباه حقوقی که منجر به عدم اعتبار حکم می‌شود.
- اشتباه عملی که منجر به نفی و از میان رفتن عدالت می‌گردد.

شعبه استینافی که مرکب از شش قاضی به ریاست رئیس دادگاه کیفری است تشکیل و براساس پرونده استینافی و احتمالاً دلایل و مدارک جدید به درخواست استینافی رسیدگی می‌کند. این شعبه می‌تواند آرای شعب بدوی را تأیید، لغو یا مورد تجدیدنظر قرار دهد. در صورتی که شعبه استینافی حکم به محکومیت متهم صادر یا حکم محکومیت قبلی را تأیید کند حکم بلافاصله قابل اجراست. شعبه استینافی، در صورت عدم حضور متهم از جمله تبرئه او در مرحله بدوی، حکم خود را در غیاب او صادر و دستور دستگیری را نیز می‌دهد.^{۱۳۰}

ب. تجدیدنظر

طبق ماده ۲۶ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و ماده ۲۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی برای رواندا دادستان یا محکوم ۱۴۰. رجوع شود به ماده ۲۵ اساسنامه دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق و ماده ۲۴ اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای رواندا و همچنین مواد ۱۰۷ تا ۱۱۸ آیین دادرسی دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، منبع قبلی، ص ۱۲۴-۱۲۰.

می توانند از احکام این دادگاهها تقاضای تجدید نظر نمایند. تجدید نظر زمانی ممکن است که دلیل جدیدی کشف شود که در لحظه رسیدگی به پرونده در مراحل بدوی و استینافی در اختیار نبوده و همچنین بتواند تأثیر تعیین کننده ای بر حکم داشته باشد. تقاضای تجدید نظر به همان شعبه ای که به پرونده رسیدگی کرده است تسلیم می شود. اگر اکثریت قضات آن شعبه دلیل جدید را دارای تأثیر تعیین کننده در حکم صادره بدانند، حکم قبلی را مورد تجدید نظر قرار داده و حکم جدید را پس از استماع دلایل طرفین اختلاف صادر می کنند.

از حکم تجدید نظر شده در شعبه بدوی می توان تقاضای استیناف نمود. اگر تجدید نظر از حکم استینافی شده باشد، شعبه استینافی می تواند تجدید نظر آن را به شعبه بدوی احاله کند تا در آن مورد تصمیم بگیرد.^{۱۳} احکام صادره توسط دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق و دادگاه بین المللی برای رواندا پس از صدور و احتمالاً طی مراحل استیناف یا تجدید نظر یا هر دو، قطعی و لازم الاجرا می شوند.

۷. اجرای احکام

الف. اجرای حکم
طبق ماده ۲۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق و ماده ۲۶ اساسنامه دادگاه بین المللی برای رواندا دولت اجرا کننده مجازات حبس توسط دادگاه از روی فهرست دولتهایی که آمادگی خود را برای این کار به شورای امنیت اعلام نموده اند انتخاب می شود. در این حالت به نظر می رسد که به جز دولتهای یوگسلاوی سابق و دولت رواندا سایر دولتها بتوانند داوطلب اجرای احکام صادره در مورد مجازات حبس شوند، مشروط بر اینکه حقوق تضمین شده در ماده ۱۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی،

۱۳۱. رجوع شود به مواد ۱۱۹ تا ۱۲۲ آیین دادرسی دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق، منبع قبلی. ص ۱۲۶.

بخصوص رفتار انسانی و احترام به حیثیت انسانی محکومین، را رعایت کنند.

مجازات‌ها طبق حقوق داخلی دولت مجری و نظارت دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و دادگاه بین‌المللی برای روآندا اجرا می‌شوند. مشکلی که در این حالت وجود دارد این است که با توجه به غیردائمی بودن این دادگاه‌ها چگونه آنها می‌توانند بر اجرای حبس‌های طولی‌مدت و بخصوص بر حبس ابد نظارت کنند.

محکوم علی‌الاصول باید مجازات خود را به طور کامل تحمل کند مگر آنکه بتواند از عفو یا تخفیف مجازات برخوردار شود.

ب. عفو و تخفیف مجازات

طبق ماده ۲۸ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و ماده ۲۷ اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای روآندا اگر محکوم بتواند طبق قوانین دولت مجری مجازات از عفو یا تخفیف مجازات برخوردار شود، آن دولت مراتب را به دادگاه اعلام می‌دارد. رئیس دادگاه، پس از مشورت با قضات و با توجه به اصل رعایت عدالت و اصول کلی حقوق در آن مورد تصمیم می‌گیرد. رئیس دادگاه در تصمیم خود مبنی بر عفو یا تخفیف مجازات محکوم معیارهایی از جمله درجه شدت جرم ارتكابی، رفتار با سایر محکومان در همان وضعیت، بازگرداندن محکوم به اجتماع و همچنین همکاری او با دادستان را در نظر می‌گیرد. مع‌هذا به نظر می‌رسد که باز عدالت چندان رعایت نشود.^{۱۳۳}

همانگونه که ملاحظه می‌شود در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و روآندا آزادی مشروط پیش‌بینی نشده است.

نتیجه‌گیری

سرعت در روند ایجاد یک دیوان کیفری بین‌المللی دائمی و تشکیل دادگاههای کیفری ویژه برای یوگسلاوی سابق و رواندا نشان‌دهنده تمایلات فعلی و تضادهای جامعه بین‌المللی است که در تکاپوی یک «نظم نو جهانی» می‌باشد.^{۱۳۳} آنچه مسلم است اینکه در «نظم نو جهانی» صلح و امنیت بین‌المللی از جایگاه رفیعی برخوردار است. این صلح و امنیت هم، زمانی مستقر و پایدار خواهد ماند که عدالت بطور اعم و عدالت کیفری بطور اخص برقرار گردد. باید افرادی که به ارزشهای بنیادین جامعه بین‌المللی تعرض کرده یا می‌کنند به سزای اعمال خود برسند و مجازات شوند.

بی‌شک اجرای عدالت کیفری بین‌المللی توأم با ترس و هراس فراوانی است شاید مهمترین آنها اعمال کنترل یک یا چند دولت بر نهادهای کیفری بین‌المللی و بکارگیری آنها جهت نیل به مقاصد سیاسی خود باشد. باید بر این ترسها و دل‌نگرانیها فائق آمد و گرنه تجارب تلخ گذشته تکرار می‌شود.

تجارب گذشته نشان داده است که جامعه بین‌المللی به علت عدم برخورد یا برخورد ضعیف با خاطیان و متجاوزین به قواعد و ارزشهای بنیادین خود تاوان سنگینی پرداخته است. به نظر می‌رسد که زمان آن فرارسیده باشد که بتوان با امتناع از تکرار اشتباهات گذشته و با تقویت و اجرای دقیق قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل، به عنوان یک سیستم حقوقی حاکم بر جامعه بین‌المللی، جهانی عاری از درگیری و توأم با صلح و امنیت به وجود آورد. جهانی که در آن همه افراد صرف نظر از هرگونه وابستگی بتوانند در فضای آکنده از صلح و امنیتش از برابری واقعی برخوردار شده و به سوی تعالی سیر کنند.

بهاره ۷۵

۱۳۳. رجوع شود به پل تاورنیه «دادگاه جزایی بین‌المللی: تحولات اخیر» ترجمه دکتر ابراهیم بیگ‌زاده. این مطلب عنوان سخنرانی پرفسور پل تاورنیه است که در فروردین ماه ۱۳۷۴ در دانشکده حقوق دانشگاه شیراز ایراد شد که در شماره ۱۶ و ۱۷ مجله تحقیقات حقوقی به چاپ رسیده است.